

دیدار با استاد پیشکسوت
روزنامه نگاری
حسن زاده: با شغل ام
زندگی می‌کنم



عبوری در نشستی خبری:
در حال انجام
کار بزرگی هستیم



به بهانه تدوین دانشنامه دوجلدی مازندران
ارزش افتخار
آیا دانشنامه پایانی
خواهد داشت؟

شماره بیست و دوم - چهارشنبه ۲۰ دی ۱۳۹۱ - ۲۱ شروینه ماه ۱۵۲۴ تبری

گزارشی از سومین سالگرد درگذشت وزیر فقید کشور؛

رحیمی: ما را از مدیریت کردان محروم کردند

کاندیداهای شورا جلسه تشکیل دادند

نشست نخست نامزدهای احتمالی اصلاح طلب شورای شهر ساری، اوایل هفته جاری، در منزل یکی از نامزدها برگزار شد.
به گزارش مازندنومه، در این نشست انتخاباتی که تعدادی از کاندیدهای مطرح حضور داشتند، بر ویژگی های کارآمدی، سلامت و پاکدستی نامزدهای اصلاح طلب تاکید شد. یکی از کاندیدهای حاضر در این نشست به مازندنومه گفت: پیرو سفارش های مقام معظم رهبری برای برگزاری انتخاباتی پرشور در خردادماه سال آینده، تعدادی از نامزدهای با گرایش اصلاح طلبی که قصد حضور در صحنه انتخابات شورا را دارند، گرد هم جمع شدند تا با تبادل اندیشه، به پویایی عملی و نزدیکی فکری بیشتر و بهتری برسند. وی با بیان این که قرار است تیمی با شعار و هدف مشترک تشکیل دهیم، تصریح کرد: تلاش ما این است با برنامه های مناسب، کاربردی و مردم پسند پا به عرصه انتخابات بگذاریم. این نامزد احتمالی شورای شهر ساری گفت: اصلاح طلبان برای تامین نقطه نظرات و منویات مقام معظم رهبری در هر دو انتخابات ریاست جمهوری و شوراها فعال خواهند بود و کاندیدا معرفی خواهند کرد.



این فیلم او را عاشق مازندران کرد

صفحه ۱۹



مدیران نقدپذیر نیستند

نظرسنجی جدید مازندنومه در دسترس کاربران قرار گرفته است. در این نظرسنجی عملکرد مجمع نمایندگان استان را مطرح نظر قرار داده و پرسیده ایم: به باور ما مجمع نمایندگان در فرایند تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های خرد و کلان استان چندان موثر نیست؛ شما به عملکرد مجمع نمایندگان مازندران چه نمره ای می دهید؟
۲۰-۱۵ ۱۵-۱۰ ۱۰-۵ ۵-۰
برای انتخاب گزینه مورد نظر به ستون نظرسنجی، در صفحه نخست سایت مراجعه کنید. اما در نظرسنجی پیشین از شما این سؤال را پرسیدیم:

یک سوزن به خود

۱- چندی قبل نشستی با عنوان کارگاه تخصصی پیشگیری و مبارزه با مواد مخدر، ویژه اصحاب فرهنگ و هنر در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران برگزار شد در این نشست آمار تکان دهنده ای از شیوع مصرف مواد مخدر و هزینه های ناشی از این معضل، اعلام شد. تعداد خبرنگاران حاضر در این برنامه، سه نفر بود.

۲- چند روز قبل نشست کمیته اطلاع رسانی سی و پنجمین دوره از مسابقات کشوری قرآن کریم در استانداری مازندران برگزار شد که ۱۹ رسانه به عنوان عضو، به این نشست دعوت شده بودند اما در این جلسه هم تعداد خبرنگاران و اصحاب فرهنگ، حتی کمتر از انگشتان یک دست بود.

۳- روز سه شنبه نشست خبری مدیرکل اوقاف و امور خیریه مازندران، با حضور خبرنگارانی برگزار شد که شاید تاکنون برخی از آنها را اصلاً ندیده بودیم.

سالن مملو از جمعیت بود و برخی خبرنگاران هم ایستاده بودند و البته پس از ورود، برای آنها صندلی آورده می شد. حدود ۵۰ خبرنگار در این نشست حضور داشتند.

۴- همواره مدیران و مسئولان را مورد نقد قرار می دهیم که چنین و چنان هستند، به مسئولیت و وظیفه

خود به خوبی رسیدگی نمی کنند، آنها را در تیغ تیز نقد، به انجام وظایف خود، گوشزد می کنیم. این بار تیغ این نقد را به سمت خودمان می کشانیم! اگر ما جزئی از اصحاب فرهنگ هستیم، چرا کارگاه پیشگیری و مبارزه با مواد مخدر را نادیده گرفتیم و در آن حضور نیافتیم؟ رسالت ما در مقابل قشر جوان جامعه که بیشتر در معرض این تهدید قرار دارند، چیست؟ آیا نباید به مسائلی که به معضل در جامعه تبدیل شده، بپردازیم؟ فقط به این مسئله بی تفاوت نبودیم، بلکه در نشست مربوط به مسابقات قرآنی هم حضور نیافتیم. اگر ما اصحاب فرهنگ هستیم و قرآن هم جامع ترین کتاب هاست، نباید نسبت به مسائل مرتبط با قرآن بی تفاوت باشیم.

اما در نشست خبری مدیرکل اوقاف ۵۰ خبرنگار از اقصی نقاط استان حضور می یابند چرا که قرار است هدیه ای دریافت کنند. منکر سختی کار خبرنگاران و بعضاً درآمدهای ناچیز این قشر نیستیم اما رسالت اهل قلم در مقابل جامعه چه می شود؟ آیا باید هر جا که فقط منفعت در میان است جزء اصحاب فرهنگ باشیم و آنجا که سودی برای مان ندارد پا را پس بکشیم؟ این یادداشت در توهین به هیچ یک از همکاران نگاشته نشده و تنها تلنگری برای یادآوری رسالتی است که به آن سوگند یاد شده است.

کثوم فلاحي / خبرنگار مازندنومه

تیترا اخبار

مازندران شورای روابط خارجی می خواهد

آغاز ساخت بیمارستان کودکان سرطانی در ساری

در نشست مطبوعاتی نماینده قائم شهر، کیاکلا، سوادکوه و جویبار شد:

حسینی: من و علیپور کیاکلا را شهرستان کردیم

گزارش تصویری از بارش برف زمستانی در مازندران



گزارش تصویری از ساحل زیبای بابلسر

عکس: وحید بابائزاد

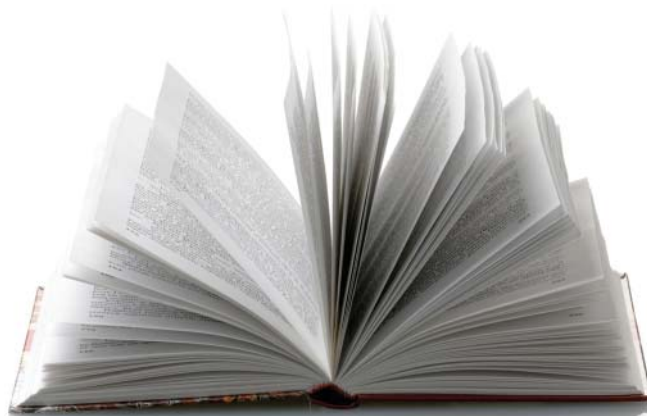


روزنامه آنلاین مازندنومه

آماده درج آگهی های سازمان ها و شرکت ها و موسسات و افراد حقیقی و حقوقی

است؛ شماره تلفن: ۰۹۳۶۰۷۳۳۲۶۶

ای میل: info@mazandnume.com



به بهانه تدوین دانشنامه دوجلدی مازندران

ارزش افتخار

آیا دانشنامه پایانی خواهد داشت؟

دشواری‌ها و گفتاری درباره نوروژ (مقدمه نویسی) - دانشنامه ادب فارسی (سرپرستار) - دانشنامه ناشنایان (سرپرست) - افغانستان در غربت، زندگینامه و نمونه سروده‌های شاعران تبعیدی افغانستان (تالیف) - تاریخ تمدن (ویراستار) - تاریخ سیستم: از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان (ترجمه)

معاون سیاسی و امنیتی استاندار مازندران اعلام کرده مؤلفانی که با دانشنامه همکاری خواهند داشت باید در درجه نخست بومی باشند زیرا بومی نشینان بیش از دیگران، استانی را که در آن زندگی می‌کنند می‌شناسند یا از میان کسانی برگزیده شوند که در حوزه مازندران شناسی کار کرده باشند. چنانچه علاقه‌مندانی باشند که با شیوه دانشنامه نویسی آشنایی نداشته باشند جلساتی برای آنها گذاشته شود و استاد با استنادی در چندین درس گفتار آنها را با این شیوه آشنا سازند و تجربه‌های خود را به آنها انتقال دهند. همچنین در گزینش مؤلف به ویژه برای نوشتن مقالات کلیدی، کسانی را به کار گیرند که با زمینه کار خود آشنا باشند. مثلاً در شناساندن تاریخ نگاران و کتاب‌های تاریخی از آنهایی که در رشته تاریخ درس خوانده‌اند یا دستی در تاریخ دارند بهره‌برداری شود. کمترین فایده این کار است که مؤلف را به کار علمی می‌کشاند و او را با تجربه‌تر و آزموده‌تر می‌سازد.

* دانشنامه دوهزار صفحه‌ای

مسئول تدوین دانشنامه مازندران - هادی ابراهیمی - هدف از تدوین آن را گردآوری آگاهی موجود درباره مازندران در یک کتاب اعلام کرده است. او به سایت استانداری مازندران گفته: چون این اثر متکی به اسناد و مدارک و آخرین آمارها است، پژوهشگران و خواستاران آگاهی علمی و دست اول درباره مازندران در همچون کتاب مرجعی خواهند نگریست و در پژوهش‌های خود به آن استناد خواهند کرد. بنابراین یکی از مهم‌ترین اهداف دانشنامه مازندران، آسان کردن کار پژوهشگران جویندگان آگاهی‌های دقیق درباره مازندران است. معاون استاندار مازندران تصریح کرده که دانشنامه مازندران کتابی خواهد بود تخصصی، یعنی در آن تنها موضوعاتی مطرح می‌شوند که پیوندی با مازندران داشته باشند و به چیزهایی که ارتباطی با مازندران ندارند، پرداخته نخواهد شد، بنابراین پیوند داشتن با مازندران اصلی‌ترین دلیل ورود هر موضوعی به دانشنامه است. به گفته ابراهیمی دانشنامه مازندران کتابی خواهد بود در دو جلد و هر جلد در هزار صفحه دستوری به اندازه‌رحلی معروف به قطع دایره‌المعارفی که در آن همه آگاهی‌های مهم درباره مازندران گرد آمده است. به هر یک از دو جلد پنجاه صفحه عکس رنگی و سیاه سفید افزوده می‌شود و این عکس‌ها متناسب با موضوعات و در کنار موضوع مربوط به خود قرار می‌گیرند تا خواننده درک و دریافت بهتری از موضوعی که می‌خواند پیدا کند. او تأکید کرده که این دانشنامه ترتیب الفبایی خواهد داشت تا خواننده بتواند آسان‌تر به موضوعی که در پی آن است دسترسی یابد و برای رسیدن به مطلبی که می‌جوید ناگزیر به تورق دو جلد کتاب نشود. بنابراین مطلب هر مقاله به مهم‌ترین نکته‌هایی که به آنها نیاز است می‌پردازد و از درازگویی بسیار می‌پرهیزد.

* آیا دانشنامه سرانجام خواهد داشت؟

تلاش شده تدوین دانشنامه دوجلدی مازندران به اهلش سپرده شود و حسن انوشه هم‌مآزندان است، هم اهل فن، لیکن تا پایان عمر دولت کنونی فرصت چندانی نمانده است. مولفان این اثر باید از فارغ از دغدغه‌های مالی و محدودیت‌ها و ضوابط دولتی، تنها در اندیشه تالیف علمی اثر باشند و نهاد دولت در استان باید این دغدغه‌ها را حل و فصل کند. البته هادی ابراهیمی قول داده هزینه پیش‌بینی شده برای دانشنامه پیش از آغاز کار تهیه و به دست هیئت امنا یا هر جایی که احتمال دخل و تصرف در آن نرود سپرده شود تا پس از جابجایی احتمالی پردازندگان این هزینه خلی یا وقفه‌ای در دانشنامه پیش نیاید و مولفان و اداره‌کنندگان آن مطمئن باشند که کارشان به سرانجام می‌رسد. وقفه در تدوین این اثر - به هر دلیلی - هم فرصت سوزی است، هم حیف شدن سرمایه.

باید نوشته شوند به ثبت می‌رسند، مهم‌ترین منابع آنها قید می‌گردند و برای آنها پرونده علمی تهیه می‌شود. از فواید دفتر مرکزی یکی نیز می‌تواند این باشد که در آنجا مولفان علاقه‌مند اما تازه کار را آموزش دهند و برای کارهای پژوهشی آماده سازند.



* انوشه کیست؟

حسن انوشه متولد ۱۳۲۳ بابل است. او پژوهشگر تاریخ و زبان و ادبیات فارسی و سرپرست گروه مؤلفان «دانشنامه ادب فارسی» است. انوشه تحصیلاتش را در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات عرب به‌انجام رساند. وی عضو هیات امنای بنیاد فردوسی است. از جمله آثار انوشه می‌توان این کتاب‌ها را نام برد: تاریخ



ایران کیمبرج: از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان (ترجمه) - تاریخ ایران کیمبرج: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان (ترجمه) - تاریخ ایران کیمبرج: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان (ترجمه) - ایران و تمدن ایرانی (ترجمه)، تاریخ غزنویان (ترجمه) - ایران در سپیده دم (ترجمه) - گزیده نوروژنامه حکیم عمر خیام نیشابوری: همراه با شرح



شود. مهم‌ترین دانشنامه مازندران "فرهنگ واژگان تبری" است که سال ۱۳۸۱ در ۵ جلد زیر نظر جهانگیر نصری اشرفی و گروه مولفان چاپ و پخش شد. کارهای پراکنده‌ای نیز درباره عکس، ضرب المثل‌ها، مشاهیر مازندران و... انجام شده که ناتمام مانده و در فرمت دانشنامه نمی‌گنجد.

* همه کار بدستان دانشنامه

سید علی اکبر طاهایی - استاندار مازندران - که بی‌علاقه به مقوله و فرهنگ و هنر نیست و تلاش‌های او برای تکریم مشاهیر و حفظ و اشاعه سنت‌ها و آیین‌ها و فرهنگ و خرده فرهنگ‌های مازندرانی برای اهل فن ثابت شده است، دوست دارد پیش از به پایان رسیدن عمر دولت کنونی، پروژه‌ی بزرگ فرهنگی - علمی دانشنامه مازندران را به پایان برساند، بنابراین دستور تدوین و تالیف این اثر را صادر کرد و خود نیز چندی پیش به همراه نماینده ولی فقیه در مازندران به دانشگاه فرهنگیان - مرکز تالیف این اثر - رفت و نشان داد که برای چاپ دانشنامه دغدغه دارد. او گفت که در زمان استانداری‌اش در گیلان نیز همین کار را دنبال کرد و به نتیجه رساند. هر مازندرانی فرهنگ دوستی آرزو دارد حتی یک جلد از مجموعه سه جلدی فاخر "کتاب گیلان" در مازندران هم منتشر



شود. محل تالیف دانشنامه و دفتر مرکزی آن دانشگاه فرهنگیان است (پیش‌تر تالیف دانشنامه به دانشگاه مازندران واگذار شده بود)، مسئولیت پروژه هم بر عهده هادی ابراهیمی - معاون سیاسی، امنیتی استاندار - و سرپرست کار نیز حسن انوشه است. هادی ابراهیمی در گفت‌وگو با سایت استانداری مازندران تصریح کرده که در دفتر مرکزی دانشنامه هر یک از موضوعاتی که



دانشنامه عنوان عمومی کتاب‌هایی است که حاوی عصاره و گزیده‌ای از همه رشته‌ها یا همه شاخه‌های یک دانش بشری است. دانشنامه تغییر فارسی واژه «دایره المعارف» است. دایره المعارف واژه‌ای عربی است که در قرن نوزدهم آن را برای واژه «Encyclopedia» از ریشه یونانی «Enkiklospaideia» به معنی «آموزش فراگیر» به کار برده‌اند.



علی صادقی

سر دبیر مازندنومه

* انواع دانشنامه‌ها

دانشنامه‌ها انواع گوناگون دارند و از چند بعد قابل تقسیم بندی هستند. از نظر حجم و گستره اطلاعات به دو دسته دانشنامه‌های مفصل و مختصر تقسیم می‌شوند. از نظر سطح مخاطبان هم دانشنامه‌ها به دو گروه دانشنامه‌های بزرگسالان و دانشنامه‌های کودک و نوجوان قابل تقسیم‌اند. همین‌طور از نظر شمول اطلاعات به دو گروه دانشنامه‌های عمومی و اختصاصی بخش بندی می‌شود. از نظر ساختار هم دانشنامه‌ها یا الفبایی‌اند، یا موضوعی و یا رده‌ای.

* تاریخ ۱۴۰۰ ساله دانشنامه‌های ایرانی

در تاریخ فرهنگ و ادب ایران زمین از سده نخست هجری تاکنون دانشنامه‌های مختلفی نوشته شده‌اند. از دانشنامه‌های دین‌کرد، به زبان پارسی میانه، نوشته آذرفرنبغ فرخزادان و آذرباد امیدان، در سده ۲ و ۳ (اواخر دوره ساسانیان و اوایل دوره اسلام) بگیرد تا دانشنامه علائی، نوشته ابن سینا و ابو عبید جوزجانی در قرن پنجم هجری، زهت نامه علائی، نوشته شاهمردان ابن ابی‌الخیر رازی در قرن ششم هجری، نیز دره التاج لغره‌الدباج، نوشته قطب‌الدین شیرازی، قرن هفتم و هشتم هجری، دانشنامه جهان، نوشته غیاث‌الدین علی حسینی اصفهانی، قرن نهم هجری، گنج معنی، نوشته ابونصر محمد محمودی بخارایی، قرن دهم هجری کشکول، نوشته میرزا سلطان محمود، قرن یازدهم هجری و...

تا دانشنامه‌های معاصر از جمله دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، زیر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، لغت‌نامه دهخدا نوشته جمعی (به سرپرستی علی اکبر دهخدا، محمد معین، سید جعفر شهیدی، و محمد دبیرسیاقی)، انتشار ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۹ ش، دایره‌المعارف فارسی، نوشته و ترجمه جمعی (به سرپرستی غلامحسین مصاحب و رضا اقصی)، انتشار ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۴ ش، دایره‌المعارف تشیع، به سرپرستی مهدی محقق، احمد صدر حاج سیدجوادی، کامران فانی، و بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشار ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۳، دانشنامه جهان اسلام، به سرپرستی مهدی محقق، نصرالله پورجوادی، سید مصطفی میرسلیم، و غلامعلی حداد عادل، انتشار ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲ و... الخ.

به فهرست طولانی دانشنامه‌های ایرانی باید دانشنامه‌های ایرانی چاپ خارج از کشور را نیز اضافه کرد، همچون: دایره‌المعارف آریانا، انتشار ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۸ در کابل به فارسی دری، دایره‌المعارف شوروی تاجیک، انتشار ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۸ م. در دوشنبه به تاجیکی و دانشنامه ایرانیکا. و نیز دانشنامه‌های کودکان و نوجوانان که نزدیک به ده عنوان دانشنامه در این زمینه در کشور تدوین شده و بالاخره دانشنامه‌های رایانه‌ای که در فضای سایبر انتشار یافته‌اند، مانند ویکی‌پدیای فارسی و...

* دانشنامه‌های مازندران

دانشنامه نویسی دانش کهنی در مازندران نیست، بر خلاف تاریخ نویسی که از سال ۶۰۶ هجری قمری در تبرستان سابقه دارد. شاید بتوان از میان نخستین فرهنگ‌نامه‌ها و دانشنامه‌های مازندران به برخی آثار عباس شایان و سید محمد طاهری شهاب اشاره کرد که در دهه‌های گذشته انجام شده و البته دانشنامه به معنای علمی و دقیق آن محسوب نمی‌شود.

گزارشی از سومین سالگرد درگذشت وزیر فقید کشور

رحیمی: ما را از مدیریت کردان محروم کردند

mazandnume
online newspaper

یادداشت میهمان

رازهای سر به مهر

یدالله طاهر نژاد،
نماینده مردم نوشهر و
چالوس در مجلس پنجم
و عضو شورای مرکزی
حزب کارگزاران



روزی که محمود احمدی نژاد ساختمان نه چندان بزرگ استانداری اردبیل را ترک می کرد، کمتر کسی تصور می کرد که او برنامه فتح کاخ پاستور را دارد.

او با برنامه ریزی دقیق و حمایت قاطع جریان اصولگرا توانست با قلمه به ریشه آبادگران، در مدت کوتاهی در قلمستان شهرداری تهران طی یک فرآیند نه چندان پیچیده آن قلمه را به گل و میوه بنشانند.

این فتح بزرگ که بیشتر به افسانه شبیه است تا بخشی از تاریخ سیاسی یک کشور، در زمانی اتفاق افتاد که احمدی نژاد ناشناخته بود و جایگاه خاصی در بین مردم نداشت، احمدی نژاد سال ۸۲ چیزی در اختیار نداشت و هیچ نشانی هم از او در عرصه بین المللی نبود.

اما امروز با احمدی نژاد سال ۹۱ مواجهیم که نام و نشان و آلات و غلاف دارد، در عین حال شیدا نیازمند ادامه حفظ فضایی است که بتواند تا مدتی سرپوش اقدامات عجیب خود که در تاریخ ایران از زمان صفویه تا امروز بی سابقه است بگذارد، پس مسلم است که تحرکاتی برای انتخابات ریاست جمهوری یازدهم دارد و حتی نگاه به پیروزی در این انتخابات.

کاملا طبیعی است و بلکه نیاز ادامه حیات سیاسی به سبک اوست. او باید نگران شفاف سازی اقدامات دولت خود در حوزه های مختلف توسط دولتی باشد که از جریان فکری مخالف یا منتقد او سر برمی آورد؛ بنابراین تمام سعی خود را خواهد کرد که این رازهای سر به مهر در اختیار دولتی باشد که برگزیده یا همسو با او و نزدیکانش است.

و حتما هم تمام تلاش خود را خواهد کرد که دولت مورد نظر خود را به قدرت بنشانند تا با خطری آسوده در سایه قدرت فعالیت آتی خود را طراحی و اجرا کند.

او این مسیر را طی خواهد کرد و بعید است اصولگرایان قدرت مقابله با او را داشته باشند و بتوانند برنامه های او را متوقف یا منحرف کنند چرا که احمدی نژاد تجربه خود را برای این مسیر پرخطر به کار بسته و مهیا کرده است و توشه و بار کافی برای مقابله با موانع احتمالی را دنبال خود دارد.

پس احمدی نژاد جدی است

و باید در سال ۹۲ او را جدی تر دید.



قابلیت های مدیریتی کردان را که راهگشا بود، معرفی و برای نظارت تاریخ، مکتوب کنیم، تصریح کرد: هنوز نتوانسته ایم علت سکوت کردان را دریابیم. فرزند وزیر فقید کشور در دولت نهم، اظهار داشت: طراح پروژه استیضاح کردان، به خوبی می دانست که برای دست یافتن به اهداف شوم خود، گزینه خوبی را پیدا کرده است. وی با بیان اینکه حذف کردان به معنای آماده سازی بستر برای پروژه های برنامه ریزی شده آینده بود، خطاب به حاضران یاد آور شد: از شما می پرسیم آیا اگر کردان در مسند وزارت بود، حوادث سال ۸۸ و فتنه این چنینی رقم می خورد؟ کردان با اشاره به اینکه امروز حتی بعد از تجربه تلخ ماجرای کردان، نه تنها متاثر و پشیمان نیستند، افزود: بلکه پشت تریبون های هفتگی سخن گفته و شخصیت های ما را مورد حمله قرار می دهند. وی با بیان اینکه به یکی انگ می زند که پول های هنگفت را از کجا آورده ولی وقتی برای انتخابات آنها هزینه می شود، محل خرج کردن این پول بلامانع است، گفت: دیگری را هم انحراف می دانند و رکیک ترین الفاظ را به شخص اول و بزرگ تر از آن نثار می کنند ولی فقط ۵۰ هزار تومان جریمه دارد و قیمت آبرو و شرف بزرگان، چه ارزان شده است. فرزند علی کردان، خاطرنشان کرد: جای خالی پدر در مسائل مختلف، آنچنان آزاردهنده است که دوست و دشمن اذعان می داند که کردان حلقه مفقوده حوزه های مدیریتی امروز است. وی یاد آور شد: جای خالی کردان واقعا احساس می شود.

مازندران عشق می ورزید. رحیمی با اشاره به اینکه مازندرانی و غیرمازندرانی، مازندران را دوست دارند، تصریح کرد: اما هرگز ندیدم فردی مانند کردان نسبت به مازندران متعصب داشته باشد و کردان در مدیریت نظیر نداشت. رحیمی با اشاره به اینکه کردان می توانست ۳۰ سال دیگر هم برای کشور و مازندران خدمت کند، افزود: ما را از مدیریت و تدبیر او محروم کردند. معاون اول رئیس جمهور خاطرنشان کرد: بی تردید مرحوم کردان از جور ظالمان در نیمه عمر و نصف راهی که راه تعالی بود، جان به جان آفرین تسلیم کرد.

استاندار مازندران در این مراسم، اظهار داشت: همه مصیبت ها وقتی به حسین (ع) می رسد، رنگ می بازد. سید علی اکبر طاهایی با اشاره به اینکه در تاریخ اتفاق افتاده که گاهی ناسپاسی دامان خادمانی که دلداده مکتب حسینی هستند را گرفته است، یاد آور شد: من کردان را می دیدم که در حسینیه امام صادق که در خانه اش برپا کرده و در سوگ ائمه، به احترام مکتب عزای فاطمه و حسین، تمام مجلس را می ایستاد هرگز گمان نمی بردم سرگذشتی این چنین بیابد.

فرزند علی کردان در این مراسم گفت: در بیان مظلومیت کردان، همین بس که با گذشت سه سال از درگذشت او، نتوانستیم مظلومیت او را کنار زده و شخصیت او را فراتر از حلقه تنگ رسانه ها و تریبون ها معرفی کنیم. مرتضی کردان با بیان اینکه هنوز نتوانستیم

سومین سالگرد درگذشت علی کردان، در حسینیه ی چهار دانگه ای های مقیم ساری در حالی برگزار شد که برخی اعضای هیئت دولت از جمله محمدرضا رحیمی، سید محمد حسینی، مصطفی نجار، مجید نامجو، یکی از



کلتوم فلاهی
خبرنگار مازندنومه

معاونان وزارت علوم، استاندار مازندران، نماینده ولی فقیه در مازندران، شجاعی نماینده مردم ساری، معاون سیاسی امنیتی استاندار، مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مدیرکل صدا و سیمای مازندران، مدیرکل اطلاعات مازندران، مدیرکل آموزش و پرورش مازندران، جمعی از مدیران استانی و شهرستان و مردم منطقه بلوار کشاورز در این مراسم حضور داشتند. ابتدای این مراسم با نوحه خوانی شروع شد، سپس فرزند علی کردان، استاندار مازندران و معاون اول رئیس جمهور صحبت کردند. این مراسم تقریباً یک ساعت به طول انجامید که حدود ۳۰ دقیقه آن به نوحه سرایی اختصاص یافت و شش دقیقه مرتضی کردان سخنرانی کرد. حدود ۱۰ دقیقه استاندار مازندران و حدود ۱۵ دقیقه هم رحیمی.

معاون اول رئیس جمهور در این مراسم گفت: ماجرای مظلومیت کردان هنوز برای مازندرانی ها روشن نشده است. این مسئول افزود: او یکی از خدمتگزاران صدیق مردم مازندران بود و به مردم



عکس: مصطفی کاظمی شهبانی

گزارشی درباره سرعت کاه های مازندران

کسی این سرعت گیرها را دوست ندارد

راه های استان روستاها و مناطق مسکونی قرار دارند بهتر است در صورت ایجاد سرعت کاه های استاندارد و قانونی بارنگ های برجسته اسکرید یا اکستروژن یا نشانه های دیگر آشکار سازی انجام شود. نجفی تصریح کرد: در شهرهایی که جاده اصلی از مرکز آن ها می گذرد نیز شهرداری ها موظف هستند قوانین راه و شهر سازی را رعایت کنند و از نصب سرعت کاه های غیر استاندارد خودداری کنند. این مسئول گفت: با مسئولان استانداری و شهرداری ها مکاتباتی برای جمع آوری این موانع غیر استاندارد در سراسر استان انجام شد و از همه مسئولان به ویژه مسئولان قضایی، نیروی انتظامی، شهرداری ها، فرمانداری ها و استانداری انتظار داریم برای جمع آوری این سرعتکاه ها با راهداری همکاری کنند. زیرا نصب این موانع هیچ توجیه منطقی و علمی ندارد. به گفته وی شهروندان سراسر استان می توانند از شهرداری یا هر نهاد و شخص که اقدام به ایجاد این موانع کردند به مراجع قانونی شکایت کنند.

مخالف نصب سرعتکاه در خارج از محدوده هستیم

دبیر شورای ترافیک و حمل و نقل مازندران با بیان این که با نصب هرگونه سرعت کاه در خارج از محدوده شهرها و جاده های بین راهی مخالف هستیم، گفت: سرعت کاه هایی که در داخل شهرها وجود دارند، با مصوبه و دستورالعمل مدون از وزارت کشور نصب می شوند. کنیم می بینیم ۲۸ درصد کشته شدگان تصادفات در مازندران عابران پیاده هستند، این آمار بیانگر رعایت نشدن بسیاری از قوانین در رفت و آمدهای خودروها و عابران است. وی اظهار کرد: مبنای نصب این سرعت کاه ها کاهش سرعت و در نهایت کاهش تصادفات و خسارات مالی و جانی شهروندان است، تقریباً در سراسر دنیا این تمهیدات انجام می شود و این که اعلام شود سرعت کاه سبب بروز خسارت می شود چندان درست نیست. دلیل خسارت هایی که در نگاه نخست به دلیل وجود سرعت کاه ها اتفاق می افتد رعایت نکردن سرعت قانونی و فاصله طولی با خودروی جلویی است. این مسئول خاطر نشان کرد: تمام سرعت کاه هایی که در شهرها نصب می شود، پس از بررسی محل مورد نظر و انجام کارشناسی های لازم مانند نوع کاربری منطقه، مشخص کردن سرعت مطمئنه و ممکن، میزان رفت و آمد عابران و مشخصات خیابان مورد نظر تصویب می شود. برای مثال اگر تشخیص داده شود در یک خیابان با در نظر گرفتن همه جوانب ایمنی امکان تردد خودرو با سرعت ۳۰ کیلومتر در ساعت وجود دارد، سرعت کاهی که نصب می شود در صورت تردد با سرعت مقرر هیچ خسارتی به خودرو وارد نمی کند. دبیر شورای ترافیک و حمل و نقل مازندران تصریح کرد: در واقع رسالت سرعت کاه کاهش سرعت خودرو در تمام مسیرها است و قرار نیست رانندگان فقط در محل نصب سرعت کاه از سرعت خودرو بکاهند، عمده افرادی که از نصب سرعت کاه شکایت دارند، رانندگانی هستند که سرعت قانونی را رعایت نمی کنند. چون در صورت رعایت سرعت مصوب و مقرر هیچ خسارتی به خودرو وارد نمی شود. از دردی یاد آور شد: اگرچه فرهنگ سازی یکی از مباحث زیر ساختی و مورد نیاز در این موضوع است، نمی توان تارسیدن جامعه به حد مورد نظر هیچ اقدامی انجام نداد و شاهد بروز خسارت و کشته شدن شهروندان بود، نصب این سرعتکاه ها به مرور زمان می تواند یک روند آموزشی اجباری برای رانندگان متخلف باشد و سبب شود پس از مدتی افراد جامعه به قوانین راهنمایی و رانندگی بیشتر عمل کنند، اما متأسفانه به دلیل رعایت نکردن مقررات ما هنوز در مرحله اجبار و آموزش مانده ایم. وی افزود: در بحث فرهنگ سازی ترافیک هم در انجام شده است، توزیع کتاب های حمل و نقل و ترافیک در مدارس و مهدها و برگزاری برنامه های فرهنگی با این موضوع گام های موثری در فرهنگ سازی ترافیک هستند که به اشکال مختلف ادامه خواهند داشت.

شرح کامل این گزارش در پایگاه خبری مازندنامه به نشانی www.mazandnume.com آمده است



می یابد و بر آلودگی محیط زیست به شدت تاثیر می گذارد که در بروز بیماری های ریوی، ضایعات کبدی، کلیوی و دستگاه گوارش نقش بسزایی دارد. این آلودگی ها حتی می توانند موجب اثرات سوء مغزی در کودکان، نابابوری در زنان و حتی عوارض چشمی مانند کاهش تشخیص فاصله شود. مطالبی با تاکید بر این که نصب سرعت کاه مغایر با قانون ایمنی راه ها است، خاطر نشان کرد: تکنولوژی به کمک انسان آمد تا برخی کاستی ها جبران شود، خودرو هم یکی از این موارد است که به عنوان یک فرصت نباید آن را به تهدید تبدیل کرد، بهتر این راه برای این کار آموزش ترافیک است. راننده ها باید آموزش ترافیک ببینند. کارشناس عالی علوم انتظامی و تصادفات تصریح کرد: دانش، هنر و تجربه رانندگی ۳ فاکتور مهم رانندگی هستند. وقتی می گوئیم راننده در هنگام ترکیدن لاستیک خودرو چه واکنشی باید نشان دهد از دانش رانندگی سخن گفته ایم. متأسفانه این آموزش ها داده نمی شود، اگر آموزش ها به درستی انجام شود نیازی به سرعت کاه نیست. خود قانون راه ها می گوید نصب هرگونه برآمدگی در سطح راه ممنوع است. وی یاد آور شد: متأسفانه مردم برخی از مسئولان فکر می کنند اگر سرعت کاه نصب کنند معضل حل می شود. در حالی که صورت مساله پاک شده است. باید آتقدر آموزش داده شود که مفرات ملکه ذهن همه شود. مطالبی تصریح کرد: متأسفانه ما در ترافیک هنوز به دنبال آزمون و خطا هستیم و کار کارشناسی انجام نمی دهیم، ترافیک یک دانش و امر کارشناسی است که باید تمام موارد مرتبط با آن با کارشناسی انجام شود. خیلی از موارد لازم و ضروری وجود دارد که آموزش داده نمی شود و در نهایت سبب می شود در هر ۲۰ دقیقه یک نفر بر اثر تصادف در ایران کشته شود و به گفته کارشناسان جاده های ایران جهنم رانندگان باشد.

نصب سرعتکاه در راه های اصلی و فرعی ممنوع است

مدیر راهداری اداره کل راه و شهرسازی استان مازندران نیز با بیان این که نصب سرعت کاه در راه های اصلی و فرعی ممنوع است، گفت: ایجاد هر گونه مانع با ضخامت بیش از ۲۵ میلی متر در راه های اصلی ممنوع است. وی گفت: در نقاط حادثه خیز که جاده از لحاظ هندسی مشکل ندارد و رانندگان قوانین را رعایت نمی کنند هم یک سری سرعت کاه با انجام تمهیدات آشکار سازی و نصب علائم مانند تابلوهای چشم گریه ای و استارت نصب می شود. «عباسعلی نجفی» افزود: نصب موانع با ضخامت بیشتر از ۲۵ میلی متر در راه های اصلی ممنوع است. در راه های فرعی هم می توان سرعتکاه هایی به طول ۱۲ متر و حداکثر ضخامت ۷۵ تا ۱۰۰ میلی متر نصب کرد، اما متأسفانه در استان مرسوم شده است که بیشتر شهرها و روستاها اقدام به نصب سرعت کاه در اندازه های مختلف کرده اند که نه طول و نه ضخامت در آن ها رعایت می شود و گاهی ضخامت این سرعتکاه ها به ۲۰ سانتی متر هم می رسد. وی اظهار کرد: با توجه به این که معمولاً در حاشیه

توسط شهروند بابلی منجر به تصادفات و ایجاد خسارت می شود. برخی از این سرعت کاه ها بر اساس هیچ مصوبه و قانونی نصب نشده، تنها به دلیل احساس نیاز اهالی یک منطقه با دست خودشان ساخته می شود. نمونه هایی از این دست در مناطق مختلف استان دیده می شود که مسافران و رانندگان نا آشنا با محورهای ارتباطی استان را با مشکل مواجه می کند. وجود سرعت کاه ها فقط به جاده های شهری و بین شهری محدود نمی شود و در بسیاری از روستاها به اشکال مختلف شاهد این پدیده ترافیکی هستیم. نکته قابل توجه اعتراض بسیاری از شهروندان نسبت به نصب این موانع و مشخص نبودن متولی اصلی نصب سرعت کاه ها است. اگرچه ریشه های متعددی برای اقدام خودسرانه برخی شهروندان در نصب سرعت کاه می توان یافت، آنچه واضح است وجود ضعف هایی در فرهنگ ترافیکی و رانندگی است که سبب می شود عده ای به ناچار برای پیشگیری از خطرات احتمالی دست به این اقدام بزنند و خطرات دیگری را به وجود بیاورند. وقتی شهری را در نظر بگیریم که همه رانندگان با سرعت قانونی در آن رانندگی کنند و عابران هم برای تردد از عرض خیابان از محل های مشخص و پل های عابر استفاده کنند، قطعاً دلیلی برای استفاده از سرعت کاه وجود نخواهد داشت. البته همه این خلاءها و ضعف ها نمی توانند توجیهی برای نبود نظارت بر ایمنی راه ها و وجود سرعت کاه های غیر استاندارد باشند. درباره ضرورت ایجاد سرعت گیرها یا حذف آن در برخی از مناطق شهری و بین راهی نظر برخی از مسئولان و دست اندرکاران این حوزه را جویا شدیم که در ادامه دیدگاه های آنان را می خوانید.

سرعت کاه ها امنیت ترافیکی را کاهش می دهند

کارشناس علوم انتظامی و تصادفات رانندگی و مشاور حمل و نقل و ترافیک با بیان این که سرعت کاه یک ناهمواری و برآمدگی ایمنی سطح راه است که موجب کاهش سطح سرویس راه می شود، گفت: این موانع سبب می شوند مسیر عادی ترافیک مختل شود و ایمنی و توانایی راه شدیداً تحت تاثیر قرار بگیرد و از طرفی امنیت ترافیکی کاهش پیدا کند. «احمد مطالبی» افزود: رانندگان به محض رویت سرعت کاه به اجبار سرعت وسیله نقلیه را کم می کنند و اگر راننده پشت سر فاصله طولی را رعایت نکرده باشد، یا تصادف ایجاد می شود یا انحراف به چپ و راست پیش می آید که این هم عامل بروز حوادث است. وی اظهار کرد: مهم ترین عیب سرعت کاه پایین آوردن کارایی، ایمنی، سرعت و ظرفیت معابر است. خسارت هایی که به خودروها وارد می شود هم از زیان هایی است که این موانع ایجاد می کنند. مشاور حمل و نقل و ترافیک به زبان های زیست محیطی و آسیب های غیرمستقیم این موانع بر سلامتی شهروندان اشاره کرد و گفت: ترمز کردن سبب شتاب منفی موتور می شود، در شتاب منفی موتور بیشترین مقدار هیدروکربن، مونوکسید کربن و اکسیدهای ازت تولید می شود. میزان سرب حاصل از سوخت بنزین هم افزایش

گزارش زیر روز شنبه این هفته در "همشهری مازندران" منتشر شده که دبیر ارجمند همشهری مازندران - اشکان جهان آری - نسخه ای از آن را برای باز نشر در اختیار ما قرار داد. مشکلات و ضرورت ایجاد سرعت گیر در جاده های برون شهری و درون شهری استان، موضوع گزارش است.



بسیاری از مردم از وجود سرعت گیرهای غیرقانونی و غیرعلمی در جاده های درون شهری و برون شهری انتقاد دارند. هفته گذشته یکی از شهروندان بابلی به نام آقای حسین زاده در تماس با صدای همشهری از ایجاد سرعت کاه های متعدد و پر شمار غیر استاندارد در راه های استان انتقاد کرد و از نصب سرعت کاهی در جاده شهید صالحی معروف به جاده حبیبی بابل در منطقه روستای کلاگر محله خبر داد که سبب وقوع ۲۹ تصادف در کمتر از ۲۴ ساعت شد. وی گفت: این سرعت کاه در حالی نصب شد که نه از معیارهای استاندارد برخوردار بود و نه علائمی مانند رنگ و تابلو برای آگاه شدن رانندگان در نزدیکی آن وجود داشت. این موضوع سبب شد رانندگانی که دائماً در این مسیر تردد می کردند بدون آگاهی از وجود چنین مانعی با سرعت همیشگی شان نسبت به کاهش ناگهانی سرعت اقدام کنند که منجر به وقوع تصادفات زیادی شد. به گفته وی در پی شکایت های مردمی این سرعت کاه غیر استاندارد یک روز پس از نصب جمع آوری شد. یکی از زمینه های حائز اهمیت در مهندسی حمل و نقل، مباحث مربوط به ایمنی است. از این رو باید ویژگی ها و مشخصات معابر شهری و نیز ابزارهای آرام سازی به کار رفته در آنها مانند سرعت کاه ها که در گفتار عمومی سرعت گیر نامیده می شوند نیز مورد بازبینی قرار گیرد. سرعت کاه ها و سرعت گیرها یکی از تجهیزات کنترل ترافیک در نواحی شهری هستند. این موانع ایمنی به عنوان یکی از ابزارهای آرام سازی ترافیک مطرح هستند که به تنهایی یا در کنار سایر روش های آرام سازی به کار گرفته می شوند تا از این طریق بتوان سرعت وسایل نقلیه را کنترل کرد، رفتار رانندگان را تغییر داد و شرایط ایمنی را برای کاربران معبر بهبود بخشید. با توجه به کاربرد زیاد این ابزار در معابر شهری، داشتن دانشی جامع در اتخاذ تصمیم مناسب و همچنین جلوگیری از اشتباهات فنی ضروری است. استفاده از سرعت کاه منوط به مطالعه منطقه مورد نظر و توجه نیاز به نصب آن است. سرعت کاه های تخت، گذرگاه های برجسته عابر پیاده، تقاطع های برجسته و روسازی های سنگ فرشی انواع سرعت کاه هایی هستند که بنا به ضرورت و بسته به نوع نیاز به کار گرفته می شوند. در یک طرح، آرام سازی عناصر و گزینه های مختلف باید طوری با هم ترکیب شوند که سرعت به حد مورد نظر کاهش یابد. تاثیرگذاری مطلوب ترافیکی و زیست محیطی طرح نیز باید در حد قابل قبول باشد. میزان اثربخشی یا مقدار کاهش سرعت، تاثیرگذاری بر ایمنی ترافیک موتوری، تاثیر بر ایمنی عابر و واکنش ساکنان منطقه، واکنش رانندگان، تاثیر بر استهلاک جاده و وسایل نقلیه، تاثیر بر آلودگی صوتی و آلودگی هوا و حتی زیبایی محیط راه مواردی هستند که علاوه رعایت استانداردهای فنی و طول، عرض و ارتفاع سرعت کاه، برای نصب سرعت کاه باید مد نظر قرار بگیرد. این تجهیزات چند سالی هست که در ایران مورد استفاده قرار می گیرند. اما رعایت نکردن ضوابط و مقررات فنی و قانونمند در استفاده از آن ها سبب شده است که این تجهیزات آرام سازی ترافیک، عملکرد مناسبی از خود نشان ندهند. به همین دلیل به یکی از معضلاتی تبدیل شدند که تقریباً سراسر کشور و به تبع آن تمام شهرها و روستاهای مازندران از شرق تا غرب و حتی مرکز استان را درگیر کرد. این معضل در برخی شهرها تا حدی پیش رفته است که شهری مانند بهشهر لقب شهر سرعت گیرها را یدک بکشد. در برخی از شهرها و جاده های استان گاهی سرعت کاه هایی دیده می شود که هیچ مشخصه ای از یک سرعت کاه استاندارد ندارد و حتی گاهی مانند نمونه ذکر شده

یادداشت میهمان

درباره انتخاب مناقشه بر انگیز
مدیر عامل خانه مطبوعات
مازندران

نقص در اساسنامه
قانون چه می گوید؟

حسن مهدوی - روز یکشنبه گذشته با رای اعضای هیئت مدیره خانه مطبوعات مازندران، رئیس جدید این تشکل انتخاب و معرفی شد. اما این انتخاب مورد اعتراض برخی اعضای خانه مطبوعات از جمله بازرسان این تشکل قرار گرفت و این موضوع را قابل پیگیری اعلام نمودند. آنچه در این انتخاب مورد مناقشه است شرایط اختصاصی لازم برای تصدی ریاست بر این تشکل است و چون مدیر جدید خانه مطبوعات فاقد تحصیلات آکادمیک است، همین موضوع سبب شد تا معترضان به این انتخاب، شان خانه مطبوعات را بالاتر از آن بدانند که فردی فاقد مدرک کارشناسی (دیپلم) در راس آن قرار گیرد و این انتخاب را حاصل روحیه و رفتاری محافظه کارانه و نه بر اساس فرایند شایسته سالاری و انتخاب اصلح می دانند. از طرفی اعضای هیئت مدیره تصمیم خود را کاملاً قانونی و حقوقی دانسته و این انتخاب را مستند به ماده ۳۱ اساسنامه خانه مطبوعات می دانند که اشعار می دارد: "اعضای هیئت مدیره می توانند یک نفر را از بین خود و یا از بین اعضای خانه به عنوان مدیر خانه مطبوعات انتخاب کنند". از آنجائی که افراد (اصحاب رسانه) با سطح تحصیلی غیر از کارشناسی هم می توانند عضو خانه باشند، لذا منعی در انتخاب فردی با چنین سطح تحصیلاتی برای مدیریت بر خانه مطبوعات نمی بینند. اما آنچه این دلیل حقیقی اعضای هیئت مدیره را نقض می کند، مفاد بند (ب) ذیل ماده ۳۴ اساسنامه است که در آن شرط اختصاصی انتخاب بازرس و یا اعضای هیئت مدیره را دارا بودن مدرک کارشناسی اعلام می دارد و این دلیل اعتباری معترضان را قابل توجه می نمایاند که مدیر یک تشکل شایسته است از نظر تحصیلات، بالاتر و یا همتراز اعضای هیئت مدیره باشد. صرف نظر از این انتخاب مناقشه بر انگیز بر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و همچنین اعضای خانه مطبوعات فرض است تا نسبت به رفع این تناقض (مفاد مندرج در ماده ۳۱ و ۳۴) اقدام شود تا شاهد موارد مناقشه بر انگیز این چنینی نباشیم.

در روی همان پاشنه

دهقان به خانه برگشت



پیش از ظهر یکشنبه
جلسه اعضای خانه
مطبوعات مازندران
برگزار شد که با رای ۵
تن از اعضا: معافی،
درواری، سلطانی،

مرتضوی و برمکی بار دیگر رستم دهقان به مدیرعاملی این خانه برگزیده شد. بر اساس این گزارش، خانی دیگر کاندیدای این سمت، تنها یک رای به دست آورد (رای خودش به خودش) و نیاز آذری هم رای منتع داد! گفتنی است با توجه به اساس نامه خانه مطبوعات، این انتخاب با اعتراض بازرس خانه مواجه شد. رستم دهقان پیش از این مدیرعامل خانه مطبوعات بود که به دلیل نداشتن شرط مدرک تحصیلی، نتوانست در انتخابات گذشته شرکت کند، اما دوستان او در این تشکیلات ترجیح دادند بار دیگر او را به این سمت منصوب کنند.

پس از حدود سه هفته توقف فعالیت
وارش آمد،
اما...!

سردبیر: پس از اشتباه بچگانه روزنامه محلی وارش در درج مطلبی که در آن سهواً به بنیانگذار انقلاب اسلامی توهین شده بود، بعد از تذکر هیات نظارت بر مطبوعات و کسب تعهد، این روزنامه از روز یکشنبه ۱۰ دی ماه روی کیوسک مطبوعات استان قرار گرفت. در دوره تازه انتشار، تغییر خاصی در صفحه آرایی و مطالب این روزنامه دیده نمی شود. وارش امروز دو تیتراژ دارد: تیتراژ "ویژه نامه روزنامه وارش به مناسبت حماسه ۹ دی" و این تیتراژ: "یوسفیان ملا: دولت قوی ترین وزیر خود را از دست داد" که با عکس این نماینده همراه است. مدیرمسئول روزنامه مطلبی نیز نوشته که با این جمله شروع می شود: "گاهی حوادث به ما خیلی چیزها می آموزد. ۲۲ روز پیش بود که روزنامه وارش را به درخواست خودمان و در پی یک حادثه و اشتباه سهوی و البته تلخ یکی از پرسنل مان موقتاً تعطیل نمودیم، تازه فهمیدیم در میان مردم، نمایندگان، مدیران و... از چه پایگاهی برخورداریم." لیلا وریجی در این مطلب گفته: "تعدادی نیز از فرصت استفاده کردند و شروع به انتقاد از روش روزنامه کردند که مثلاً" شیوه انتقادهای شما از دولت و مسئولین گاهی تند است" "وی افزود: "افرادی معلوم الحال نیز از فرصت سوء استفاده کرده و با تعطیلی و جدان شان هر کاری توانستند کردند تا وارش برای همیشه نبارد و هم نتوانستند به ما اتهاماتی را نسبت دادند...". در شماره امروز مطلبی نیز با امضای پرسنل دفتر مرکزی وارش در صفحه دو انتشار یافته با این تیتراژ: "خمد شدم اما نشکستیم" که بخش قابل توجهی از آن به تمجید کارکنان وارش از مدیرمسئول می پردازد و در سطرهای آن آمده که: "وی بانویی خداترس و باوجدان است که همواره تلاش می کند حق کسی به گردنش نیفتد!" علاوه بر ۸ صفحه روتین، ۴ صفحه هم ویژه نامه ۹ دی ضمیمه این روزنامه است. گفتنی است مازندنومه از روز نخست توقف فعالیت های وارش با انتشار چندین یادداشت همواره تاکید کرد که نباید از مدار قانون خارج شد و به خاطر اشتباه سهوی برخوردی مغرضانه و سیاسی داشت، چرا که بروز این گونه اشتباهات برای هر نشریه ای از جمله رسانه های موافقان تعطیلی همیشگی این روزنامه هم ممکن است. به ادعای مطالب آرشیمون، شاید ما تنها رسانه ای مجازی (از نشریات مکتوب خبر ندارم) در استان بودیم که تلاش کردیم واقع بینانه از وارش حمایت کنیم و تاکید داشتیم که قانون بالاتر از هر چیزی است و دیدیم که قانون صرفاً به یک تذکره بسنده کرد.

حال که وارش دوباره آغاز به کار کرده، نکته هایی وجود دارد که تاکنون زمان را برای انتشار آن مناسب نمی دانستیم اما الان فرصت خوبی برای گفتن آن هاست:

۱- وارش مانند بسیاری از نشریات مکتوب استان، تولید محتوا ندارد و از فقر مطالب تولیدی در رنج است. بیشتر مطالب روزنامه یا کپی خبرهای سایت ها و خبرگزاری هاست، یا رپرتاژ و اخبار ارسالی روابط عمومی ها که این خبرها نیز به گونه ای رپرتاژ محسوب می شود. عیب بزرگ تر این که وارش منبع اصلی خبرها و عکس ها را اغلب حذف می کند. همین مورد اخیر اگر منبع مطلب عماد رام یعنی ویکی پدیا ذکر می شد، شاید از فشارها اندکی کاسته می شد.

۲- این روزنامه به تیم قدرت مند و حرفه ای نیاز دارد، در حالی که اکنون این گونه نیست و توسط مدیرمسئول، شوهرش و یکی دو نفر دیگر که چند کاره اند و غیر از خبرنگاری (که در این حرفه هم حرف چندانی برای گفتن ندارند که اگر داشتند می فهمیدند مطلب عماد رام را نباید کار کنند) کارهای دیگر دفتر را نیز سامان می دهند، اداره می شود. می دانیم که هزینه های چاپ روزنامه کمترین است اما این گونه کار کردن (خانوادگی و حلقه ای) بدون سردبیر، شورای سردبیری، تحریریه، سرویس های مختلف و... در عصر تعدد رسانه ها محلی از اعراب ندارد. نمی دانم تیراژ وارش چقدر است اما مطمئنم کم تر کسی حاضر می شود ۳۰۰ تومان بدهد و از میان این همه نشریه استانی و کشوری، وارش ۸ صفحه ای را بخرد که یادداشت و تحلیل ندارد، خبر تولیدی ندارد، بیشتر خبرهایش را روز قبل یا حتی دو روز قبل در رسانه های مجازی خوانده ایم و... وارش با تک فروشی اداره نمی شود و با آگهی و موارد دیگر چرخ آن به گردش درمی آید. اگر رسانه ای بدون درج آگهی و با تک فروشی توانست سرپا بایستد هنر کرده است.

۳- برخی همکاران معتقدند مدیریت وارش فضا را برای در اختیار گرفتن کادر حرفه ای و روزنامه نگاران مجرب، مهیا نمی کند، چرا که خبرنگاران حرفه ای و تولیدمحور فی بالایی دارند که در این روزنامه به آن نمی رسند و حق شان گاه پامال می شود. گواه مطلب همین یادداشت امروز مدیرمسئول است که نبود نظارت کافی و سهل انگاری خود را به عنوان نفر اول روزنامه فراموش کرده و نوشته: "اشتباه سهوی و تلخ یکی از پرسنل مان" و "قربانی اعتماد به یکی از کارکنان" و این گونه تمام قصور را برگردن یکی از پرسنل انداخته و خود به بهانه ی بیماری و درگذشت یکی از بستگان، از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرده است. با مطلب دیگر امروز که به ظاهر از طرف پرسنل نوشته شده و چیز خاصی جز مجیز مدیرمسئول نیست و خواننده را به شگفتی وامی دارد که چه لزومی به چاپ آن وجود داشت و آیا واقعاً "خانم مدیرمسئول این گونه است که در این مطلب آمد؟!". به هر حال بزرگی هزینه دارد و وارش اگر بخواهد خارج از ادعای گزافه پرسنل خودش "یک مجموعه موفق"، "شجاع"، "مسئولیت پذیر" و "توانمند" باشد و "حق دیگران را تضییع نکند" و "به امید در آمد بیشتر از این شاخه به آن شاخه نپرد" باید هزینه کند و فقط به فکر دخل نباشد و خرج کند.

ارمون دوم منتشر شد

دومین شماره ماهنامه "ارمون"، ویژه آذرماه، با گفت و
گوها و گزارش های متنوعی از مازندران، در ۷۲ صفحه
انتشار یافت.

زهره اسلامی - مدیرمسئول ارمون - به مازندنومه گفت:
ارمون تازه در بردارنده مطالبی درباره وقایع یک ماه گذشته
استان، خسارات سیل نوشهر و چالوس، بی رحمی آدم ها
در قبال محیط زیست مازندران، زنان و خانواده، حقوق
شهروندی، ثبت آیین های عاشورایی دیار
علویان، گردشگری، موسیقی، تبلیغات محیطی و مطالب دیگر است. وی افزود: پرونده ویژه شماره دوم نیز به آسیب
شناسی جشنواره فیلم کوتاه وارش می پردازد و در آن با مهدی قربانپور، دلاور بزرگ نیا، افسانه منادی، مینو فرشچی
و... گفت و گو شده است. گفتنی است دومین شماره "ارمون" در ۷۲ صفحه با همکاری علی سینارویگریان، لیلا
مشفق، علی سروی، تهمنه اسدی، علیرضا سعیدی، رضای سوادکوهی، دکتر فرامرزی قلی پور، دکتر صادق
صالحی، دکتر سلیمانی بشلی، سپیده پور شعبان و تعدادی دیگر از فعالان عرصه فرهنگ و هنر مازندران به مدیر
مسئولی زهره اسلامی چاپ شده است.



یادداشت سردبیر

نکته های یک انتخاب



علی صادقی
سردبیر مازندنومه

همان طور که پیش از انتخابات اخیر مجمع عمومی خانه مطبوعات مازندران در رسانه ها مطرح شده بود، تعدادی از اعضای دور گذشته که در انتخابات تازه هم به عضویت خانه مطبوعات درآمدند، بار دیگر به سراغ مدیرعامل سابق رفتند و او را با ۵ رای، حداقل تا دو سال به سمت مدیرعاملی خانه مطبوعات مازندران برگزیدند. در روزهای گذشته ۳ عضو کنونی خانه که در دوره گذشته نیز سابقه فعالیت در این تشکل را داشتند، ضمن رایزنی با رستم دهقان، از او دعوت کردند تا دوباره مدیرعاملی خانه مطبوعات مازندران را برعهده بگیرد و این گونه شد که رشته حضور او در خانه مطبوعات مازندران گسسته نشد. درباره این انتخاب چند نکته قابل طرح است:

۱- پس از هر انتخابی، رای دهندگان و افکار عمومی منتظر بروز تغییراتی - حتی جزئی - هستند. در سیستم حکومتی نیز بعد از روی کار آمدن هر رئیس جمهوری در دوره دوم صدارتش، تعدادی از وزیران دور اول برکنار یا جابه جا می شوند؛ بماند که در دوره نخست انتخاب، تغییرات اساسی تر خواهد بود. بعد از انتخابات مجمع عمومی خانه مطبوعات مازندران، افکار عمومی - خبرنگاران و اصحاب رسانه - منتظر تغییرات نو و نفس تازه ای بودند، ولی در گام نخست با انتخاب دوباره مدیرعامل پیشین، ثابت شد که در شهر قحط الرجال است و در هم چنان روی همان پاشنه سابق می چرخد. برخی اعضای محافظه کار خانه مطبوعات استان، ترجیح دادند در مقابل تغییرات بایستند، غافل از این که هر سیستمی که با تغییر مخالف باشد، ناتوان و از قبل مرده است.

۲- اگر نگویم از نظر توانایی فنی و حرفه ای، حداقل از نظر سطح دانش آکادمیک و دانشگاهی، مدیرعامل خانه مطبوعات رتبه پایین تری از اعضای خانه دارد. در واقع این گروه نشان دادند که پیرو سبک سنتی مدیریت اند و اهل ریسک و تحول از درون نیستند.

۳- در دوره گذشته، خانه مطبوعات مازندران از نظر روابط عمومی و حرکت های جمعی و مدیریت مشارکتی فقیر بود. انتظار بر آن است حداقل برخی اعضای تازه وارد این خانه که چندان موافق انتخاب امروز نبودند، جلوی حرکت های محفلی و تک روانه را بگیرند تا بعضی اشکالات و شبهات گذشته در این دوره تکرار نشود.

۴- نکته پایانی خطاب به یکی از اعضای جدید خانه است که با تک روی، دوبار کاندیدا شد (برای هیات ریسه و مدیرعاملی) و هر دو بار تنها یک رای کسب کرد! (فقط خودش به خودش رای داد). اگر چه این نامزدی اشکال قانونی ندارد و حق هر عضو است، این گونه "خود-رای" ها نشان از آن دارد که جماعت خبرنگارها و اصحاب رسانه در اجرای کار گروهی و تشکیلاتی و مشارکتی ناتوانند - در حالی که خود بارها در رسانه شان کار تیمی و گروهی را تبلیغ کرده اند و از نبود این روحیه در جامعه نالیده اند. به هر حال خانه مطبوعات مازندران با ترکیب جدیدش، زیر ذره بین خبرنگارها و رسانه های مستقل قرار دارد و باید نسبت به اقدامات خرد و کلانش پاسخگو باشد. منتظر می مانیم تا تحولات و تغییرات آینده را در این خانه شاهد باشیم، با این توضیح که مدیرعامل تنها سه موافق صدر صدری دارد و ترکیب حاضر شکننده به نظر می رسد.



بیماران مبتلا به دیسک و سیاتیک ورزش کنند

بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی از ژانویه سال ۲۰۰۰ کشور دنیا (از جمله انگلستان، سوئد، آمریکا و البته ایران و چین) در حدود ۲۰۰ میلیون بیمار تحت درمان طب سوزنی قرار می گیرند. در چند دهه گذشته به خصوص از سال ۱۹۷۱ میلادی بر پی انتشار مقاله نیویورک تایمز مبنی بر پاسخ عالی درمان درد بیماران به دنبال جراحی که فقط با طب سوزنی در چین بهبود یافته بودند، بحث در باره نقش درمانی طب



دکتر رضا شاکری، متخصص درمان های غیر جراحی رهمیلیتیشن

انجام شد و روی گروه دیگر طب سوزنی انجام نشده بود، بیماران را در فواصل ۱- ۳ و ۶ ماه پس از درمان تکرار شود. که نتیجه این بود: افراد تحت درمان طب سوزنی بهبودی از درد و بازگشت به کار بهتری نسبت به گروه کنترل داشتند.

ورزش باید با رعایت یک سری باید ها و نبایدها باشد

یکی از ابزارهای درمانی متخصصان درمان های غیر جراحی، طب فیزیکی و ورزش درمانی است. برای همه ورزش باید جهت درمان بیمار به کار رود. شروع، شدت و نوع ورزش باید به طور جداگانه برای هر بیمار طرح ریزی شود. تقویت عضلات کمری، شکم و حفظ تحرک مفاصل برای درمان بیماران اهمیت زیادی دارد. بعضی از ورزش ها نظیر ورزش ویلیامز و مکزیکی به عنوان ورزش های پایه در کمر دردها به کار می روند، ولی تجویز و کاربرد هر یک از این ورزش ها از اصول پایه خاص خود پیروی می کند. در صورتی که شخص مبتلا به بیماری دیسک کمر و یا سیاتیک دارای بیماری قلبی دیابت کلیه و... باشد، در انتخاب و تجویز نوع ورزشها دقت بیشتری می شود تا از ایجاد آسیب های ناخواسته به بیمار جلوگیری شود. ورزش یکی از نیازهای حیاتی انسان ها به خصوص در روزهای بیماری است ولی باید توجه داشت که هر دو طرفی از مزمین از طریق طب سوزنی انجام می شود که نتایج درمانی بسیار درخشان به همراه دارد. چینی ها مکرراً معجزات طب سوزنی را دیده اند، در ایران اما متأسفانه مردم آشنایی چندانی با این شیوه درمانی ندارند، به همین دلیل به اندازه کافی از این روش درمانی استفاده نمی کنند. توصیه به بیماران این است که حتی الامکان از طب سوزنی که توسط پزشکان متخصص مرتبط با بیماری های ستون فقرات ارائه می شود، استفاده کنید. مانع اصلی و مهم در خصوص طب سوزنی دشواری توجه بیمار با مکانیزم اثر سوزن است. تئوری مریدین و ارگان های زانگ فوویین بانگ در ذهن مردم ما جایی ندارند و قصه رفتار آنها طولانی است. زمانی دولت برای نجات جان مردم مجبور شد که پلیس را نزدیک خانه جادوگران قرار دهد تا مردم از ترس پلیس به جای رفتن به خانه جادوگر جهت درمان کمر درد به پزشک و دارو روی بیاورند، اما حالا به جای اینکه بیمار دارو های مسکن بسیار قوی را بخواهد باید با مطالعه و استناد به منابع علمی به منظور کم کردن یا حذف دارو های مسکن از طب های مکمل نظیر طب سوزنی استفاده کند. در مطالعه انجام شده بر روی ۳۰۰ بیمار مبتلا به کمر درد مزمن در ۳۰ مرکز مختلف که بر روی بعضی از آنها ۱۲ جلسه طب سوزنی

معرفی بیمار

آقای ب-ک ۲۳ ساله با شکایت از درد کمر، لگن و پای راست از حدود ۶ ماه قبل به پزشکان مختلف مراجعه کرد و درمان جراحی را نپذیرفت و جهت درمان های غیر جراحی پزشکی فیزیکی به من مراجعه کرد. در معاینه متوجه اختلال راه رفتن بیمار به علت کوتاه شدن عضلات پشت ران شدم. از بیمار در مورد نحوه

یادمان باشد غفلت از انجام یک سری از ورزش های ساده در این بیماران یعنی آنها را زمین گیر کردند. این بیمار گرچه آرتروز بیماری های کمری هم داشته بیش از آن که از مشکل دیسک و سیاتیک رنج ببرد، از عوارض استراحت طولانی در رنج و عذاب بود. او با انجام دادن ورزش های مناسب برای حفظ مفصلی تحت درمان قرار گرفت.

استراحت پرسیدم. پاسخ داد که به او توصیه شده ۴۰ روز به پشت یا پهلو بخوابد، در حالی که زانو و لگن بیمار تا ۹۰ درجه خم بود! تشخیص من برای این بیمار کوتاه شدن عضلات پشت ران (عضلات هامسترینگ) بوده که با انجام ورزش های مربوطه بیمار به سرعت توانمندی کامل خود را باز یافت.

بیمار آقای ۶۵ ساله با درد اندام های تحتانی بیماری کلیوی از حدود ۶ ماه قبل در بیمارستان بستری شد. برای بیمار ورزش های کشش جهت جلوگیری از کوتاهی عضلات مختلف و خشکی مفاصل تجویز کردم. یادمان باشد غفلت از انجام یک سری از ورزش های ساده در این بیماران یعنی آنها را زمین گیر کردند. این بیمار گرچه آرتروز بیماری های کمری هم داشته بیش از آن که از مشکل دیسک و سیاتیک رنج ببرد، از عوارض استراحت طولانی در رنج و عذاب بود. او با انجام دادن ورزش های مناسب برای حفظ سلامتی مفصلی تحت درمان قرار گرفت.

نتیجه: همان طور که ورزش برای افراد سالم لازم است، برای افراد بیمار هم لازم است. من به بیماران مبتلا به دیسک و سیاتیک به جای توصیه به استراحت مطلق توصیه به رعایت کامل و علمی جهت پیشگیری از عوارض دیسک و سیاتیک می کنم تا ضمن رعایت اصول علمی محافظت از ستون فقرات به ورزش های مناسب بپردازند.

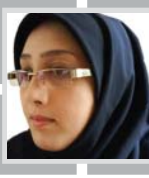
سوزنی در آمریکا بالا گرفت، طوری فقط سه ماه بعد از آن طب سوزنی را در یکی از معتبرترین مجلات علمی آمریکا چاپ کردند. در سال ۱۹۷۲ پرزیدنت ریچارد نیکسون - رئیس جمهوری آمریکا - نیز تحت درمان های طب سوزنی قرار گرفت و از آن پس دولت آمریکا هزینه فرستادن پزشکان به چین و یادگیری طب سوزنی را بر عهده گرفت و بعد از آن به تدریج آموزش طب سوزنی به پزشکان امریکایی گسترش یافت. در قرن بیست و یکم میلیارد دلار صرف درمان های طب سوزنی شد و هزینه درمانی از ۲۹ درصد به ۴۲ درصد رسید. به نظر می رسد طب سوزنی به تدریج جایگاه درمانی خود را پیدا می کند و بیماران بیشتری هر روز از مزایای آن مطلع شده و از آن استفاده می کنند. در بیمارستان دونگزیمین پکن در کشور چین یکی از رایج ترین تکنیک های درمانی، درمان بیماران مبتلا به کمر درد های حاد و مزمن از طریق طب سوزنی انجام می شود که نتایج درمانی بسیار درخشان به همراه دارد. چینی ها مکرراً معجزات طب سوزنی را دیده اند، در ایران اما متأسفانه مردم آشنایی چندانی با این شیوه درمانی ندارند، به همین دلیل به اندازه کافی از این روش درمانی استفاده نمی کنند. توصیه به بیماران این است که حتی الامکان از طب سوزنی که توسط پزشکان متخصص مرتبط با بیماری های ستون فقرات ارائه می شود، استفاده کنید. مانع اصلی و مهم در

خصوص طب سوزنی دشواری توجه بیمار با مکانیزم اثر سوزن است. تئوری مریدین و ارگان های زانگ فوویین بانگ در ذهن مردم ما جایی ندارند و قصه رفتار آنها طولانی است. زمانی دولت برای نجات جان مردم مجبور شد که پلیس را نزدیک خانه جادوگران قرار دهد تا مردم از ترس پلیس به جای رفتن به خانه جادوگر جهت درمان کمر درد به پزشک و دارو روی بیاورند، اما حالا به جای اینکه بیمار دارو های مسکن بسیار قوی را بخواهد باید با مطالعه و استناد به منابع علمی به منظور کم کردن یا حذف دارو های مسکن از طب های مکمل نظیر طب سوزنی استفاده کند. در مطالعه انجام شده بر روی ۳۰۰ بیمار مبتلا به کمر درد مزمن در ۳۰ مرکز مختلف که بر روی بعضی از آنها ۱۲ جلسه طب سوزنی

خصوص طب سوزنی دشواری توجه بیمار با مکانیزم اثر سوزن است. تئوری مریدین و ارگان های زانگ فوویین بانگ در ذهن مردم ما جایی ندارند و قصه رفتار آنها طولانی است. زمانی دولت برای نجات جان مردم مجبور شد که پلیس را نزدیک خانه جادوگران قرار دهد تا مردم از ترس پلیس به جای رفتن به خانه جادوگر جهت درمان کمر درد به پزشک و دارو روی بیاورند، اما حالا به جای اینکه بیمار دارو های مسکن بسیار قوی را بخواهد باید با مطالعه و استناد به منابع علمی به منظور کم کردن یا حذف دارو های مسکن از طب های مکمل نظیر طب سوزنی استفاده کند. در مطالعه انجام شده بر روی ۳۰۰ بیمار مبتلا به کمر درد مزمن در ۳۰ مرکز مختلف که بر روی بعضی از آنها ۱۲ جلسه طب سوزنی



یادداشت کوتاه



اعظم کردان
خبرنگار مازندنومه

یک گزارش تکان دهنده

پول می دهیم، سم می خوریم

بر اساس آمارهای اعلام شده، ۴۷۰ هزار هکتار از اراضی استان مازندران، باغی وزارعی است و ۱۲ درصد از تولیدات زارعی، دامی و باغی کشور در این استان انجام می شود و از ۶۵۰ آفت، بیماری و علف هرز در کشور، ۴۲۷ نمونه آن در مازندران وجود دارد، لذا مصرف سموم در این استان نسبت به سایر استانها بالاست به طوری که گفته می شود میزان مصرف سموم در مازندران ۵ برابر متوسط کشوری است. برخی کارشناسان معتقدند وجود سموم در محصولات کشاورزی باعث بروز انواع بیماریها از جمله سرطان (که شایع ترین آن سرطان دستگاه گوارش است)، نازایی، پارکینسون، کاهش رشد و نمو جنین می شود، از این رو اندازه گیری میزان سموم در محصولات کشاورزی در دستور کار مسؤولان حوزه سلامت مازندران قرار گرفت و در گام نخست میزان سموم در محصولات توت فرنگی، خیار و کدو بررسی و آمارهای مربوطه منتشر شد.

آلودگی به حداقل یک سم در خیار ۴۹ درصد است

معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در کارگروه سلامت و امنیت غذایی استان که در ماه آذر برگزار شد، با بیان اینکه یک هزار و ۲۰۰ هکتار از اراضی استان زیر کشت توت فرنگی قرار دارد، اذعان داشت: در ۲۱۱ نمونه اخذ شده از این محصول، میزان درصد آلودگی آن به سم کلپتان ۲۲ درصد، دیازنیون ۲۷ درصد و لیندان ۱۸ درصد برآورد شد. صالحی فر ادامه داد: ۲۷/۵ (بیست و هفت و نیم) درصد نمونه های توت فرنگی حداقل به یک سم آلوده بودند. وی به بررسی ۴ سم دیازنیون، دورسبان، لیندان و مالاتیون در خیار اشاره و تصریح کرد: میزان این سموم در خیار به ترتیب ۲۶- ۱۷- ۴ و ۱۶ درصد مشاهده شده است. معاون دانشگاه علوم پزشکی مازندران آلودگی به حداقل یک سم در خیار را ۴۹ درصد دانست و اظهار داشت: در محصول کدو نیز میزان سم لیندان ۴۲ درصد - دیازنیون ۲/۶۳ (دو و ۶۳ صدم) درصد - دورسبان ۷/۸۹ (هفت و ۸۹ صدم) درصد بوده است. صالحی فر خاطر نشان ساخت: بر اساس اندازه گیری های انجام شده، آلودگی به حداقل یک سم در محصول کدو ۵۰ درصد برآورد شده است.

یارانه سم، حذف شد

در همین ارتباط با رییس سازمان جهاد کشاورزی مازندران نیز به گفتگو پرداختیم. رضا عظیمی با بیان اینکه از اول امسال تا کنون ۳ هزار و ۴۰۰ تن سم در مازندران مصرف شده، گفت: این میزان سم خالص نیست بلکه از این مقدار ۲ هزار تن مربوط به سم گرانول است که ماده موثر آن تنها ۲ دهیم درصد تا حداقل ۱۰ درصد است. رییس سازمان جهاد کشاورزی مازندران با تاکید بر اینکه مازندران بیشترین تولیدات کشاورزی را داراست لذا بیشترین مصرف سموم را نیز به خود اختصاص داده، اظهار داشت: یکی از سیاستهای دولت در مدیریت سموم، حذف یارانه های سم است. وی ضمن اشاره به اینکه میزان مصرف سم در سال جاری نسبت به سال گذشته ۱۰ درصد کاهش یافته، ادامه داد: بیشترین مصرف سم در استان برای جلوگیری از آفتها و امراض است. این مسؤول در خصوص تاثیر سموم در سلامتی افراد جامعه اظهار داشت: این امر ممکن است به عنوان یکی از عوامل ۱۲ گانه بروز بیماری باشد. عظیمی، با بیان اینکه تولید خیار و کدو در شهرستانهای جویبار و کباسر انجام می شود، ادامه داد: عمده محصولات کشاورزی استان برنج و مرکبات است و محصول خیار و کدو در سبد تولید کشاورزی مازندران خیلی جایگاهی ندارند و به عنوان نمونه از نظر میزان سموم مورد ارزیابی قرار گرفتند. وی ضمن اشاره به اینکه سطح زمین کشاورزی در مازندران ۴۷۰ هزار هکتار است ولی به دلیل انجام کشتهای متعدد ۶۳۰ هزار هکتار عنوان می شود، خاطر نشان ساخت: محصول خیار به دلیل اینکه جزء کشت اصلی نیست و کشتهای دوم و سوم محسوب می شود محصول حاشیه ای استان به شمار می آید. رییس سازمان جهاد کشاورزی مازندران، با اشاره به اینکه برنج به عنوان برنجی سالم مورد تایید قرار گرفته، گفت: این محصول استراتژیک استان از نظر درصد باقی مانده سموم و آفت کشتهای در حد استاندارد برآورد شده است. عظیمی به تعریف محصول سالم و ارگانیک پرداخت و افزود: محصول سالم محصولی است که باقیمانده سموم و آفت کشتهای در حد استاندارد باشد و محصول ارگانیک نیز محصولی است که ۳ سال متوالی هیچ گونه سم و کود شیمیایی در آن مصرف نشده باشد. وی ادامه داد: توت فرنگی نیز یکی دیگر از محصولات کشاورزی است که در آن سم زیاد مصرف می شود لذا مزارعی را ایجاد کردیم که محصول سالم و استاندارد تولید می کند. رییس سازمان جهاد کشاورزی مازندران، در خصوص صیفی جات از جمله خیار گفت: به دلیل رطوبت زیاد در استان و رشد قارچها این محصولات نباید تولید شوند در همین راستا تولید محصولات اصلی مد نظر ما قرار دارد. عظیمی افزود: بر اساس برنامه ۵ ساله توسعه ۲۵ درصد از کودهای مصرفی در اراضی کشاورزی باید کودهای زیستی و عالی باشد و ۲۵ درصد از سطح زیر کشت به مدیریت تلفیقی آفات در راستای مبارزه بیولوژیک و دست یابی به محصول سالم و پاک اختصاص یابد. وی با اشاره به اینکه در همین راستا ۶۰ هزار هکتار از اراضی استان تحت پوشش مدیریت تلفیقی آفات قرار گرفت، گفت: در این اراضی ۷۵ تا ۹۰ درصد میزان مصرف سم کاهش یافته است. این مسؤول بیان داشت: در طرح مدیریت تلفیقی آفات به محصولات اصلی مازندران از جمله برنج، گندم، جو و مرکبات توجه شده است. عظیمی راه اندازی کلینیک های گیاه پزشکی را یکی از راهکارهای مدیریت مصرف سم عنوان و تصریح کرد: در این کلینیکها سم با نسخه به فروش می رسد. وی با تاکید بر آموزش کشاورزان در مزرعه با اجرای طرح مدرسه در مزرعه افزود: اطلاعات، دانش و سطح سواد متفاوت کشاورزان یکی از مشکلات کارشناسان مادر بحث آموزش است. رییس سازمان جهاد کشاورزی مازندران در پایان سخنانش، نگاه غیرکارشناسانه برخی صاحب نظران به امر کشاورزی را مشکل بخش کشاورزی دانست و ادامه داد:



انجام روش های جایگزین و مهندسی بیولوژیک می تواند در کاهش و میزان کاربرد سموم در تولیدات کشاورزی موثر باشد.

در انتقاد از تغییرات اخیر اداره کل صنعت،
معدن و تجارت مازندران

آشفته بازار تغییرات

جابه جایی مدیر به جای ساماندهی بازار!



معدن است. وی با بیان اینکه جهاد کشاورزی و صنایع و معادن سختی بیشتری برای ادغام داشتند، یاد آور شد: اما سختی وزارت بازرگانی و صنایع و معادن قابل قبول نیست. نماینده مردم ساری و میاندرد خاطر نشان کرد: اگر وزیر قدری در مسند بود می توانست تعادل ایجاد کند. وی با بیان اینکه ادغام این دو وزارتخانه قابل جبران است اما نه با این وزیر، اظهار داشت: وزیر فعلی ضعیف عمل می کند و ما هم اشتباه کردیم.

* آن چه کارشناس گفت

شجاعی معتقد است وزیری که در مسند این وزارتخانه قرار گرفته، ضعیف عمل می کند و ما هم معتقدیم وزیری که در راس، ضعیف عمل می کند، مطمئناً مدیران خوبی هم در استان ها انتخاب نمی کند؛ شاهد مثال این موضوع هم رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت مازندران است که در زمینه ی صنعت، در زمینه ی معدن و به طور ویژه در بخش بازرگانی تخصص ندارد. اگر چه هاشم پور دارای مدرک دانشگاهی است اما رشته ی تحصیلی او به در صنعت و بازار مانی خورد. در این رابطه با یک کارشناس حوزه بازرگانی گفت و گو کردیم. او گفت: نخستین چیزی که می تواند در بازار نقش داشته باشد، بحث ثبات و امنیت بازار است و به نظر می رسد امروز، ثبات و امنیت در بازار، مفهوم خود را از دست داده است و این چالش بزرگی است که حوزه بازرگانی را دگرگون کرده است. این کارشناس ادامه داد: ما یا در تولید محصولات داخلی خودکفا هستیم که مستلزم امنیت و ثبات است که در حالت تعادل به امورات خود پردازد هم در تامین مواد اولیه، تامین نقدینگی، شناسایی بازار هدف و ترکیبی از مراودات اولیه تولید بهینه و شبکه مناسب را داشته باشد و یا اینکه کمبود مواد اولیه داریم و باید از ارکانی از شبکه وارداتی که مازاد تولید دارد، استفاده کنیم. وی با بیان اینکه امروز بیشترین دغدغه ما این است که نیازها به خوبی برآورد نمی شود، افزود: در مواردی به نایب شعاع جلوگیری از واردات داریم در صورتی که واردات، همیشه مدموم نیست. این کارشناس با اشاره به اینکه شرط تجارت، واردات و صادرات است، خاطر نشان کرد: امروز این موضوع به خوبی در جامعه جا نیفتاده است و هر فردی تریبون گرفته و واردات را مدموم می کند، در صورتی که این مسئله صادرات را رونق نمی دهد. وی با بیان اینکه تحریم ها هم به شدت، بحث جابه جایی پول و تامین مواد اولیه را تحت تاثیر قرار می دهد، اذعان داشت: بعضی تحریم ها منجر به افزایش محصولات مواد خام و یا مواد نهایی دارد که قیمت تمام شده را افزایش می دهد. کارشناس حوزه بازرگانی با اشاره به اینکه نوسانات ارز هم در مسئله بازار تاثیر گذاشته، افزود: همه این موارد، منجر به تلاطم بازار شده است. وی در رابطه با ادغام وزارت بازرگانی و وزارت صنعت و معدن، ادامه داد: بازرگانی، موضوعی تخصصی است و صنعت می تواند روال عادی داشته باشد. این کارشناس، خاطر نشان کرد: فرآیند و بروکراسی که در بخش صنعت وجود دارد، هرگز به پیچ و خم بازار نمی رسد. وی با بیان اینکه در بازار ارکان به هم پیوسته ای وجود دارد، اظهار داشت: چنانچه این ارکان به خوبی مدیریت نشود، قیمت ها روزانه افزایش یافته و هیچکس هم مدیریت نمی کند. این کارشناس با اشاره به اینکه احتمالات افزایش و کاهش اجناس و قیمت و نیازسنجی باید در نظر گرفته شود، گفت: بادر نظر گرفتن این احتمالات، می توان به سمت توازن بازار رفت و اگر تدبیر مناسب باشد، می توان به این موضوع دست یافت. وی با اشاره به اینکه ای کاش در حوزه های استانی، ادغام صورت نمی گرفت، خاطر نشان کرد: مدیریت در بحث کلان می توانست واحد باشد اما در استان ها، نه؛ ارکان تخصصی تغییر نمی کرد. این کارشناس حوزه بازرگانی در رابطه با تغییر مدیران سازمان صنعت معدن و تجارت با بیان اینکه تغییرات در نتیجه دیدگاه یک مدیر است، گفت: به نظر می رسد ساختار پیشین سازمان بازرگانی که در سازمان صنعت، معدن و تجارت هم باقی مانده بود، افرادی متخصص بودند و تغییر در مدیریت ها و معاونت ها باید منجر به ایجاد تحول بزرگ و اساسی شود.

این گزارش به قلم مهدی روحی در روزنامه "دیوار سبز" روز یکشنبه منتشر که از سوی او جهت بازنشر برای مازندنومه ارسال شد.

هر روز که به بازار می رویم با قیمت های متفاوت کالا مواجه هستیم، کالایی که امروز به یک قیمت می خریم، مطمئن نیستیم که فردا هم به همان قیمت روز گذشته باشد. نوسانات بازار، تقریباً منجر به آشفته بازاری شده که در نهایت، مشتری می ماند و یک بازار نابسامان. بازاری که به گفته ی آدام اسمیت اگر به دست نامرئی خوب سپرده شود و دولت فقط قوانین را اجرا کند، عرضه و تقاضا خود به خود، توازن یافته و بازار هم سامان می یابد. پس از بحث ادغام وزارتخانه بازرگانی و صنایع و معادن و تشکیل سازمان صنعت، معدن و تجارت، به نظر می رسد در عین زمین خوردگی صنایع در استان، بازار هم به حال خود رها شده و نظارتی بر آن نیست و اگر هم نظارت وجود دارد، نظارتی نیست که کارساز باشد و هر فردی در بازار، ساز خود را نزند.

آشفته بازار تغییرات

در این آشفته بازار نوسانات بازار، تغییر ۲ معاونت در سازمان صنعت، معدن و تجارت مازندران، که به تازگی اتفاق افتاده، از آن اقدامات است! در برهه ای که نیاز داریم صنعت را هل داده و

دست بازار را هم بگیریم، دست این مدیر را گرفته و بیرون کرده و دست آن مدیر را گرفته و بر صندلی می نشانیم. طی روزهای اخیر سید محمد موسویانی به عنوان سرپرست معاونت امور صنایع و سید مسیب موسوی هم به عنوان سرپرست جدید معاونت توسعه تجارت خارجی سازمان صنعت، معدن و تجارت مازندران منصوب شده اند. در همین آشفته بازار، هاشم پور

به تغییر مدیرانی اقدام می کند که به

گفته ی بسیاری از کارشناسان و اهل فن، به خوبی کار می کردند. گلچوب - معاون سابق توسعه تجارت خارجی سازمان - توفیقات زیادی در این زمینه داشت و البته آمار هم نشان دهنده ی این موضوع است. یعقوبی - معاون سابق امور صنایع سازمان - هم در راستای رشد و توسعه ی صنعت،

اقدامات در خور توجهی داشت. گفته شده که تغییرات اخیر در سازمان صنعت، معدن و تجارت مازندران، بر اساس اعلام نیاز و درخواست مسئولان ارشد استانی نبوده و معلوم نیست چرا به جای اینکه بازار را سامان دهیم، مدیران مان را جابه جا می کنیم! البته گفتنی است جلسات تنظیم بازار که پیش از ادغام وزارتخانه ها، به صورت تخصصی برگزار شده و مشکلات بازار را رصد می کرد، امروز از اهمیت چندانی در نزد مدیر کتابدار، برخوردار نیست و به همین دلیل است که امروز شاهد بی ثباتی قیمت بیشتر اقلام در مازندران هستیم و این بی ثباتی بازار مازندران هم نشات گرفته از این موضوع است.

* آن چه نماینده گفت!

چندی قبل سید رمضان شجاعی - نماینده مردم ساری و میاندرد - در مصاحبه ای در پاسخ به این سوال که آیا تصور نمی کنید ادغام وزارتخانه های بازرگانی و صنعت و معدن اشتباه بوده چرا که صنعت ما زمین خورده بود اما اکنون بازار هم رها شده و افسارگسیخته است، اظهار داشت: این پیشنهاد را دولت داد و مجلس هم اصل تغییر را تصویب کرد اما اینکه چه وزارتخانه هایی با هم ادغام شوند بر عهده دولت بود. وی با بیان اینکه من هم قبول دارم در این ادغام نیاز بود که یک وزیر آشنا به مسائل بازرگانی و صنایع انتخاب شود، گفت: اگر فرد قوی و گردن کلفت در راس این وزارتخانه قرار می گرفت می توانست امور را هدایت کند. شجاعی با اشاره به اینکه اصل قضیه را قبول دارم، تصریح کرد: یکی از مشکلاتی که الان وجود دارد این است که این دو وزارتخانه سختی با هم ندارند و بازار مقوله ای جدا از صنعت و

یادداشت های پراکنده/ عاورین، نه آفرین!

سرمدبیر: امروز پیامکی از سوی یک NGO طرفدار محیط زیست که در ساری فعالیت می کند به دستم رسید که در آن آمده بود: "در فصل زمستان، پرندگان و حیات وحش به محبت ما نیاز دارند!" دیروز خبرگزاری مهر به نقل از یک استاد دانشگاه اعلام کرده بود: "آمارها از افزایش ۳۰ درصدی سقط جنین و اختلالات ژنتیکی بر اثر آلودگی هوا حکایت دارد. بررسی هانشان می دهد که میزان آلودگی هوای تهران از نظر فلزات سنگین، همچون میزان بمباران ها است و غلظت فلزات سنگین در هوای پایتخت با میزان فلزات سنگین آزاد شده در هوا پس از بمباران برابری می کند. آمارها نشانگر این مسئله هستند که مواجهه با آلاینده هایی موجود در هوا همچون سرب و آرسنیک و دیگر فلزات سنگین و نیز در معرض اشعه و پارتیت قرار گرفتن تا ۳۰ برابر خطر تولد نوزاد معلول و عقب مانده ذهنی را افزایش می دهد." در خبرهای مازندنومه روز شنبه هم داشتیم که میزان مصرف سموم در مازندران ۵ برابر متوسط کشوری است و میزان درصد آلودگی محصول توت فرنگی مازندران به سم کلپتان ۲۲ درصد، دیازنیون ۲۷ درصد و لپیدان ۱۸ درصد است و ۵/۲۷ (بیست و هفت و نیم) درصد نمونه های توت فرنگی حداقل به یک سم آلوده بودند. هم چنین میزان آلودگی به حداقل یک سم در ۴۹ درصد است و در کدو نیز میزان سم لپیدان ۴۲ درصد، دیازنیون ۲۶/۶۳ درصد و دورسبان ۷/۸۹ درصد است. آلودگی به حداقل یک سم در محصول کدو ۵۰ درصد برآورد شده است. خوب، با این همه مشکلاتی که در زمینه بهداشت مواد خوراکی و سلامت ما وجود دارد و در واقع با سرب بمباران می شویم و پارازیت می نوشیم و سم می خوریم، آیا می توان به پرند و چرند و زمین و جنگل هم فکر کرد؟! بیچاره گیاه خواران و خام خوارانی مثل دکتر غلامعلی بسکی عزیز یا احمد اکبری خودمان که این یکی ۵۰ سال است گوشت نخورده و فقط سبزی و میوه می خورد!

عاورین، نه آفرین!

زبان حافظه ی جامعه است و تصویر حافظه ی هر جامعه که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. زبان هم چنین یک رفتار اجتماعی است که هر جامعه ملزم به رعایت این رفتار است. زبان هم جنبه کلامی دارد، هم مکتوب؛ در جنبه کلامی و شنیداری آن مقوله ای به نام زبان مخفی مطرح می شود و از جنبه مکتوب آن نیز مشکلی به نام رسم الخط واحد. وجود زبان های مخفی در جامعه، امری غیر طبیعی نیست، اما مساله مهم میزان شیوع این زبان هاست. هر قدر زبان مخفی در میان عده بیشتری از اعضای جامعه شیوع پیدا کند، می توان گفت ساختار فرهنگی آن جامعه دچار مشکلات بیشتری است، چرا که زبان مخفی به منظور پنهانکاری یا اعتراض به کار می رود و اگر عده زیادی از افراد جامعه مجبور به پنهانکاری یا مقاومت و اعتراض باشند، پس لابد در ساختار فرهنگی جامعه مشکلاتی وجود دارد که باید با آنها روبه رو شد، آنها را شناخت و برای حل کردن شان کوشید. اما جدا از این، در سال های اخیر عوامل دیگری نیز بر سرعت شیوع زبان مخفی در جامعه ایران افزوده است. گسترش روابط مجازی از طریق اینترنت و تلفن همراه افراد بیشتری را با زبان مخفی آشنا کرده و باعث ورود آنها به دنیای زبان مخفی شده است. برخی پژوهشگران ایرانی اینترنت، چت و پیامک را از عوامل مهم گسترش زبان مخفی دانسته اند. فضای اینترنت بستر بسیار مناسبی برای طرح مسائل و دغدغه های افراد، به خصوص جوانان است. در فضای اینترنت فرد می تواند با پنهان کردن هویت خود به راحتی عقاید و افکارش را مطرح کرده، مخاطبان مورد نظر خود را بیابد. از طرف دیگر، اینترنت فضای بسیار مناسبی برای بروز و ظهور گروه های خاموش اجتماعی نیز هست. در همین راستا باید گفت: رسم الخط هم روشی استاندارد را برای نوشتن خط یک زبان، نمایش می دهد. سرهم نویسی، جدانویسی، حرف اضافه، حرف ربط، واژه های چند املائی، نقطه گذاری و املائی و امواژه ها از مفاهیمی هستند که عامل های مشخص کننده رسم الخط ها به شمار می آیند. برای مثال در رسم الخط ادبی دوره دهه ۴۰ خورشیدی ممکن بود بخوانیم: «بخاطر اینکه میتوانستم میوه دسترنج خود را بچشم.» اما امروز می نویسیم: «به خاطر این که می توانستم میوه ی دسترنج خود را بچشم.» امروز مراجع مختلف، رسم الخط های مختلفی برای فارسی در پیش گرفته اند. برخی هم سعی بر استاندارد کردن نظر خود کرده اند، اما همچنان اختلاف و ناهماهنگی به چشم می خورد. از مدت ها پیش یکسان سازی دستور خط فارسی و ایجاد نوعی وحدت در آن در راس برنامه های فرهنگستان زبان فارسی قرار گرفت و آقایان بر آن شدند در همه متون مکتوب کشور، وحدتی را ایجاد کنند، اما در این میان اختلاف نظر هایی وجود دارد. جدا از منابع مکتوب و کاغذی (کتاب و مطبوعات) که تا حدودی رسم الخط یکسانی دارند، در اینترنت، به خصوص در شبکه های اجتماعی نوعی زبان مخفی و رسم الخط جدیدی گسترش پیدا کرده که شاید در آینده تهدیدی برای زبان فارسی محسوب شود. در حالی که کاربردستان ادبیات ایران در حال مباحثه و جدل بر سر این هستند که "ها" باید به کلمه قبل از خود بچسبد یا نه و یا "به" جدا نوشته می شود یا به کلمه بعدی می چسبد، کاربران اینترنت رسم الخط نوینی را برای خود آفریده اند؛ به این نمونه ها که از یکی از شبکه های اجتماعی پرتطرفدار گرفتم، توجه کنید: هوپطور (همین طور) / در عابنده اعمال خواهد شد (در آینده اعمال خواهد شد) / والاع (والله) / سوعالت (سوالات) / فقد میخام (فقط می خوام) / کجارت؟ (کجارت؟) / عاخه (آخه) / خداتانت زده (خیلی نوشته) / عاورین (آفرین) و...

زبان مثل هر پدیده اجتماعی دیگر تغییر می کند، چنان که زبان امروزین ما با زبان عصر سعدی و فردوسی تفاوت دارد. شاید لازم باشد بیش از آن که برای تغییر زبان فارسی نگرانیم، برای روند ها و مشکلات فرهنگی و اجتماعی ای نگران باشیم که باعث به وجود آمدن زبان مخفی و چنین رسم الخط هایی می شوند، مسائلی که ۲ نسل را از هم گسسته اند، مسائلی که باعث شده اند جوانان در قالب زبان و گفتار در برابر چیزی از خود مقاومت نشان دهند.



گزارش زیر را لیلیا مشفق تهیه کرده که در شماره دوم ماهنامه امرن نیز منتشر شد و بخش‌های اصلی آن در پی می‌آید.

مدیریت خانواده‌اند و اهمیت حضور آن‌ها در آرامش روحی و روانی فرزندان غیرقابل انکار است. بنابراین وابستگی آن‌ها به مواد، نتیجه‌ای جز فروپاشی خانواده و بالارفتن ضریب آسیب‌پذیری خانواده و جامعه را به دنبال ندارد. درمان در مراکز ترک اعتیاد، نه تنها سیکل آسانی دارد بلکه در مواردی به صورت سرپایی انجام می‌شود و اسرار بیماران نیز به طور محرمانه باقی می‌ماند. برای بررسی این مقوله به تعدادی از مراکز ترک اعتیاد شهر ساری مراجعه کردیم. اجتناب از انتشار جزئیات اطلاعات بیماران این مراکز بنا به درخواست آنان بوده است.

■ زنان معتاد و آسیب‌ها

بدون چشم‌پوشی از عوارض اعتیاد در مردان، باید توجه داشت که زنان معتاد بسیار آسیب‌پذیرتر از مردان معتادند، چرا که مصرف مواد در زنان، اغلب با آسیب‌های اجتماعی دیگری از جمله فرار از خانه، روسپی‌گری و فقر، توأم است. از سوی دیگر زمانی که یک زن معتاد می‌شود، تنها خود؛ گرفتار پیامدهای فردی و اجتماعی آن نیست. فرزندان و خانواده‌رانیز تحت تاثیر قرار داده و ارکان خانواده، آماده و مستعد از هم‌پاشیدگی می‌شود. مشاور کلینیک ترک اعتیاد در خیابان امیر مازندرانی ساری در این رابطه می‌گوید: «یکی از عوارض مهم اعتیاد در زنان کاهش سطح عاطفه‌های فردی آن‌ها نسبت به خانواده است. اعتیاد مادر، به مرور زمان باعث می‌شود: کارکرد او در خانواده دستخوش تغییر شده و این مساله فرزندان خانواده را در معرض آسیب جدی و سوء رفتار قرار می‌دهد. فرزندان و همسران معتاد، دچار یک نوع احساس رهاشدگی می‌شوند و نیازهای خودشان را خارج از خانواده جست و جو می‌کنند، این مساله خود باعث فراهم شدن زمینه آسیب فرزندان و همسر می‌گردد و چون در جامعه ما، زنان تابع روابط سنتی هستند و اعتیادشان به طور مضاعف پذیرفته نیست، در نتیجه از جهات گوناگون مورد آزار قرار گرفته و باعث طلاق و فروپاشی کانون خانواده می‌شوند. متعاقباً به دلیل عدم توانایی تهیه مواد مصرفی خود، متأسفانه زمینه فساد اخلاقی در جامعه را نیز موجب می‌شوند. علاوه بر مشکلات روانی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از اعتیاد، زنان در دوران بارداری و شیردهی نیز اثرات سوء مصرف مواد مخدر را به کودکان خود منتقل می‌کنند. دکتر (ط.) مسئول فنی یک کلینیک ترک اعتیاد در خیابان فرهنگ ساری، در این باره می‌گوید: «اعتیاد زن باردار، با توجه به نوع موادی که مصرف می‌کند، از طریق جفت، روی جنین اثرات منفی به جا خواهد گذاشت. مثلاً مواجهه‌ی پیش از تولد با ماری‌جوآنا (حشیش) با واکنش‌های پرش عضلات نوزاد، خواب‌آشفته، بی‌توجهی نسبت به محیط در نوزادی و کودکی، ارتباط دارد و باعث کم‌زونی هنگام تولد و زودرسی نوزاد و نقائص مادرزادی در جنین می‌شود، یا هورمون‌سبب می‌شود؛ نوزاد در سال اول زندگی به محیط کمتر توجه نموده و رشد حرکتی‌اش کند باشد، ضمن این که مصرف هورمون باعث انتقال سموم آن به جنین شده و نیز از طریق ترشح در شیر مادر به نوزاد انتقال می‌یابد.»

■ دلایل گرایش زنان به مواد مخدر

یکی از پزشکان متخصص ترک مصرف مواد مخدر، درباره دلایل ابتلای زنان به اعتیاد می‌گوید: «ابتلا به اعتیاد در زنان، بیشتر از بستر خانواده شکل می‌گیرد. بیشتر زنان معتاد یا همسر معتاد داشته‌اند و یادار خانواده‌ای که به نوعی سوء مصرف به مواد مخدر داشته است، بزرگ شده‌اند و تعداد اندکی از آن‌ها نیز در زندان‌ها، مواد مخدر را تجربه کرده‌اند. وی در ادامه اشاره می‌کند: «در شهرهای کوچکی مثل ساری؛ تهیه مواد برای زنان بسیار دشوار است و در جامعه بستر ابتلای خانم‌ها محدود است و معمولاً عضو معتاد خانواده، مواد لازم را تهیه می‌کند که احتمالاً همسر یا برادر و یکی از نزدیکان است و به ندرت؛ زنان خود؛ امکان تهیه مواد را در دوران اولیه



اعتیاد زنان

رسانه‌ها با صراحت بیشتری وارد شوند

بررسی سوء مصرف مواد مخدر در زنان و ماجراهای عبرت آموز آن زنان معتاد، بیم‌ها و امیدها

■ عدم مراجعه زنان معتاد به مراکز درمانی

از آن‌جا که در کشور ما، به دلیل اعتقادات مذهبی و عوامل فرهنگی و رفتارهای سنتی، مصرف مواد در زنان قبیح‌تر از مردان تلقی می‌گردد، زنان معمولاً برای این که اعتیاد خود را پنهان نگاه‌دارند، از مراجعه به مراکز درمانی معتادان اکراه دارند. مسئول فنی یک مرکز درمانی در خیابان امیر مازندرانی می‌گوید: «تنها دو درصد از بیماران این مرکز از زنان معتاد تشکیل می‌دهند و این بسیار تأسف‌برانگیز است و از یک طرف عدم مراجعه خانم‌ها به مراکز درمانی، نشانگر ناآشنایی و بی‌اطلاعی آن‌هاست. از طرفی جامعه؛ کم‌تر زنان معتاد را تحمل می‌کند و این سبب می‌شود تا کنعان کردن این وابستگی از طرف زنان، برجسته‌تر باشد. یعنی می‌توانم بگویم: زنان معتاد در خصوص مراجعه به مراکز درمانی، ابتدا با خودشان درگیر می‌شوند و نمی‌توانند به صراحت مشکل خود را بیان کنند. شاید نیاز است که نوعی فرهنگ سازی رسانه‌ای صورت گیرد تا جامعه به راحتی مادران و زنان معتاد را از کانون خانواده طرد نکرده و جهت بازپروری آنان موثرتر عمل کنند.» البته نباید پنهان کرد که سرزنش‌های افراد خانواده در عدم آمادگی برای درمان در زنان، بیشتر است. زنان نسبت به مردان احساسی‌ترند و کم‌ترین اشاره از اطرافیان، می‌تواند آن‌ها را خرد کند و از اعتراف به اعتیاد و یا پیگیری درمان باز دارد.

■ مراکز ترک اعتیاد و مشکلات

مراکز درمانی و کلینیک‌های ترک اعتیاد هم‌با شرایط و مشکلات ویژه‌ای در مسیر فعالیت خود مواجه هستند که در این باره مسئول فنی یکی از کلینیک‌های ساری در خیابان فرهنگ می‌گوید: «در کلینیک‌ها؛ از متادون استفاده می‌شود که تنها برطرف‌کننده نیاز بیمار به مصرف مواد مخدر است. در این روش با بررسی شرایط بیمار و تجویز متادون سعی می‌کنیم تا وابستگی او را به مواد مخدر از بین برده و با برگزاری جلسات مشاوره گروهی، فردی و خانوادگی، او را به سطح مطلوب زندگی هدایت کنیم. البته این کار دشواری است چرا که فرد معتاد علاوه بر اختلال جسمی، دچار اختلال روحی نیز هست و برقراری ارتباط با چنین افرادی، بسیار کار مشکلی است، اما اگر بیمار از زده اجتماعی بالا، در محیط مناسب و به دور از وسوسه‌های مداوم باشد، می‌توان او را به زندگی با کیفیت مطلوب برگرداند. یکی از مشکلات، تغییر فرم داروی متادون است که قبلاً به شکل قرص ارائه می‌شد و اکنون به صورت شربت است. از آن‌جایی که متادون باید در دوزهای مشخص و دقیق مصرف گردد و مصرف بیش از اندازه آن مسمومیت‌زاست، فرم شربت دارو، مشکل عدم تنظیم مقدار مصرف را به همراه دارد. یعنی بیمار به دلیل شرایط روحی و جسمی خاصش، توانایی رعایت میزان مصرف را ندارد در حالی که این تنظیم؛ درباره قرص به سادگی انجام می‌شد. علاوه بر این، شربت متادون خواب‌آور نیز هست و ادامه‌ی روند تغییر مدام

فرم دارو، در روحیه بیمار تاثیر منفی دارد. البته دانشگاه علوم پزشکی؛ دلایلی برای این تغییر فرم دارد. مثل: توضیح بیش از حد قرص متادون در بازار که روند درمانی بیماران را مختل نموده و باعث مصرف سوء و نیز درگیری با عوارضی ناشی از آن می‌شود که مخاطرات خود را دارد. در واقع دانشگاه با این تغییرات، قصد دارد؛ از مراجعه بیماران به بازار آزاد، ممانعت به عمل آورد ولی احتمالاً تأثیری نداشته و تنها موجب سختی و کندی کار مراکز شده است.»

■ حمایت‌های موجود از مراکز درمان و معتادان

بر اساس آمار جهانی، اعتیاد در زنان؛ عوارض خطرناک‌تری نسبت به مردان ایجاد می‌کند. به عنوان مثال؛ فاصله زمانی اولین تجربه مصرف مواد، تا تزریق مواد در زنان، به طور متوسط ۲ سال و در مردان حدود ۸ سال است. به این ترتیب، زنان ۶ سال زودتر از مردان، به ورطه وابستگی شدید، کشیده می‌شوند که طبعاً درمان سخت‌تر و عوارض آن نیز به مراتب بیشتر است. مرگ در اثر مصرف مواد نیز در زنان و دختران، سریع‌تر رخ می‌دهد. به خصوص؛ مصرف بیش از حد، خودکشی و تصادفات ناشی از آثار مصرف مواد مخدر، علت اصلی مرگ و میر در زنان معتاد است. بنابراین زنان معتاد به حمایت‌های سریع‌تر و بیشتری نیاز دارند تا بدون نگرانی درباره مسئولیت‌های زندگی از جمله؛ مراقبت از فرزندان و وظایف همسری، به ترک منزل جهت درمان، اقدام کنند. حتی فقر زنان و هزینه‌های سنگین درمان نیز مشکلی است که باید به آن توجه داشت. کلینیک‌های ترک مواد مخدر در مازندران، با هزینه‌های شخصی موسسین این واحدها و دریافت حق درمان از مراجعان و حمایت‌هایی که دانشگاه علوم پزشکی و اداره بهزیستی از بیماران به عمل می‌آورد، تأمین می‌شود. مسئول فنی یکی از مراکز درمانی در ساری، دکتر (م.) درباره حمایت‌های موجود می‌گوید: «دانشگاه علوم پزشکی؛ متادون را در اختیار مراکز قرار می‌دهد و بهزیستی نیز بعضی از بیماران را تحت پوشش خود قرار داده، نیمی از هزینه درمان آنها را متقبل می‌شود. اما درمان اعتیاد زنان، به حمایت‌های ویژه‌ای نیاز دارد. به طور مثال؛ برنامه‌های درمانی زنان باید متناسب با جنسیت آن‌ها تنظیم گردد چون زنان نیازمند اقدامات اختصاصی هستند. نبود مراکز بازپروری مخصوص زنان نیز یکی از کاستی‌های موجود در این استان است. بنابراین برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و حمایتی از زنان معتاد، تمهیدات خاص خود را می‌طلبد.» از آن‌جایی که آمار معتادان یک منطقه، از تعداد مراجعه‌کنندگان به بهزیستی، مراکز درمانی و زندان‌ها، محاسبه می‌شود، نمی‌توان رقم واقعی معتادان، خصوصاً معتادان زن را تخمین زد. گرچه از میزان تقاضای متادون در بازار (خارج از نظارت دانشگاه علوم پزشکی) می‌توان به این نتیجه رسید که مبتلایان به سوء مصرف بیشتر از این ارقامی است که ما در دست داریم. در واقع می‌توانم به جرات بگویم تنها ۲۰ درصد از معتادان شهر ساری، تحت درمان هستند و مابقی آن‌ها یا از بازار آزاد تأمین کرده و یا به سوء مصرف مواد مخدر ادامه می‌دهند. از طرفی دسترسی به آمار نزدیک به واقعیت، ممکن نبود چرا که ظاهراً طی یک دهه گذشته، هرگز آماری که مورد تأیید مراکز معتاد باشد، منتشر نگردیده است و این خود جای سوال دارد که چگونه بدون داشتن آمار، می‌توان برای حل چنین معضلی، اقدامات لازم را به عمل آورد. در این رهگذر اهمیت کار رسانه‌ها، به خصوص؛ تلویزیون، کتمان‌ناپذیر است. تلویزیون به عنوان رسانه‌ای فراگیر، باید برنامه‌های خاصی را برای بالا بردن سطح آگاهی مردم، خصوصاً زنان خانواده، در رابطه با اثرات منفی و زیانبار مصرف مواد مخدر داشته باشند و در همان برنامه‌ها، راه‌نمایی‌های مراجعه به مراکز ترک اعتیاد را نیز ارائه دهد. به نظر می‌رسد، بحران به سطحی رسیده که تنها پرداختن به اعتیاد مردان برای روشن شدن اذهان کافی نباشد و این رسانه، خصوصاً در زمان پخش برنامه‌های پر بیننده، امکان وسیعی برای انتشار گفتگوهای کوتاه و پخش مطالب هشدار دهنده دارد. به نظر می‌رسد که هنوز مساله خطرات سوء مصرف مواد مخدر و نیز سیکل راحت و ساده‌ی درمان در مراکز مربوطه، نسبت به عوارض و خطرات خود درمانی، آن‌طور که باید، برای مردم گفته نشده است. شاید بهتر است با صراحت بیشتری در رسانه‌ها، به جزئیات مسائل، مشکلات و بیم‌ها و امیدهای زندگی زنان معتاد پرداخت.

تحقیق یا بازپرس، به مقام تعقیب کننده یا دادستان نیز تعمیم یافته است.

در موضوعات حقوقی گاهی شاهدیم؛ افراد؛ جهت نیل به هدف خویش و احقاق حق، به ابزارهای کیفری تمسک می جویند. در این باره و در خصوص کاهش این معضل، چه پیشنهادهای دارید؟

همان گونه که در قسمت های قبل اشاره شد، یکی از دلایل مهم این موضوع، عدم آشنایی مردم با قوانین و مقررات حقوقی است و بنظر بنده؛ بهره مندی از مشاورت واحدهای ارشاد و معاضدت قضایی که در دادگستری ها و دادسراها مستقر هستند و نیز مشاور حقوقی و وکیل دعاوی، می تواند گام موثر و اساسی در رفع این معضل باشد. البته شاید مهم ترین علت این موضوع، برخورداری مراجع کیفری، نظیر؛ دادسرا، از امکانات و ابزارهای قهرآمیز و سرکوبگر، چون پلیس باشد و پیش بینی ضمانت اجرای کیفری، در مواقعی که فردی به جای طرح دعوی حقوقی، پرونده را عمداً در مسیر کیفری قرار دهد، به مانند آن چه که در برخی از نظام های کیفری دنیا وجود دارد، می تواند مانع توسل افراد به چنین ابزارهایی گردد.

با توجه به تشکیل ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی در دادسرا، بنظر تان اهداف این نهاد چگونه قابل تحقق است؟

همزمان با رشد فزاینده جرم در جامعه و پیچیدگی برخی از جرایم و فنی شدن ارتکاب جرم و موثر نبودن بکارگیری صرف از ابزارهای قهرآمیز، امروزه مقوله «پیشگیری از جرم» که به طور عمده استفاده از ابزارهای غیر سرکوبگر را انتخاب می نماید، سرلوحه تمامی نظام های قضایی در دنیا قرار گرفته است. در کشور ما نیز از چندین سال قبل، با توجه به اهمیت و جایگاه پیشگیری از جرم، معاونت پیشگیری از جرم در قوه قضاییه تشکیل شد که یکی از زیرمجموعه های قوه بوده و ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی نیز عهده دار اجرای طرح ها، سیاست ها و خط مشی های معاونت مذکور در دادسرا می باشد. از آن جا که نقطه آغازین تقریباً تمامی پرونده های کیفری، از دادسرا آغاز می شود، بنابراین این ستاد از طریق شناسایی نقاط آلوده و جرم خیز شهر و هم چنین بزهکاران حرفه ای و دارای سوابق کیفری و با استفاده از راهکارهای «پیشگیری وضعی»، نقش بسیار مهمی در پیشگیری از جرم و بالا بردن ضریب امنیت مناطق مختلف شهری خواهد داشت.

نقش دادستان و قضات دادسرا، ضابطان قضایی و شورای حل اختلاف، به چه میزان در کاهش مراجعات می تواند موثر باشد؟

همانگونه که اشاره شد، در کنار اجرای وظایف نهادهایی چون؛ دادسرا، شورای حل اختلاف و ضابطین دادگستری، افزایش یا کاهش مراجعات مردم به مراجع قضایی، ارتباط تنگاتنگی با میزان رشد و آگاهی فردی، اطلاع مردم از قوانین و مقررات موجود دارد. از طرفی، در خصوص نهادهای مورد اشاره نیز، تا زمانی که نهادهای موصوف، وظایف خود را به طور صحیح انجام ندهد و کارکردهای قانونی این نهادها، به درستی تبیین نشود، نمی توان امید به کاهش مراجعات حضوری مردم به مراجع موصوف، داشت. از نظر تطبیقی باید عنوان نمود که؛ در نظام قضایی کشور انگلستان، با توجه به این که میان پلیس و مقامات دادسرا ارتباط تنگاتنگی وجود داشته و پلیس این نظام قضایی، بر اساس معیارهای قانونی (قانون اولیه کیفری و پلیس) از اختیارات گسترده ای برخوردار بوده و بسیاری از پرونده های کیفری، قبل از ورود به دادسرا در همان ایستگاه های پلیس، حل و فصل و مختومه می شود. خود دادستان یا مقام تعقیب نیز بر اساس موازین قانونی، از اختیارات بسیار گسترده ای در خارج نمودن پرونده ای کیفری از چرخه دادسرا برخوردار می باشد. به عنوان نمونه؛ دادستان، در نظام قضایی انگلستان، در سیزده مورد این اختیار را دارد که پرونده کیفری را بدون ارسال به دادگاه جزا، بایگانی نماید. این در حالی است که در نظام قضایی ایران، تنها ابزاری که دادستان برای بایگانی نمودن پرونده در مرحله تعقیب و آن هم به طور مشروط در اختیار دارد، استفاده از نهاد «تعقیب و تعقیب» است که در عمل، کم تر دادستان ها از این نهاد که یکی از ابزارهای موثر جهت «فردی کردن» به شمار می آید، استفاده می نمایند.



دادسرا محلی است در دادگستری و حوزه قضایی هر شهرستان که در معیت دادگاه های عمومی و جزایی، انجام وظیفه می کند و عهده دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم، اعاده دعوی و اعلام از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی و اجرای حکم و رسیدگی به امور حسبی می باشد. بی شک؛ امروزه با گسترش معضلات اجتماعی، کم تر کسی را می توان یافت که گذرش به این محل نیفتاده باشد و آن چه در ابتدای امر چشم گیر بوده و مورد توجه قرار می گیرد، ازدیاد جمعیت و گاهی همراه با همهمه و درگیری است که قطعاً ذهن هر شخص پرسشگری را به علت و چرایی این موضوع مشغول می نماید. بررسی این امر را برآن داشت تا گفتگویی را با یکی از قضات شهرستان ساری انجام دهیم. متن زیر پیرامون موضوع شلوغی دادسراها در گفتگو با «دکتر فرامرز قلی پور» است.

بازداشت موقت، می باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلب سلب شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت های اضافی و بدون ضرورت، اجتناب شود. «اولین و مهم ترین اقدامی که قضات تحقیق دادسرا می بایست پس از طرح شکایت از سوی شاکی خصوصی و یا اعلام جرم، در دستور کار خویش قرار دهند، تحقیق جامع و مفصل از شاکی، پیرامون موضوع شکایت و بررسی دلایل و مدارک ابرازی، از سوی شاکی است و چنانچه دلایل ارائه شده، در حد و اندازه ای باشد که بتواند اتهام را متوجه متهم نماید، آنگاه تعقیب وی را درخواست نماید. براین اساس؛ ماده ۱۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری اشعار می دارد: «قاضی نباید کسی را احضار و یا جلب کند، مگر این که دلایل کافی برای احضار و یا جلب او وجود داشته باشد.» در همین جا لازم است که اشاره شود؛ بخش بسیار مهمی از فرایند یک پرونده کیفری، «تحقیقات مقدماتی» است که این تحقیقات توسط قضات دادسرا، اعم از بازپرس و دادیار صورت می گیرد. اهمیت انجام تحقیقات مقدماتی، تا حدی است که بدون انجام تحقیق جامع و دقیقی و همه جانبه راجع به یک پرونده کیفری که از اصول و قواعد پیروی می نماید، انجام دادرسی منصفانه و نیل به عدالت کیفری میسر نخواهد بود. یکی از وظایف بسیار مهمی که

بازداشت موقت، می باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلب سلب شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت های اضافی و بدون ضرورت، اجتناب شود. «اولین و مهم ترین اقدامی که قضات تحقیق دادسرا می بایست پس از طرح شکایت از سوی شاکی خصوصی و یا اعلام جرم، در دستور کار خویش قرار دهند، تحقیق جامع و مفصل از شاکی، پیرامون موضوع شکایت و بررسی دلایل و مدارک ابرازی، از سوی شاکی است و چنانچه دلایل ارائه شده، در حد و اندازه ای باشد که بتواند اتهام را متوجه متهم نماید، آنگاه تعقیب وی را درخواست نماید. براین اساس؛ ماده ۱۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری اشعار می دارد: «قاضی نباید کسی را احضار و یا جلب کند، مگر این که دلایل کافی برای احضار و یا جلب او وجود داشته باشد.» در همین جا لازم است که اشاره شود؛ بخش بسیار مهمی از فرایند یک پرونده کیفری، «تحقیقات مقدماتی» است که این تحقیقات توسط قضات دادسرا، اعم از بازپرس و دادیار صورت می گیرد. اهمیت انجام تحقیقات مقدماتی، تا حدی است که بدون انجام تحقیق جامع و دقیقی و همه جانبه راجع به یک پرونده کیفری که از اصول و قواعد پیروی می نماید، انجام دادرسی منصفانه و نیل به عدالت کیفری میسر نخواهد بود. یکی از وظایف بسیار مهمی که



قضات دادسرا در اجرای تحقیقات موصوف بر عهده دارند، جمع آوری دلایل «له و علیه» متهم می باشد. به عبارت دیگر؛ قضات مذکور نباید خود را محصور در دلایل ابرازی از سوی شاکی خصوصی نمایند. این اصل و قاعده مهم آیین دادرسی کیفری را می توان نقش بسته بر تارک تمامی نظام های دادرسی دنیا، دانست. ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸ اشعار می دارد: «دادستان و قضات تحقیق؛ باید در نهایت بی طرفی تحقیقات را انجام داده و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا به ضرر متهم است، بی طرفی کامل را رعایت نمایند.» در اجرای اصل بی طرفی، مقامات تحقیق اعم از بازپرس یا دادیار، می بایست دامنه تحقیقات خود را گسترش داده و به تحصیل یا تسجیل دلایلی که در رفع اتهام از متهم مساعدت نماید، اقدام نمایند. امروزه اجرای این اصل، علاوه بر مقام

کیفری نموده و همین امر موجب اتلاف وقت زیادی از سوی مراجع انتظامی و قضات دادسرا می شود و البته نقص موجود در قوانین فعلی نیز، مزید بر علت می باشد و یا در پرونده های دیگری، شاکی خصوصی اقدام به طرح شکایت کیفری می کند و پس از چندین بار مراجعه حضوری به شعب بازپرسی یا دادیاری و رفت و برگشت پرونده از دادسرا به مرجع انتظامی، معلوم می شود که پرونده دارای جنبه حقوقی بوده و فاقد وصف کیفری است.

ازدحام بیش از حد مراجعه کنندگان در راهروهای دادسراها، توأم با سر و صدا و گاهی؛ درگیری، اولین موضوعی است که ذهن هر بیننده این صحنه ها را به خود مشغول می کند. این موضوع چه تاثیری می تواند در روند رسیدگی به پرونده ها از ناحیه بازپرس یا دادیار داشته باشد؟

به طور قطع، تاثیر منفی این گونه رفتارها در درجه نخست، می بایست بر روی کیفیت کار قضایی و روند رسیدگی به پرونده های مطروحه در دادسرا، دانست. حجم بسیار بالای ورودی پرونده های مطروحه در دادسرا، به همراه تعداد بی شمار افراد مراجعه کننده که گاهی، شاهد تنازع و اصطکاک بین آن ها هستیم، دو عامل مهمی است که تاثیر مستقیمی بر «تمرکز قضات دادسرا و کیفیت رسیدگی به پرونده ها خواهد

داشت.» این موارد؛ امروزه از مباحث بسیار مهم در «آسیب شناسی قضایی» است. روزانه؛ شاهد این هستیم که به همراه اطراف و اصحاب پرونده، بسیاری از افرادی که غیر مرتبط با پرونده هستند، اعم از بستگان، خویشان و دوستان، روانه دادسرا شده و همین مساله، خود موجب ازدحام راهروهای دادسرا شده و تمرکز قضایی را از قاضی رسیدگی کننده به پرونده، سلب می نماید.

با توجه به قاعده اصلی رعایت حقوق شهروندی که نمی توان هیچ کس را در مظان اتهام قرار داد، مگر آن که از قبل، دلایل کافی برای آن وجود داشته باشد. چه ظرفیت های قانونی در تحقق این امر و متعاقب آن کاهش مراجعات افراد به دادسرا می توان یافت و اعمال کرد؟ طبق بند ۱ از قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳؛ «کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تامین و

دادسراها، چه شلوغ مردم قانون نمی دانند

آن چه در پی می آید متن گفت و گوی رضایی سوادکوهی - وکیل پایه یک دادگستری - با دکتر فرامرز قلی پور - قاضی دادگستری - است که در شماره دوم ماه نامه «ارمون» انتشار یافت و از سوی همکاران مان در این ماه نامه برای باز نشر در اختیار ما قرار گرفته است.

اشاره:

دادسرا محلی است در دادگستری و حوزه قضایی هر شهرستان که در معیت دادگاه های عمومی و جزایی، انجام وظیفه می کند و عهده دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم، اعاده دعوی و اعلام از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی و اجرای حکم و رسیدگی به امور حسبی می باشد. بی شک؛ امروزه با گسترش معضلات اجتماعی، کم تر کسی را می توان یافت که گذرش به این محل نیفتاده باشد و آن چه در ابتدای امر چشم گیر بوده و مورد توجه قرار می گیرد، ازدیاد جمعیت و گاهی همراه با همهمه و درگیری است که قطعاً ذهن هر شخص پرسشگری را به علت و چرایی این موضوع مشغول می نماید. بررسی این امر را برآن داشت تا گفتگویی را با یکی از قضات شهرستان ساری انجام دهیم. متن زیر پیرامون موضوع شلوغی دادسراها در گفتگو با «دکتر فرامرز قلی پور» است.

جناب قلی پور، با توجه به سوابق قضایی شما و به عنوان یک حقوقدان، ارزیابی تان از وضعیت دادسرا چگونه است؟

در ایران، این نهاد که نقش آن در تحقق عدالت کیفری انکار ناپذیر است، همواره با فراز و فرودهای بسیاری روبرو بوده است. مهم ترین واقعه ای که پیرامون این نهاد می توان بدان اشاره نمود، حذف دادسرا پس از حدود نیم قرن فعالیت آن از تشکیلات قضایی ایران و جایگزینی آن با دادگاه های عام، با صلاحیت رسیدگی به کلیه دعوی اعم از کیفری و حقوقی بوده است. با احیای دوباره دادسراها در کشور در سال ۱۳۸۱ پس از یک دوره فترت هشت ساله، مهم ترین و اصلی ترین چالشی که در حال حاضر دست اندرکاران و مرتبطین این نهاد با آن مواجه هستند، فقدان یک قانون آیین دادرسی کیفری جامع و کامل مرتبط با تشکیلات دادسرا و در عین حال هم سوبا تحولات روز دادرسی دنیایی باشد، به طوری که قانون موسوم به اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ با چندین ماده قانون مجمل و مبهم، به طور قطع جوابگوی مسایل و موضوعات بی شماری که در حیطه وظایف و کارکردهای مربوط به نهاد دادسرا، به وجود می آید، نخواهد بود. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ نیز در حال حاضر تنها در تشکیلات سازمان قضایی نیروهای مسلح، قابلیت اجرا و اعمال را دارد. به اعتقاد بنده، مسئولان دستگاه قضایی، قبل از احیای مجدد دادسراها در کشور، می بایست ابتدا ساز و کارها و امکانات لازم که مهم ترین آن؛ قوانین مدون و به روز و نیروی انسانی کار آمد است را فراهم و آن گاه مبادرت به تاسیس نهاد مهمی چون دادسرا می نمود. چالش مهم و اساسی دیگری که این نهاد از ابتدای احیای دوباره تاکنون، با آن مواجه بوده و هست، فقدان پلیس متخصص، مشابه پلیس قضایی که قبل از حذف از تشکیلات پلیسی ایران وجود داشته، می باشد. امروزه در نظام های دادرسی نوین دنیا که برخوردار از سیستم دادسرا هستند، دادسرا و در راس آن دادستان، تحقیقات را به وسیله نیروی پلیس انجام می دهند و در این نظام ها، تحقیقاتی را که در کشورها؛ توسط بازپرس یا دادیار انجام می شود، نیروی پلیس به عهده دارد. بنابراین احیای مجدد نهادی مشابه پلیس قضایی در ایران که بازوی دادسرا در انجام تحقیقات محوله به حساب می آید، ضرورتی است که بیش از پیش احساس می شود.

ما هر روز شاهد مراجعات روز افزون مردم به این نهاد هستیم. به نظر تان؛ مهم ترین دلایل این حضور پر تعداد، چه می تواند باشد؟

مهم ترین عاملی که باعث افزایش مراجعات مردم به دادگستری به طور اعم و نهاد دادسرا به طور اخص، شده است، در کنار حجم بسیار بالای پرونده های وارده، عدم آشنایی مردم با قوانین و مقررات حقوقی است. در کشورهای صاحب نظام دادرسی مترقی، بسیاری از دعاوی و مسایل حقوقی مبتلابه، توسط نهادهای شبه قضایی خارج از دادگستری و بیابین وکلای طرفین دعوی حل و فصل می شود که این خود می تواند عامل بسیار مهمی در کاهش چشمگیر مراجعات مردم به دستگاه قضایی در چنین نظام هایی باشد. به عنوان مثال در بسیاری از پرونده های مطروحه در دادسراها، هر روز شاهد این هستیم که شکات بدون این که کم ترین دلیل و مدرکی در اختیار داشته باشند، اقدام به طرح شکایت

گزارش تصویری از طبیعت زمستانی
روستاهای پاچی و میانای دودانگه ساری

دکتر علی رضای پاچی

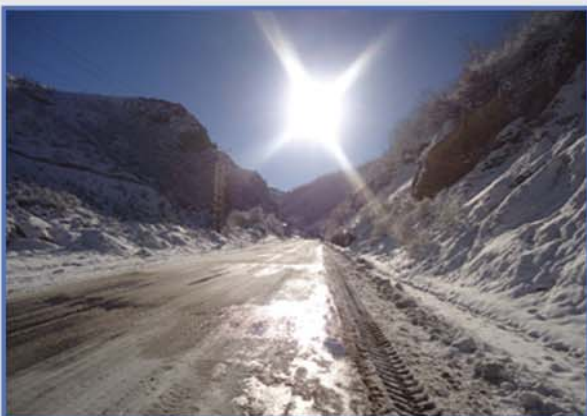


یادداشت کوتاه

با ادبیات
شین آبادسیاوش اسلامی سوادکوهی
روزنامه نگار

فرمایش های آقای وزیر نسبت به حادثه ی "شین آباد"، عرق شرم و خجلت را بر پیشانی معلمان و فرهنگیان نشانده. ما همچنان در بهت و حیرت این آبروریزی هستیم که در پی هویداشدن بی تدبیری های حاکم بر فضای آموزش و پرورش (که همواره فرهیختگان فرهنگی نسبت بدان هشدار می دادند و پاسخ های ناروایی را از همین آقایان پرمدعا می شنیدند) پاسخی به این ظلم مضاعف بر جامعه ایرانی و فرهنگی داده نشد. جامعه و مسولانش بدانند که اگر چه های معصوم "شین آباد" در آتش بی تدبیری آشکار متولیان آموزش و پرورش سوختند و کسی خویش را پاسخگو نمی داند و به طعن و کنایه از "حوادث آینده" عذر خواهی می کند و نسبت به فروافتادن جامعه از مرگ دانش آموزان با بی خیالی از آن سخن می رانند، تعجب نکنند، زیرا همین هاسال هاست که آتش در خرمن زندگی معلمان انداخته اند و با همین ادبیات با معلمان سخن می گویند! باتاسف و از سر ناچاری باید گفت که مامشات و مصلحت بینی های نسنجیده بعضی از نمایندگان در سوال نکردن و به استیضاح نکشاندن آقای وزیر، او را در بیان این عبارات، تشجیع نموده است! آنهایی که پایان کار دولت را دلیلی بر عملی نکردن استیضاح عنوان می نمایند، مگر مصلحت دولت را از خود دولت بیشتر بلدند که نمونه اش عزل وزیر بهداشت در روزهای اخیر است! در هیچ کجای قانون نیامده که قصوری اگر ثابت شد و بی کفایتی اگر مشاهده شد، صرف اینکه چندماه مانده به آخر دولت، باید با آن مامشات شود، این عین بی عدالتی و عین بی قانونی است. وزیری که در قبال مرگ نوگلان دانش آموز با نیشخند نزد افکار عمومی ظاهر شود، شایستگی ماندن در وزارت آموزش و پرورش را ندارد؛ بماند که دیدیم چگونه حاکمان کشور آمریکا - که دشمن می نامیمش - در قبال مرگ دانش آموزان کشته شده به تیرغضب دیوانه ای، آبروداری کردند. باتاسف باید گفت فضای حاکم بر این مجموعه ی عظیم مورد اعتراض قاطبه ی فرهنگیان است، اما کاری از دست کسی بر نمی آید و فقط مزید اطلاع است! فرهنگیان خیرسانی به افراد هم قبیله و اعضای خانواده و تشکیل رانت و دادن حق برادرانه را در مدیریت آموزش و پرورش سال هاست فریاد می کنند، اما کسی را پاسخگو نمی بینند. آقایان! حتماً باید آوار و آتش بر سرمان فرود آید و مثل "دانش آموزان شین آباد" بسوزیم تا از این مصائب برهیم؟ سکوت نمایندگان نسبت به مواضع و رفتار آقای وزیر، در حوادثی چون "شین آباد" ظاهراً "نوعی قدر قدرتی کاذب را در مدیریت آموزش و پرورش برجسته نمود که هرکاری را بخواهد می تواند انجام دهد! چه کسی است که نداند آرامشی را که به ظاهر در مدیریت آموزش و پرورش می گذرد و ندیدن ها و نگفتن ها و نخواستن هایی که با ظاهری آرام اما طوفانی در درون مشهود است، محصول ناکارآمدی مدیریت ناتوان آموزش و پرورش است؟ توقع داریم دلسوزان "بصیر" و "بیدار" نظام این مصیبت و بلاهتی را که دامنگیر آموزش و پرورش شده است، برهانند! ای نمایندگان محترم و کسانی که از شما کاری برمی آید، جای سوال جدی است که چه چادر قبال شکل گیری ناهنجاری هایی که تار و پود بنیان های جامعه را نشانه رفته، سکوت می کنید؟ چرا در مقابل انحصارگرایی و ناکارآمدی که به جان و تن معلمان و فرزندان تان در آموزش و پرورش افتاده و معلم و دانش آموز را بی انگیزه و بی علاقه به بسیاری از مفاهیم اخلاقی و انسانی و... کرده، سکوت می کنید؟ نگاهی به سخنان آقای وزیر کنید! به رغم اینکه سایه ی غول آسای تورم داد مراجع عظام را در آورده و زندگی معلمان را به زیر صفر برده، آقای وزیر اعلام می کند که آموزش و پرورش ما می تواند الگویی مناسب برای دیگر کشورها باشد! باید دانست هرگونه قضاوت بدبینانه و متوهمانه نسبت به معلمان و دانش آموزان خیانتی نابخشودنی نزد ملت و تاریخ ایران عزیز است. ندیدن پتانسیل ها و شایستگی ها و سپردن امور به دست برخی از منصوبان ناموفق اداری و به کاربردن ادبیاتی که شان معلمان و حیثیت وزارت آموزش و پرورش را خدشه دار نماید، بدون ملاحظه باید گفت خیانتی است نابخشودنی!



گزارش تصویری
از یک روز برفی در کجور

یادداشت کوتاه

درباره جشن سیر
سیرسورفریده یوسفی
نویسنده و پژوهشگر

در تقویم جشن‌های ایران باستان میانه‌ی دی‌ماه به روز «سیرسور» معروف است. رضامردی غیاث آبادی در کتاب «جشن‌ها و گردهم‌آیی‌های ملی ایران باستان» با تایید این مطلب، می‌نویسد: چهاردهم دی، جشن گیاه‌خواری و به ویژه خوردن سیر و نیز روز غلبه‌ی دیوان و کشته‌شدن جمشیدشاه در روایت‌های ایرانی است. «ایرانیان باستان روز چهاردهم هرمه را گوش می‌نامیدند. نام گوش از واژه‌ی پارسی باستان گئوش اورون (geush urvan) گرفته شده است. گئوش اورون نام فرشته‌ی پاسدار تندرستی جانداران و پرستار جانوران سودمند و در برخی منابع، فرشته‌ی موکل بر مهمات خلق عالم معرفی شده است. در زبان پارسی پهلوی به «گوشورون» و پس از اسلام در فارسی دری به «گوش» دگرگونی یافته است. آن‌ها بر این باور بودند در چنین روزی جمشیدشاه کشته شد و دیوان غالب شدند. از آنجایی که مردم معتقد بودند دیوان عامل شر و بیماری هستند، برای رفع شر آنان، با خوراکی‌های شان سیر می‌خوردند تا آثار شر شیاطین رفع شود. آنان بر این باور بودند که سیر و برخی سبزی‌های دیگر موجب دور شدن بیماری از انسان می‌شود. به این ترتیب همه ساله در ۱۴ دی ماه برای دوری از بیماری، «سیرسور» را برپا می‌داشتند. در این روز سیر و سبزی را با گوشت پخته می‌خوردند و صورتی از خمیر یا گل سرخ می‌ساختند و در فدای جشن سیرسور یعنی پانزدهم دی‌ماه بالای درگاه منزل می‌نهادند. از آن پس هر سال در چهاردهم دی ماه این جشن را برپا کرده، غذاهای متنوعی از سیر آماده و میل می‌کردند. شاید گزارش بالا به نظر بی‌اهمیت و غیر واقعی باشد اما اندکی کندوکاو در باره‌ی ارزش غذایی سیر اثبات می‌کند که این جشن هم مانند دیگر جشن‌های مردمی معنی دار و از لایه‌های درونی بسیار بااهمیت برخوردار بوده، ریشه‌ی علمی دارد. در برخی از منابع اسلامی در مورد «گوش روز» چنین آمده است: گوش نام روز چهاردهم از هر ماه خورشیدی است. پارسیان درین روز از ماه دی جشن کنند و عید سازند و آن را سیرسور گویند. درین روز سیر خورند، گوشت را با گیاه و علف پزند نه با چوب و هیزم. گویند این باعث امان یافتن از مس و لامسه اهریمن است بدان داروی امرای کنند که منسوب به اعصاب و روان است. درین روز نیک است فرزند به مکتب دادن و پیشه آموختن. برهان قاطع، محمدحسین بن خلف تبریزی ابوریحان بیرونی نیز چنین می‌گوید: «در گوش روز از دیمه جشنی بوده موسوم به سیرسور که در آن روز با غذا سیر می‌خورند و برای دفع اهریمنان سبزی ویژه با گوشت می‌خورند.» جالب است بدانیم که ابوریحان بیرونی که ماندگاری بسیاری از جشن‌ها و مراسم باستانی ایران پس از اسلام را مدیون او هستیم، تنها دو روز از سال را تعطیل می‌کرده و به جای پژوهش، آموزش و نوشتن کتاب به استراحت می‌پرداخته است: عید نوروز و جشن مهرگان. ماهنامه‌ی حافظ، فروردین ۱۳۸۵ در این روز سنت بر آن بوده که از خوردن چربی احتراز کنند. زین الاخبار، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک گردیزی زرتشتیان همانند دیگر ایرانیان به آن گوش، اعراب جوش، در ناحیه‌ی تاجیکستان و سغد گوش و در خوارزم گوشت گویند. فرهنگ فارسی معین، دکتر محمد معین پژوهشگران در جریان این مطالعه بی‌بردند که مصرف روزانه قرص‌های کمکی سیر که شامل «آلیسین» باشد احتمال ابتلا به سرماخوردگی را به نصف کاهش می‌دهد. همچنین معلوم شد افرادی که از قرص‌های کمکی واقعی استفاده می‌کنند در صورت ابتلا به سرماخوردگی سریع‌تر بهبود می‌یابند و احتمال عفونت دوباره در آنها به شدت کاهش می‌یابد.

ادامه این یادداشت را در مازندنومه بخوانید

عبوری در نشستی خبری:

در حال انجام کار بزرگی هستیم

حال احداث این کانال ها هستیم، به نظر شما غلو در اقدامات شهرداری است؟

مازندنومه: شهرداری ساری چرا در پروژه بازگشایی حریب امام زاده یحیی، خانه متولی به شماره ثبت ۲۹۹۶۰ میراث فرهنگی را تخریب کرد؟

میراث فرهنگی متولی این کار است و قطعاً این کارها با هماهنگی آن دستگاه اتفاق افتاده است. این خانه از فهرست ثبتی میراث فرهنگی خارج شده بود. میراث فرهنگی شاخصه هایی دارد و خانه ثبتی که سفال سقف آن کنده شده و جای آن ایرانیست و پنجره های مشبک آن کنده و جای آن پنجره آلومینیومی گذاشته اند دیگر چه خانه ثبتی است؟ این مسائل را اگر بخواهیم خیلی توجه کنیم، دچار حاشیه می شویم.

مازندنومه: روز شنبه خبری از سوی سازمان عمران شهرداری منتشر شد مبنی بر اینکه تعدادی از خبرنگاران استان از پروژه های این سازمان بازدید کردند؛ البته در این لیست نامی نه از خبرنگاران مطرح، حتی نام خبرنگاران غیر مطرح هم وجود ندارد و نام کسانی در این لیست وجود دارد که کاندیدای انتخابات شورای شهر بودند. آیا این سازمان محلی برای تبلیغات زود هنگام این افراد است؟ چرا از نام خبرنگاران

کلثوم فلاحی: نشست خبری شهردار ساری در سالن اجتماعات عمارت شهرداری برگزار شد. در ابتدای جلسه راحله حاجیان- مسئول اداره فرهنگی، هنری شهرداری ساری- در گزارش خود اعلام کرد که از بین پایگاه های خبری استان، مازندنومه بیشترین خبرها را از شهرداری و شورای شهر ساری انعکاس داده است. در این جلسه چند سؤال را از مهدی عبوری پرسیدیم که متن سؤال و جواب ها در ادامه آمده است:

مازندنومه: با وجود تبلیغات گسترده در رابطه با اقدامات شهرداری ساری، جدای از اقدامات فرهنگی، کار عمرانی قابل توجهی در شهر صورت نگرفته و مثلاً همچنان با کمترین بارندگی، شهر دچار آبگرفتگی می شود، به نظر می رسد در این زمینه غلو صورت می گیرد.

به دلیل اینکه کانالی احداث نشده، آبگرفتگی اتفاق می افتد. با اجرای طرح هدایت آب های سطحی هم، فقط ۳۰ درصد انتقال و ۷۰ درصد باقی مانده است. هرچه خدمات رسانی بیشتر می شود، آبگرفتگی سطح شهر هم بیشتر می شود. طی چند ماه اخیر در شهرداری منطقه سه ساری، ۷۰ هزار متر مربع آسفالت انجام دادیم و قبل از انجام آسفالت، آب در این منطقه جذب می شد اما اکنون آب های سطحی به سمت منطقه پایین دست سرازیر می شود. در حال انجام کار بزرگی هستیم، اینکه در بودجه برای احداث هر کانال سه چهار میلیارد تومان هزینه لحاظ نشده ولی ما در



شهرداری ساری خود سرانه عمل نمی کند و با استفاده از طراحان و کارشناسان در هر پروژه ای ورود می یابد.

مردم ساری آن قدر بزرگوار هستند که ما نمی توانیم کارهای کوچک مان را به رخ بکشیم از روز اول گفتم اوضاع ساری سال ها به دلیل بی مهربی و بهره مند نبودن از اعتبارات ملی و استانی بد است.

کارهای عقب افتاده در این شهر زیاد داریم، اگر افراد تاثیرگذار به یاری ما نشتابند نمی توان آنچه شایسته است انجام دهیم.

رشد و توسعه هر استانی در گرو رشد مرکز آن است. انکار نمی کنم که عده ای می خواهند کمک کنند ولی توان ندارند و عده ای که توان دارند، اراده ندارند.

با رویکرد انجام پروژه های زیر ساختی، زیباسازی و فرهنگی و نیز با دستان خالی و میلیاردها تومان بدهی به این عمارت آمده ام

با اتکا به اعتماد مردم و در آمد روزانه شهرداری کارهایی از جمله، آزادسازی و بهسازی امام زاده یحیی ساری - استقرار مجسمه های برنزی اسپهبد در میدان فرح آباد - ادامه احداث پل زغال چال با قرارداد ۱۰ میلیارد تومانی پس از دو سال توقف - احداث کانال ها و پل های اساسی در مناطق مختلف شهر ساری و نیز ایجاد پارکینگ های متعدد در سطح خیابان ها - پیاده روسازی تمامی بلوارها تعریض برخی از خیابان ها برای تسهیل تردد - پیشرفت عملیات بازگشایی کمربندی غربی پیگیری اجرای ساخت نیروگاه زباله سوز با قرار دادی بالغ بر ۴۶ میلیارد تومان - تملک اراضی برای احداث بوستان های محلی را در دستور کار شهردار قرار دادم.

توجه به حوزه کودک و نوجوان - شناسایی راه های تعامل و ارتقای فرهنگ عمومی - تلاش برای تغییر مهندسی برخی از میادین - راه اندازی خانه فرهنگ و هنر برای تداوم امور فرهنگی شهر و نیز برنامه ریزی برای استقرار دبیرخانه بزرگداشت پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها از دیگر فعالیت های شهرداری در مدت ۵ ماهه فعالیت است.

به بی مهربی برخی ها اعتنایی نخواهیم کرد و با حمایت و کمک مردم، روحانیون معزز، خانواده شهدا و ایثارگران از شور و اشتیاق برای سازندگی نخواهیم ایستاد. مردم ساری گیر شهرداری جوانمرد افتادند، برای رسیدن به خواسته های مردم از سنگ اندازی های برخی جا خالی نخواهیم کرد.

زمین پادگان به کاربری اداری تجاری تغییر یافت ولی ما معتقدیم این زمین به یک باغ شهر برای مردم ساری تبدیل شود.

در برنامه ۵ ساله توسعه قیر از سید حمایتی دولت خارج شده و به بورس واگذار شده است که یک روز عرضه می شود و ده روز عرضه نمی شود.

مکان فعلی دفع زباله از نظر حصارکشی و شیرابه مشکل داشته که با ادامه عملیات نصب حصار و احداث سکوی تصفیه سعی در رفع این دو مشکل داریم.

در مرحله نصب پمپ و لوله گذاری برای پمپاژ شیرابه هستیم و مردم منطقه تا راه اندازی نیروگاه برق زباله که قراردادی ۲۴ ماهه دارد، باید منتظر باشند.

پیشنهاد دادیم تا حوالی منطقه فرح آباد جزء محدوده ساری محسوب شود.

استفاده شده است؟

سازمان های شهرداری ماهیت حقیقی و حقوقی جداگانه دارند و دارای شورای سازمان و هیات مدیره مستقل هستند. این موضوع را از سازمان عمران پیگیری می کنم.

برگزیده اظهارات شهردار ساری به روایت اعظم کردان، خبرنگار مازندنومه

از این که پس از مدت ها توفیق دیدار با صاحب رسانه را یافته ام خوشحالم، زمانی باید از طریق شما با افکار عمومی صحبت کنم که حرفی برای گفتن داشته باشم.

پروژه زباله سوز مخالف دارد

عبوری: دست ها را قطع می کنیم



اتفاق بزرگی در شهر در حال رخ دادن است و معضل زباله به زودی برای همیشه حل می شود. بسیاری، رفع معضل زباله را یک رویا می دانستند، اما با کمک دولت و همت شهرداری، قرارداد راه اندازی نیروگاه زباله سوز، منعقد شد و اکنون در شهرداری ساری به صورت پایلوت در آمده و در شهرداری های نوشهر، رشت و تهران هم عین این قرارداد در حال انجام است

شهردار ساری هم در ادامه این جلسه گفت: اتفاق بزرگی در شهر در حال رخ دادن است و معضل زباله به زودی برای همیشه حل می شود. بسیاری، رفع معضل زباله را یک رویا می دانستند، اما با کمک دولت و همت شهرداری، قرارداد راه اندازی نیروگاه زباله سوز، منعقد شد و اکنون در شهرداری ساری به صورت پایلوت در آمده و در شهرداری های نوشهر، رشت و تهران هم عین این قرارداد در حال انجام است. برخی در رابطه با نیروگاه زباله سوز، تبلیغات منفی انجام دادند که دارای بو، دود و آلودگی است که سفر اخیر برخی مسئولان به کشور چین، به این دلیل بود که در این بازدید اثبات شود که نیروگاه زباله سوز، آلودگی ندارد. مبلغ ۱۴ میلیارد تومان در قسط نخست، به پیمانکار این پروژه پرداخت و زمین به پیمانکار تحویل داده شد و در مرحله تثبیت زمین هستیم تا پس آن و ساخت ابنیه مورد نیاز، تجهیزات هم نصب شوند. دست هایی در استان در کار است که این پروژه را ناموفق جلوه دهند که قطعاً این دست ها را قطع کرده و با تمام توان، این پروژه بزرگ را اجرایی می کنیم. عملکرد شش ماهه شهرداری را در ایام دهه فجر به اطلاع مردم می رسانیم. شهرداری ساری زمینی را به عنوان پارک سوار در میدان ساعت و ابتدای خیابان مدرس، تهیه کرده که اتوبوس های خیابان جمهوری، در این محدوده قرار می گیرند و محلی هم برای مسافران این اتوبوس ها تعبیه می کنیم.

است. این موضوع زمانی نمود بیشتری پیدا می کند که این افراد در عین داشتن فرزند بیکار، به ویژه در هنگام بازنشستگی، شاهد استخدام افراد بیگانه در شهرداری هستند. درخواست دارم که در هنگام بازنشستگی کارکنان شهرداری، استخدام فرزندان این افراد در اولویت نخست قرار گیرد. از اعضای شورا درخواست دارم این موضوع را مصوب کرده و به شهرداری ابلاغ کنند. کمیته ای باید مسئول پیگیری بحث زباله و نیروگاه زباله سوز باشد. تا سطح فرهنگ مردم را ارتقا ندهیم، مردن هم از خانه نسبت به باز یافت زباله در خانه اقدام نمی کنند. فعالیت های فرهنگی در شهر ساری اولویت دارد و این مسئله را در شورا و شهرداری ساری شاهد هستیم. مسئولان از ظرفیت فرهنگی شهرداری غافل هستند و ما در کمیته فرهنگی، شورای فرهنگ عمومی شهرستان و شورای فرهنگ عمومی استان، محلی از اعراب نداریم. در شورای فرهنگ عمومی استان هم باید از کمیسیون فرهنگی شورا و شهرداری ساری دعوت به عمل آورند. در هشتم بهمن ماه سال جاری مسابقات قرآنی برگزار می شود که در اینجا هم شورا محلی از اعراب ندارد و در جریان امور نیستیم. خبرنگاران، ارتباط خود را با کمیسیون فرهنگی شورای شهر افزایش دهند و اولویت های فرهنگی شهر ساری را به ما اعلام کنند.

غروب یک شنبه جلسه علنی شورای شهر ساری برگزار شد. در این نشست سید محمد آقامیری در تشریح سفر به چین، به بیان موقعیت جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور چین پرداخت و در نهایت اشاراتی هم به نیروگاه زباله سوز در این کشور داشت. برگزیده اظهارات اعضا و شهردار در پی می آید.

جمال باقری: زمینه حضور کاندیداهای احتمالی فراهم شود

شهرداری در سال جاری در ایام عزاداری محرم اقدامات خوب و بعضاً بدیعی را در راستای آماده سازی فضای عمومی شهر انجام داد که بارزترین این اقدامات، توسعه فضای فیزیکی امام زاده یحیی به عنوان یکی از کانون های عزاداری شهروندان ساری و دیگری برپایی خیمه های نمادین در سطح شهر بود. این اقدامات علاوه بر جلب رضایت مردم، سطح انتظارات شهروندان را هم افزایش داد و به همین دلیل در ۲۸ صفر نیز توقع یک فضای مناسب و در شان حماسه پرشکوه حسینی را دارند. بعد از نخستین نشست اعضای شورا بانامیندگان مردم در مجلس شورای اسلامی قرار شد این جلسات به طور مستمر و منظم تکرار شود اما متأسفانه با گذشت مدت زمان قابل ملاحظه از آن جلسه تاکنون خبر و اثری از جلسه بعدی نیست و از ریاست شورا تقاضا دارم این موضوع را مورد پیگیری قرار دهد. اگر چه مدت زمان زیادی تا موعد برگزاری انتخابات باقی مانده است ولی از هم اکنون تحرکات کاندیداهای احتمالی آغاز شده و جسته و گریخته شاهد فعالیت آنها هستیم. بدیهی است که افراد در قالب تبلیغات پنهان هم که شده غالباً به ترسیم افق های روشنی از آینده شهر می پردازند و در این مسیر تاکید می شود که نباید این کار را به قیمت سیاه نمایی و زیر سوال بردن فعالیت های انجام شده قبلی صورت دهند. به ریاست شورا و شهردار ساری پیشنهاد می کنم زمینه حضور و مشارکت هر چه بهتر کاندیداهای احتمالی را در یک رقابت انتخاباتی با رعایت شئون اخلاقی فراهم کنند.

سید مهدی احمدی: مسئولان از ظرفیت فرهنگی شهرداری غافل هستند

اکثر کارکنان شهرداری ساری، دارای فرزندان تحصیل کرده و بیکار هستند و این مسئله موجب نگرانی و کاهش توانمندی آنان در انجام وظایف محوله شده

شیرگاه پایتخت شد

استاندار به تماشای پایتخت ۲ رفت



عکس: مصطفی کاظمی

پس از چند هفته مکان یابی و حضور و رایزنی برخی سازندگان سریال «پایتخت ۲» در مازندران، تولید این مجموعه که نوروز آینده از شبکه اول سیما پخش می شود، از سه شنبه گذشته در شیرگاه آغاز شد. حدود ۳۰ درصد این مجموعه در شیرگاه تصویربرداری می شود و بعد از آن گروه به تهران برمی گردند. در ادامه بخش های پایانی در قشم تصویربرداری خواهد شد. سریال «پایتخت ۲» در ۱۵ قسمت ۴۵ دقیقه ای ساخته می شود و عوامل آن تا پایان دی ماه در شیرگاه حضور خواهند داشت. به گزارش مازندنومه به جهت برخی موضوع گیری های رسانه ای، گروه سازنده تصمیم گرفت امسال از برخی بازیگران بومی استفاده کند که تاکنون هنرمندانی چون مهیار بریمانی، شهرزاد براری و عسکری وفایی نژاد در سکناس هایی از این مجموعه بازی کرده اند و در روزهای آینده نیز به تناسب فیلم نامه از سایر بازیگران مازندرانی استفاده خواهد شد. بر اساس این گزارش، چند بازیگر اصلی «پایتخت ۱» با همان لهجه در این مجموعه نیز حضور دارند و در کنار آن ها از بازیگران بومی نیز بهره گیری می شود. یکی از عوامل تولید این سریال به مازندنومه گفت: محسن تنابنده - بازیگر و نویسنده این مجموعه - روی زبان مازندرانی کار کرده است و خیلی راحت مازندرانی صحبت می کند. وی با بیان این که از برخی بازیگران مازندرانی تست گرفته شد که لهجه محلی آن ها بسیار نازیبا و زنده بود، تصریح کرد: تعجب می کنیم که چطور مازندرانی ها این گونه اداها و لهجه های هنرمندان اینجا را تمسخر زبان شان محسوب نمی کنند، اما ما که در این مجموعه بسیار بهتر و درست تر از آن ها با این گویش صحبت می کنیم به تمسخر زبان و فرهنگ محکوم می شویم؟ در سری جدید خانواده نقی تصمیم دارند گلدسته ای را از شمال کشور به یک مکان زیارتی در جنوب کشور برسانند. خاطرنشان می کنیم پیش از ظهر شنبه گذشته استاندار مازندران در محل ضبط این مجموعه حاضر شد که گزارش این بازدید تا لحظه نگارش این خبر (ساعت ۲۲:۳۰ شنبه شب) خروجی سایت استانداری قرار نگرفته است. در حضور سید علی اکبر طاهایی و بهرام حمیدی بخش های از این سریال با بازی محسن تنابنده در خانه نقی ضبط شد. علیرضا خرمه بازیگر نقش باپانجلی هم به علت حضور در خارج از کشور نتوانست امروز جلوی دوربین برود. در مراسم کلید خوردن سری جدید «پایتخت ۲»، محسن تنابنده (نقی)، ریما رامین فر (هما)، دو قلوها، احمد مهران فر (ارسطو)، نسربین نصرتی (خواهر نقی)، مهران احمدی (شوهر خواهر نقی)، لیلدا کیانی سفارش دهنده گلدسته حضور داشتند.

از قهر طبیعت تا قهر عکاسان!

مصطفی کاظمی شهبانی
عکاس مازندنومه

پنج شنبه گذشته مراسم اختتامیه نمایشگاه عکس ۵ تن از عکاسان مازندرانی که از حادثه سیل بهشهر گرفته شده بود (قهر طبیعت)، برگزار شد. این نمایشگاه از ۳ تا ۷ دی در بهشهر برپا شد. از طریق میثم محسنی در جریان برگزاری نمایشگاه قرار گرفتیم. قرار شد از من و میثم و سه نفر دیگر از دوستان عکاس - محمد رضایی و ابوطالب ندروی و بهروز خسروی - هر کدام ده عکس مربوط به واقعه سیل در این نمایشگاه به معرض دید گذاشته شود، ولی از من ۵ عکس و از ندروی و خسروی هر کدام ۲ عکس و از رضایی ۸ عکس به نمایش گذاشته شد و ۲۵ عکس هم از محسنی! نمایشگاه مراسم افتتاحیه نداشت اما آیین اختتامیه که تعداد جمعیت به ۵۰ نفر هم نمی رسید، به مراسم تبلیغ و قدردانی از نماینده بهشهر تبدیل شد. استاندار مازندران که وارد شد، تنها دو، سه تصویر را دید و خطاب به نماینده بهشهر گفت: آقای مقیمی این عکاسان باید تجلیل شوند و بعد راه افتاد به سمت صندلی ها و بیشتر عکس ها را تماشا نکرد. مهمانی از وزارت کشور هم آمده بود که او هم چند تعریف و تمجید از نماینده بهشهر کرد و چیز خاصی دیگری نگفت! محمد رضایی به مراسم نیامد و ما هم که رفته بودیم حسابی تجلیل شدیم! یک لوح تقدیر خالی به ما دادند و یک تابلو از عکس خودمان را از سیل که به ابعاد ۷۰×۵۰ روی تخته قاب بودند! زیر تابلو هم نوشته شده بود: «اهدایی از طرف احمد مقیمی!» انگار صاحب اثر او بود که عکس ما را به خود ما پس داد! تصور کنید عکس سیل را توی اتاق مان نصب کنیم و با نگاه کردن به آن هر لحظه روحیه و انرژی مثبت بگیریم! من و دوستان عکاس هم همان ساعت های اولیه وقوع سیل، بی چشم داشت و توقع خاصی و تنها برای انجام وظیفه در منطقه حاضر شدیم (چند روز پشت سر هم) و با لباس گلی و حالت نامناسبی هم برگشتیم، در حالی که هنوز بسیاری از مسئولان نیامده بودند و بعضی ها اصلاً نیامدند. حضور ما در



این نمایشگاه نیز تنها به خاطر احساس مسئولیت و ابراز همدردی مجدد بود و نیامدیم که مورد بهره گیری تبلیغاتی نماینده مجلس واقع شویم و از ما استفاده ابزاری شود. در پایان مراسم چهره همه دوستان عکاسم در هم و گرفته بود و از این که به ما بی مهری شد ناراحت بودیم. اعلام کردند که قرار است این نمایشگاه را در متروی تهران هم برپا کنند که ما به خاطر این بی مهری و مورد سوء استفاده قرار گرفتن، راضی به انجام چنین کاری نیستیم.

مهدی رمضانی
کارشناس ارشد تئاتر

ماهوی متفاوت است. تله تئاتر تلفیقی از دو رسانه تئاتر و تلویزیون است؛ همچنان که رادیو تئاتر و یا درام رادیویی نیز این چنین است. تلفیق تلویزیون و تئاتر در ساختار اجرایی، فنی و محتوایی رخ می دهد؛ به این معنی که در اجرای صحنه ای نمایشنامه، امکانات و ویژگی های صحنه در اختیار کارگردان و بازیگران قرار می گیرد و در اجرای

تله تئاتر «اطروش» از شنبه شب گذشته روی آنتن شبکه تبرستان رفته است. قسمت نخست نقد و بررسی این مجموعه در پی آمده است.

تله تئاتر در ایران بیشتر از آنکه به عنوان یک اثر مستقل و در چارچوب تعریف شده خود مورد توجه قرار گرفته و امکان رشد داشته باشد، برای تئاتر و

تئاتری های یک «امکان» است؛ امکانی که با وجود کمبود امکانات، فضا و فرصت اجرا در سالن ها و البته فقر مالی تئاتر، تئاتری ها را جذب خود می کند. چنین است که معمولاً در لیست کارگردانان تله تئاتر در طول این سالها، بیشتر به نام آشنای کارگردانان تئاتر برمی گردیم و حتی موفق ترین تله تئاتر هاطی این سال ها را استادان تئاتر صحنه ای ساخته اند. اما واقعیت آن است که تله تئاتر تعریفی مستقل و متفاوت نسبت به تئاتر دارد و بنابر این تعریف، شناختی دیگر و شرایط و تخصصی مستقل تر را طلب می کند. (نقل از: همشهری آنلاین) این تفاوت در قاب بندی تلویزیونی به روشنی دیده می شود؛ بازیگر در صحنه تئاتر، با حذف دیوار چهارم روبه روست و با تماشاگرانی که روبه رو یا دورتادور نشسته اند، بازی می کند. بازیگر برای اینکه صدایش به همه برسد باید بلند حرف بزند و نوع بیان دیالوگ ها و بازی او نیز مختص اجرای صحنه است. او هیجانانگیز و احساس نهفته در متن را با صدا و بازی تئاتری خود به نمایش می گذارد، اما در قاب تلویزیونی نیازی به فریاد زدن بازیگر نیست؛ میکروفن ها صدای او را به خوبی ضبط می کنند و محدودیت دوربین و آرایه های صحنه، او را در بازی بسته بندی شده ای قرار می دهد. در واقع آنچه در تلویزیون اهمیت دارد فاصله میان دوربین تا آرایه صحنه است و چه بسا بازیگر نتواند مانند آنچه روی صحنه رخ می دهد، با نوسان صدای خود، احساس و هیجان بازی را منتقل کند. مسلماً صرف داشتن یک نمایشنامه، تعدادی بازیگر، صحنه ای اغراق شده و گذاشتن چند دوربین در زاوای متعدد صحنه، دقیقاً حاصلی به نام تله تئاتر نخواهد داشت. باید به این نکته توجه کنیم که تئاتر در ساختار تلویزیونی به باز نویسی و بازخوانی مجدد نیاز دارد تا برای قاب تلویزیون ساخته شود. اساساً دو ستد فرهنگی تئاتر تا تلویزیون به طور



پل بزرگ چالوس فروریخت

بابک شمس: ساعت هفت و پانزده دقیقه صبح چهارشنبه گذشته پل اصلی کمربندی چالوس که باعث ارتباط این شهر با شهرهای مجاور می شود، فروریخت که این حادثه تلفات جانی در برداشت، علی ردايي - یخسدار مرکزی چالوس - برداشت غیراصولی پیمانکار پل جدیدی را که در کنار پل قدیمی در دست ساخت است، علت این حادثه اعلام کرد. به گفته این مسئول حدود ۳۰ متر از قسمت غربی و دیوار حائل پل ریخته شده و هم اکنون تنها در یک لاین، خودروها از روی همین پل تخریب شده حرکت می کنند که بسیار خطرناک است و ترافیک شلوغی نیز ایجاد شده است. با توجه به این که مسئولان بومی در محل حادثه حضور دارند، انتظار می رود مسئولان استانی با اختصاص اعتبار فوری و پی گیری های لازم، زمینه بازسازی هر چه سریع تر این پل مهم را فراهم کنند. گفتنی است پیمان کار این پروژه شرکت جهاد نصر است که به گفته یکی از کارشناسان اداره کل راه و شهرسازی استان، نظارت بر عملکرد این شرکت های پیمانکار بر عهده حوزه معاونت ساخت وزارت راه و شهرسازی در تهران است که در استان نمایندگی هم دارند.

عکس: محمد حسین ملایی کندلوسی



نامه وارده

نامه زیر را یکی از کاربران خطاب به استاندار مازندران نوشته است. هر چند ما این گونه نامه نوشتن ها را به شخص نخست استان - که مشغله های فراوانی دارد - صحیح نمی دانیم و باور داریم مشکل باید در صف و نه ستاد حل شود، لیکن نباید فراموش کنیم که گاهی اوقات شهروندان چون پناهگاه دیگری ندارند و دست شان به جایی بند نیست، ناچار می شوند به استاندار نامه بنویسند:

استاندار محترم، جناب آقای مهندس طاهایی سلام علیکم

این جانب "م. ر. ش" صاحب حساب پس انداز شماره (۱۲۶۴۲۹۵۷۰۹) موسسه مالی اعتباری ... شعبه فریدونکنار در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۹۰ به جهت گسترش کار فرهنگی برای واحد کانون تبلیغات خود، مبلغ نه میلیون و پانصد هزار تومان وام (فروش اقساطی) گرفته ام. جناب استاندار من ۳۴ بهار را بیشتر ندیده ام دو فرزند دوساله دارم. یکسال و نیم پیش حدود چهار میلیون تومان پول که همه سرمایه زندگی من بود (نزد همین موسسه مالی اعتباری) سپرده گذاشتم تا با دریافت آن وام، به کسب و کار خود رونق دهم. آن موسسه محترم بعد از مراحل قانونی و اداری نه میلیون و پانصد هزار تومان وام به حساب واریز نمود و چهار میلیون تومان از آن را، موسسه نزد خود به عنوان سپرده اجباری نگه داشت. تا هفت ماه پیش بدون تاخیر تمام اقساط را پرداختم. در این بین بخاطر مشکلات اقتصادی تورم و غیره هفت قسط بنده به تاخیر افتاد که یک ماه گذشته ۷ فقره چک بانکی مبنی بر وصول معوقه به موسسه پرداخت کردم که ماهی دوقدره چک سیصد هزار تومانی که جمعاً ماهی شش صد هزار تومان بود را تقدیم نموده تا قبل از عید بدهی خود را تسویه کنم. در این بین یک فقره آن چک ها را موسسه نقد نمود و برداشت کرد. در تاریخ ۹۱/۱۰/۳ یکی از ضامنان بنده مبلغ بیست میلیون ریال پول به حساب خود گذاشت تا چکش پاس شود، ولی متأسفانه بدون اطلاع قبلی ضامن و بنده مبلغ فوق را از حساب وی برداشت کردند و چک ضامن بی محل ماند. آیا برداشت از حساب دیگران ولو در صورت اینکه ضامن بوده باشد بدون اطلاع قبلی صحیح می باشد؟ چرا موسسات مالی اعتباری نظارتی نمی شوند و یا در مورد این موارد نظارتها سرسری گرفته می شود؟ وصول پول در این بازار آشفته به چه قیمتی؟ آیا برای این موسسات آبروی مردم قیمت ندارد؟ آیا موسسات آمدند مشکل مردم را حل کنند یا بر مشکلات آنان بیفزایند؟ نکته جالب اینجاست که چهار میلیون تومان پول من نزد آن موسسه سپرده می باشد و بدهی من فقط یک میلیون و نهصد و سی هزار تومان بود نه چهار میلیون تومان که من با چک هایی که به حسابم خواباندم قصد تسویه با آنان را داشتم و یک فقره از آن چک را هم برداشت کردند. چرا باید به یک کارمند ساده بانک آن قدر بها دهند که به خود اجازه بدهد به راحتی با آبروی مشتری بازی کند؟ مگر مشتری مداری شعار این مدیران در رسانه هان نیست؟ باید به کدام مرکز مراجعه کنم و درد خود را بگویم؟ دو ماه اجاره مغازه و منزل خود را پرداخت نکردم تا قسط معوقه را بدهم و این کارمند ساده به راحتی اعتبار بنده را نزد ضامنین خدشه دار کرد. آقای رئیس آبروی رفته بر نمی گردد ما درد مان را با چه زبانی بگوئیم؟ امیدوارم با بررسی مشکل بنده بتوانیم جلوی پیش آمد هائی از این دست را گرفته و تعداد اندک از کارمندانی که هدف خود را در پیشرفت گم کرده و فقط با اصرار عمل یعنی زیر پا گذاشتن فرهنگ ایرانی اسلامی می اندیشند درس اسلامی یا همان امر به معروف خودمان داده باشیم.

باتقدیم احترام
صاحب امتیاز و مدیر کانون آگهی و تبلیغات ... فریدونکنار



بازدید نماینده مردم نوشهر و چالوس و تعدادی از مسئولان بومی از مناطق سیل زده نوشهر

محمد حسین ملایی کندلوسی
خبرنگار مازندنامه



عکس: محمد حسین ملایی کندلوسی
لایرونی اسکله بندر نوشهر
یک روز در بندر



نائب رئیس مجمع خیران ماهک هشدار داد:

سوء استفاده از نام خیریه مردم آگاه باشند



مجتبی کواکبیان در جمع خبرنگاران اظهار داشت: هدف مجمع خیران ماهک، اطلاع رسانی در زمینه احداث بیمارستان فوق تخصصی کودکان مبتلا به سرطان است. وی با بیان اینکه در نگاه نخست قصد داریم تا با اطلاع رسانی به موقع، مردم را در جریان روند احداث این بیمارستان قرار دهیم، تصریح کرد: معتقدیم اطلاع رسانی، یکی از راه های جلب مشارکت های مردمی است. کواکبیان با اشاره به اینکه مجمع خیران ماهک تاکنون از هیچ فردی

تقاضای دریافت وجه نقد نکرده است، ادامه داد: همین اطلاع رسانی ها باعث شد که مردم در جریان امور قرار گرفته و با عشق، به این مجموعه کمک کنند. نائب رئیس مجمع خیران ماهک با بیان اینکه طی چند هفته اخیر شنیده ایم که عده ای قصد سوء استفاده از نام مجمع خیران ماهک را دارند و از این طریق با مراجعه به مردم، وجوه نقد دریافت می کنند، گفت: مجمع خیران ماهک، هیچ فردی را به در منزل مردم برای جمع آوری پول نفرستاده است. وی با اشاره به اینکه این موضوع در قاموس مجمع خیران ماهک نمی گنجد، یادآور شد: ما یاورانی داریم که به صورت داوطلبانه با مجمع خیران ماهک همکاری می کنند و این افراد هم بیشتر در زمینه اطلاع رسانی اهداف ماهک فعالیت کرده و دارای کارت شناسایی و عضویت مجمع خیران ماهک هستند. کواکبیان خاطرنشان کرد: از مردم تقاضا داریم در صورت مشاهده موارد این چنینی، ضمن مطالبه کارت شناسایی فرد مراجعه کننده، مراتب را با شماره تلفن ۰۱۵۱۲۲۰۰۵۵۰ دفتر مرکزی مجمع خیران ماهک، اطلاع دهند



مجتبی کواکبیان در جلسه شورای روابط عمومی بانک های مازندران در اداره شعب بانک توسعه تعاون اظهار داشت: با همکاری رسانه ها و اطلاع رسانی، تا حدودی ماهک را معرفی کردیم. نائب رئیس مجمع خیران ماهک با اشاره به اینکه بخش عمده ای از اطلاع رسانی بر عهده مسئولان واحد روابط عمومی است، تصریح کرد: هر چه مسئول روابط عمومی در این زمینه قوی تر عمل کند، تعامل و مشارکت بیشتری می توانیم داشته باشیم. کواکبیان با بیان اینکه هدف مجموعه خیران ماهک، احداث بیمارستان فوق تخصصی کودکان مبتلا به سرطان است، ادامه داد: این اتفاق به همت همه، رخ می دهد. وی با اشاره به اینکه از زمان آغاز به کار مجموعه ماهک تاکنون بالغ بر ۲ هزار نفر عضو قطره ای داریم، خاطرنشان کرد: ما فقط اطلاع رسانی کردیم و افراد عاشقانه عضو این مجموعه شدند تا به احداث بیمارستان کمک کنند. کواکبیان با بیان اینکه بانک کشاورزی بنا دارد که گزینه کمک به ماهک را در دستگاه های خودپرداز قرار دهد، ادامه داد: از بقیه بانک ها هم انتظار داریم با مجموعه ماهک همکاری کنند که خوشبختانه این همکاری تاحدودی وجود دارد. وی با اشاره به اینکه بانک ها بازرگان ماهک باشند، گفت: در توان مجموعه ماهک نیست که به تنهایی در این زمینه کار کند و نیازمند نیروی عظیم هستیم. نائب رئیس مجمع خیران ماهک، یادآور شد: بعید می دانم که مدیری در مازندران نام پروژه ماهک را بشنود و نخواهد که همکاری کند. در بخش دیگری از این نشست علی فرح آبادی - عضو هیئت مدیره مجمع خیران ماهک - تصریح کرد: بحث خرید رسانه برای ما بسیار سنگین است و سعی می کنیم از فضاهای رایگان استفاده کنیم و شعبه های بانک ها می توانند این فضا را در اختیار ما قرار دهند. وی افزود: از هر طریقی می توانید در این زمینه به ما کمک کنید. فرح آبادی با اشاره به اینکه شبکه بانکی استان، کارکنان زیادی دارد که می توانند عضو قطره ای ماهک شوند، گفت: تقاضا داریم این اطلاع رسانی بین کارکنان شبکه بانکی استان صورت گیرد. / کلثوم فلاحی

در گفت و گو با دکتر حافظ تیرگر فخری - پزشک نمونه سال ۹۱ - مطرح شد:

از خانواده ۱۲ نفره

تا پزشک نمونه کشوری

دکتر حافظ تیرگر فخری فوق تخصص گوارش و استاد تمام دانشگاه علوم پزشکی مازندران، از سوی انجمن متخصصین گوارش و کبد ایران به عنوان پزشک نمونه در زمینه آموزش در رشته گوارش و کبد سال ۹۱ معرفی شد. این پزشک مازندرانی به همراه دکتر سید موید علویان از دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله در بخش پژوهش و دکتر سید حسین میرمجلسی از کلینیک ایرانیان در بخش درمان بیماران، برترین پزشکان از سوی این انجمن معرفی شدند. دکتر حافظ تیرگر فخری در سال ۱۳۴۲ در روستای سنار از توابع کلاردشت چالوس به دنیا آمد. دارای برد فوق تخصص گوارش از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۸ است و هم اکنون استاد دانشگاه علوم پزشکی مازندران و مشغول به تدریس در مقاطع پزشکی عمومی، تخصص داخلی و دستیاران فوق تخصص گوارش است. نقطه نظرات دکتر تیرگر فخری در زیر آمده است.

* در خانواده ای ۱۲ نفره به دنیا آمدم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار بودند. پدر بزرگم مجتهد، شاعر و عارف و متخلص به زاده فخر بود. همسرم دکتر مهروالسادات منصوری است. در سال ۸۴ به مرتبه دانشیاری و امسال نیز به مرتبه استادی در گروه داخلی، گرایش گوارش و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران دست یافتیم.

* دوران کودکی من در روستای سنار سپری شد که مهمترین خاطرات آن زمان، رفتن به جنگل و جمع آوری هیزم بوده که بایستی با همسن و سالان خود مسافت ۱۰ الی ۱۲ کیلومتری را طی می کردیم. در مقطع ابتدایی اوقات فراغتمان به درو در مزارع گندم و جومی گذشت. در مقطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان تابستانها در هتل مشغول به کار می شدم تا کمک هزینه ای برای ادامه تحصیل خود بدست آوردم. * کلاس اول ابتدایی را در روستای سنار، کلاس دوم ابتدایی در نظرآباد کرج و بقیه تحصیلات را تا سوم راهنمایی در قم به پایان رساندم. اول دبیرستان را در چالوس و ادامه تحصیلات متوسطه را مجدداً در قم سپری کردم و مدرک دیپلم خود را با معدل ۱۹/۴۲ کسب کردم. در سال ۱۳۶۱ نیز در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران پذیرفته و در سال ۱۳۶۸ فارغ التحصیل شدم و بلافاصله در همان سال تخصص داخلی را در دانشگاه علوم پزشکی تهران آغاز و در سال ۱۳۷۲ فارغ التحصیل شدم.

* در طول تحصیلم از حضور استادان و مربیان زیادی بهره برده ام که از این میان می توان به دکتر رضا ملک زاده اشاره کرد که الگوی علمی و اخلاقی برای من بوده است.

* ازدوستان و هم دوره ای هایم می توانم به دکتر محمد سرودلیبر، دکتر مرتضی اسکبان، دکتر روح الله عبیدی، دکتر بیژن شهباز خانی و دکتر علی قائمیان اشاره کنم.

دکتر وحید حسینی، دکتر نویدی، خانم دکتر تقوایی و خانم دکتر اخی از دستیاران من در بخش داخلی بیمارستان امام خمینی (ره) ساری بوده اند. * سال های اولیه ازدواج و تولد اولین فرزندم مصادف با دوران سرپازی من در نیروی انتظامی بود پس از اتمام دوره سرپازی به ساری نقل مکان کردم. در شرایط سخت به ادامه تحصیل در مقطع فوق تخصصی گوارش (۷۸-۱۳۷۶) پرداختم که این رخداد مهمترین حادثه زندگی در میانسالی ام بوده زیرا توانستم رتبه اول سیزدهمین دوره فوق تخصصی گوارش در کشور را به دست آورم. * جوایزی که تاکنون گرفته ام: دریافت تقدیرنامه از وزیر وقت وزارت بهداشت و درمان جناب دکتر فرهادی در سال ۱۳۷۸ به خاطر احراز رتبه اول کشوری فوق تخصصی گوارش

ادامه این مطلب را در سایت مازندنامه بخوانید

بازدید خیر مازندرانی از کودکان سرطانی وز محبت دردها شافی شود



تصویر اول مربوط به بانوی خیر برای کودکان مبتلا به سرطان بستری در بیمارستان بوعلی سینا ساری، لباس گرم به همراه هدایایی دیگر برد و بین کودکان توزیع کرد.

عکس بعدی پروژه بیمارستان در دست احداث کودکان مبتلا به سرطان ماهک، واقع در ضلع غربی بیمارستان بوعلی سینا ساری. این بیمارستان در زمین اهدایی شادروان دکتر اسماعیل شهیدی در حال ساخت است که با مدرن ترین تجهیزات پزشکی روز برای درمان کودکان سرطانی مجهز می شود.



ساخت بیمارستان کودکان سرطانی آغاز شد

محل اقامت همراه بیمار و حتی انبار آذوقه هم در نظر گرفته شده است.

خودم را عضوی از مجمع خیران ماهک می دانم مدیرکل کار، تعاون و رفاه اجتماعی در این نشست اظهار داشت: احداث بیمارستان برای کودکان مبتلا به سرطان، از کارهایی در زمینه حفظ کرامت و جان انسان ها است و اجر الهی را در پی دارد. علی بابایی کارنامی با اشاره به اینکه ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از جمیت مازندران، جزء جامعه هدف ماهستند یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر جامعه کارگری و ۵۰۰ تشکیل کارگری و کارفرمایی در استان داریم، ادامه داد: در صورت اطلاع رسانی متناسب، می توان از این ظرفیت عظیم برای کمک به احداث بیمارستان ماهک، بهره برد. وی با بیان اینکه درخواست های مجمع خیران ماهک را در قالب درخواست های کارشناسی و مستدل، بررسی و پیگیری می کنیم، افزود: خودم را عضوی از این مجمع می دانم و از هرگونه کمک به این مجموعه دریغ نمی کنم. بابایی با بیان اینکه در محیط زندگی ام با افراد مبتلا به سرطان مواجه بوده و این موضوع را از نزدیک درک کرده ام، یادآور شد: از منظر حمایت از اقشار این چنینی و کمک در انجام امور خیر، آمادگی همکاری داریم. مدیرکل کار، تعاون و رفاه اجتماعی با اشاره به اینکه انجام امور خیر، از جمله کارهای ایثارگرانه است، تصریح کرد: در قالب ستاد، آمادگی کامل داریم که در خدمت مجمع خیران ماهک باشیم.



بعد اجتماعی موضوع هم توجه داشته باشیم. موسوی با اشاره به اینکه کودکان مبتلا به سرطان مشکلات زیادی دارند و ساختار بیمارستان ها هم یکی از این مشکلات است، گفت: طراحی بیمارستان های ما برای کودکان در نظر گرفته نشده و وقتی کودک وارد بیمارستان می شود، احساس خوبی ندارد. وی در همین راستا ادامه داد: به همین منظور، ساختار و فضای بیمارستان فوق تخصصی کودکان مبتلا به سرطان، کاملاً مطابق با استانداردهای بین المللی و موارد مربوط به کودک مانند اتاق های اختصاصی،

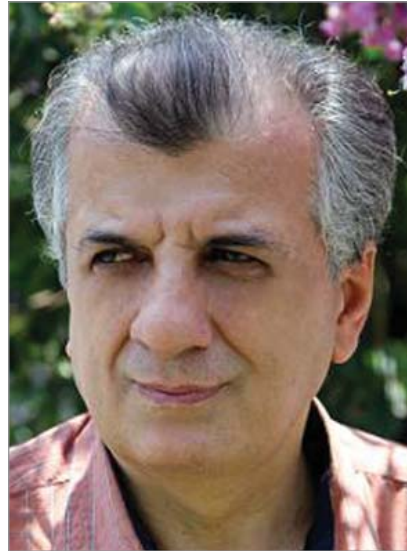
نائب رئیس مجمع خیران ماهک گفت: عملیات فیزیکی بیمارستان فوق تخصصی کودکان مبتلا به سرطان ماهک آغاز شده و در مرحله ساخت قرار گرفتیم. مجتبی کواکبیان در جلسه هیئت مدیره مجمع خیران ماهک در حضور مدیرکل کار، تعاون و رفاه اجتماعی، اظهار داشت: پس از بارها بازمینی نقشه بیمارستان توسط مسئولان بخش فنی و تایید نهایی این نقشه، احداث این بیمارستان در مرحله اجرا قرار گرفته است. وی با بیان اینکه ۲ هزار عضو قطره ای داریم، یادآور شد: با آغاز عملیات اجرایی این بیمارستان، نیازمند مشارکت بیشتر مردم هستیم. کواکبیان با اشاره به اینکه تاکنون مردم عاشقانه به این مجمع کمک کردند، افزود: مطمئن هستیم که با آغاز عملیات فیزیکی، میزان مشارکت مردم هم بیشتر می شود.

کار ما فقط تهیه دارو نیست

دیگر عضو هیئت مدیره مجمع خیران ماهک در این نشست اظهار داشت: کودکان سرطانی در صورتی که روند درمان به خوبی پیگیری شود، بهبود می یابند. سید عبدالله موسوی ادامه داد: تصور عده ای بر این است که سرطان، به معنای مرگ است و به دلیل اینکه اغلب خانواده ها درگیر سرطان، از قشر جوان هستند، خانواده از نظر روحی دچار مشکل می شود. وی با بیان اینکه تیم حمایت های اجتماعی و مددکاری باید در کنار گروه پزشکی، به فرد مبتلا به سرطان کمک کند، تصریح کرد: کار ما فقط تهیه دارو نیست باید به

دیدار با استاد پیشکسوت روزنامه نگاری

حسن زاده: با شغل ام زندگی می‌کنم



روز دیدار، همراه استاد حسن زاده کتابی بود که چندی پیش خبر انتشارش را داده بودیم «گنجینه تصاویر آمل» نام کتاب نفیسی است که استاد هدیه داد و گفت: این جلد اول از مجموعه هشت جلدی است که درباره تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی آمل انتشار داده ام و بقیه در دست تدوین و انتشار است. جلد دوم که «عهد قاجار» نام دارد به آمل از ابتدای ناصرالدین شاه تا انتهای حکومت احمدشاه

کتاب «گنجینه تصاویر آمل» چند بخش دارد: اماکن از صفحه ۷ تا ۴۲ که حاوی ۶۹ عکس است. امرا از صفحه ۴۳ تا ۵۸ که حاوی ۱۸ عکس است. علما از صفحه ۵۹ تا ۷۰ که حاوی ۱۰ عکس است. تجار از صفحه ۷۱ تا ۷۶ که حاوی ۵ عکس است. مجلس از صفحه ۷۷ تا ۹۰ که حاوی ۱۸ عکس است. دادگستری از صفحه ۹۱ تا ۹۸ که حاوی ۸ عکس است. آموزش و پرورش از صفحه ۹۹ تا ۱۲۲ که حاوی ۳۶ عکس است. ادارات از صفحه ۱۲۳ تا ۱۳۸ که حاوی ۲۶ عکس است. مطبوعات از صفحه ۱۳۹ تا ۱۴۶ که حاوی ۲۰ عکس است. فرهنگ و هنر از صفحه ۱۴۷ تا ۱۵۴ که حاوی ۱۳ عکس است. ورزش از صفحه ۱۵۵ تا ۱۶۶ که حاوی ۲۳ عکس است. رویداد از صفحه ۱۶۷ تا ۱۸۲ که حاوی ۲۷ عکس است. چهره‌ها از صفحه ۱۸۳ تا ۳۱۴ که حاوی ۴۰ عکس است.



می‌پردازد. جلد سوم با نام «عصر رضا شاه» حکومت پهلوی اول را مورد توجه قرار داده و سه جلد بعد با اسم «دوره پهلوی دوم» تاریخ از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ آمل است. آمل و سیاست و «جغرافیای طبیعی آمل» مجلدات بعدی را تشکیل می‌دهد. کتاب حاضر تمام رنگی است و ۱۱۵ صفحه دارد. ناشر سپنتا و قیمت مجموعه باقاب ۶۰ هزار تومان است. در سخن نخست و مقدمه

کرد. «به نوشته حسن زاده، بعد از مشرقی افرادی چون فضل الله حسنی، حبیب الله افضلی، محمدرضا امیدوار و دیگران در آمل به کار عکاسی مبادرت ورزیدند که عکس‌های این چند نفر نیز در صفحه ۶ کتاب آمده است.

حدود ۳۱۵ عکس در صفحه‌های کتاب منتشر شده است. برای هر عکس هم توضیحی نوشته شده و شخصیت‌ها معرفی شده‌اند. استاد حسن زاده در صحبت‌هایش از برخی سوء تعبیرها و مشکلاتی که به خاطر درج یک عکس برای او آفریده‌اند، گله کرد. گروهی شاید خبر نداشتند باشند که گردآورنده و محقق این کتاب ارجمند، سیزده سال برای تولید و خلق اثر زحمت کشید و تاریخ آمل از ابتدای حکومت ناصرالدین شاه تا انتهای حکومت پهلوی مورد بررسی قرار گرفت. تاریخ را هم نمی‌توان به نفع و تفکر فرد یا گروهی خاص مصادره به مطلوب کرد. حسن زاده این نوع رفتارها را دشمنی با فرهنگ جامعه و تاریخ می‌داند، تاریخی که روز به روز بیشتر فراموش می‌شود. او می‌گوید: «حال که یک نفر با گذشتن از عمر و زندگی اش و با استفاده از اعتبار شخصی اش بعد از سیزده سال کار، تاریخی شهری را تدوین کرده، با مشکلاتی مواجه می‌شود که جز برخورد شخصی و اندیشگی نمی‌تواند معنای دیگری داشته باشد. «این مدرس روزنامه نگاری می‌پرسد: «آیا این گونه برخوردها که می‌تواند ناشی از اغراض و منافع شخصی، گروهی یا سیاسی باشد به رشد فرهنگ در جامعه می‌کند یا اینکه در نقطه

مقابل موجب رکود علم، فرهنگ و تاریخ می‌شود؟ آیا نتیجه این گونه رفتارها آیا جز مانع تراشی بی‌هوده برای پژوهشگران و محققان مستقل حاصل دیگری دارد؟ «نمی‌دانم چند نفر از ما به این جمله او باورمندیم و از بد حادثه خبرنگار نشده‌ایم؟ «شغلم را عاشقانه دوست دارم و با شغلم زندگی می‌کنم. «با قدرت الله حسن زاده دوساعتی گفت و گو کردم. کم کم تعدادی از همکاران نیز به ما پیوستند و در بحث شرکت کردند. آخرین نکته ای که استاد یادآور شد آموزش خبرنگاران استان است که باور داشت جدی گرفته نمی‌شود. می‌گفت: انجمن صنفی خبرنگاران در آمل از او دعوت کرده‌اند تا برای خبرنگارهای آن جا ورک شاپ بگذارد؛ بی چشم داشت قبول کرد. حسن زاده اعلام آمادگی کرد که اگر امکانش فراهم شود در ساری نیز همین کار را برای تعداد بیشتری از خبرنگارهای استان انجام دهد.

همه ما به آموزش نیاز داریم؛ ابتدای کار و حین کار. روزنامه نگاری حرفه ساده ای نیست که هر کس تنها با قلم و کاغذی در دست، این عنوان را بیدک



بکشد و خانه مطبوعات مازندران در لباس تازه اش حتماً باید آموزش‌های کاربردی به خبرنگارها را در دستور کار خود قرار دهد و از تجربه و دانش استادانی چون قدرت الله حسن زاده - که هم زبان ماست و عاشق - بهره جوید.



کتاب، غیر از سپاس نامه، تاریخچه عکاسی در ایران و آمل معرفی شده است. در بخشی از این تاریخچه آمده: «۸۴ سال بعد از ثبت اولین عکس در ایران توسط ژول ریشار، ابوالقاسم مشرقی مهاجر ۳۹ ساله مشهدی در سال ۱۳۰۷ اولین عکاسی آمل را تأسیس

خوشوقت شدم که هفته گذشته یکی از مدرسان روزنامه نگاری و پیشکسوتان این حرفه را در کشور - که از قضا هم ولایتی ماست - ملاقات کردم. قدرت اله حسن زاده متولد ۱۳۳۶ آمل است، در دانشگاه تهران زبان فرانسه خوانده و بیش از سه دهه فعالیت حرفه‌ای در حوزه مطبوعات دارد و تخصص اش نیز مصاحبه و گزارش مطبوعاتی است. او با روزنامه‌ها و نشریات ادواری مختلفی همکاری داشت، از جمله دبیر سرویس گزارش نشریات دانستنی‌ها و دنیای سخن و نیز سردبیری نشریات در ریچه، قرن ۲۱، موسیقی قرن ۲۱ و رویان. این استاد روزنامه نگاری بارها به عراق و افغانستان سفر و گزارش تهیه کرده است. حسن زاده در جایی گفته: «شغلش را عاشقانه دوست دارد و با شغلش زندگی می‌کند. «می‌گوید: «تصور من از مردگان همیشه کسانی نیستند که در قبر جای می‌گیرند، بلکه به اعتقاد من کسانی هستند که در شغلی که دوست ندارند کار کرده و زندگی خود را می‌گذرانند. «به نظر او یک روزنامه‌نگار اول باید کشور خودش را که از آن صحبت می‌کند خوب بشناسد. چنانچه روزنامه‌نگاری کشورش و فرهنگ موجود در جامعه‌اش را نشناسد روزنامه‌نگاری نیست که با دقت بتواند در مورد خیلی مسائل اظهار نظر کند. «حسن زاده باور دارد که «مطبوعات قیم مردم نیستند و برعکس نیروهایی هستند که اطلاعات و اخبار درست را از وضعیت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند به مردم می‌رسانند. «او منتقد وضعیت موجود است و می‌گوید: «مطبوعات در جایگاه خاص خودشان قرار ندارند. برخی برای مطبوعات ارزش قائل نمی‌شوند. در اینجا کسانی به اسم مطبوعات عمل می‌کنند و سرنوشت جامعه را تغییر می‌دهند که مطبوعاتی نیستند. یک سری عناصر ناشناخته وارد کار مطبوعات شدند و مطبوعات و کار فرهنگی را با کار سابق خود اشتباه گرفته‌اند و فکر می‌کنند صبح که از خواب بیدار می‌شوند باید یکی را ارشاد کنند و یکی را بگویند. «حسن زاده از نبود روزنامه‌نگار در جایگاه واقعی خودش و این که مسئولان کشور مطبوعات را نمی‌شناسند و هیچ وقت برای مطبوعات ارزش قائل نشده‌اند، گله دارد. او بر این باور است که «آقایان در کلام حمایت کرده‌اند و در عمل هیچ ارزشی برای مطبوعات قائل نشده‌اند. همیشه خواسته‌اند چهارتا آدمی را که وابسته به

خودشان است روی کار آورده و با آنها یک نظام مطبوعاتی علم کنند. مثلاً انجمن شکل می‌گیرد و وقتی به پیکره آن نگاه می‌کنی می‌بینی که آقایان اکثر روزنامه‌نگار حرفه‌ای نیستند. «این روزنامه‌نگار با تجربه معتقد است: «بی توجهی به روزنامه‌نگار، آثار منفی به خودش را به جا می‌گذارد، اما خیلی‌ها به آن توجهی نمی‌کنند و هشدارها اثر ندارد. «او هم چنین نگران

جامعه است و می‌گوید: «برخی جوانان ما، جوانان سیاسی آگاه و عمیقی نیستند و بیشتر سطحی فکر می‌کنند. «حسن زاده هم اکنون مشغول تدوین کتاب‌هایش در حوزه‌های مطبوعات و موسیقی و تاریخ است.

یادداشت میهمان

فاطمه مشهدی غیرت ره بلاره!

از سال ۲۵۲ قمری که یک مازندرانی (معزالدوله دلیلی) بعد از ۳۹۰ سال از عاشورا طبل رقصی بنی عباس را خفه کرد و صدای یا حسین را در بغداد راه انداخت و اولین سینه‌زنان و دسته‌روی رازنان در بغداد راه انداختند، می‌گذرم. از پانصد سال بعد از



حسین اسلامی ساروی نویسنده و پژوهشگر

عاشورا می‌خواهم بگویم، بعد از اینکه شیعه و سنی و اسماعیلیه و شافعی و حنفی، خلفای عباسی و ایوبیان همه باهم دشمنی کردند تا مغول سرزمین‌های اسلامی را شخم کند، اتفاق جالبی افتاد، چنگیز که مرد پرسرش اوکتای جانشین شد (۶۲۶-۶۳۹ ه. ق). اوکتای که مرد، چهار سال اوضاع دربار مغول نابسامان شد. تکلیف جانشینی روشن نشد، در این مدت تورکینا خاتون همسر رسمی اوکتای، نایب السلطنه شد. در این اوضاع در هم برهم، اسرای ایرانی در دربار مغول جان گرفتند. این اسرا که از خراسان بودند در حمله مغول اسیر شده به مغولستان برده شدند، همانجا عده‌ای با زیرکی به دربار مغول (اوکتای) راه یافتند. در میان این اسرای ایرانی زنی به نام فاطمه خاتون بود که به دربار مغول و در نزد تورکینا خاتون جایگاهی پیدا کرد. کار بد آنجا رسید که او نقش مؤثر در حفظ منافع مسلمانان پیدا کرد و بزرگان خراسان و سادات مشهد به نزد او رفتند. به وسیله او عده‌ای از ایرانیان شیعه به دربار خان مغول راه یافتند و مصد امور مربوط به ایران شدند. محمود بلواج و پسرش امیر مسعود از آن جمله بودند. فراموش نکنیم که تورکینا خاتون یک مسیحی بود، و فاطمه خاتون یک ایرانی شیعه بود، یک زن اسیر و غریب، مسلمان، شیعه، در دربار مغول در کشور غریب، وقتی غیرت‌زنانه اش، غیرت مذهبی اش، شرافت ایرانی اش، شکوفه بدهد، گل بکند، به بار بنشیند، چه میوه‌های شیرین که نمی‌دهد. کام بشر را شیرین می‌کند، غیرت هم غیرت‌زنان، وزمانی که راه و رسم زینب را بروی، در نهایت شهید شیرین شهادت هم به بها می‌دهند که بهشت را به بهانه نمی‌دهند. فاطمه خانم عاقبت به خیر شد. وقتی تورکینا خاتون پسرش گیوک (۶۳۹-۶۴۷) را شاه کرد، پسرش مسیحی بود و دار و دسته‌ی مسیحی این شاه در یک دسیسه‌ی حساب شده این فاطمه خانم را به اتهام سحر و جادو دستگیر و محاکمه و شکنجه و به قتل رساندند. از این قتل و ترور شخص و شخصیت، تاریخ زیاد دیده، اما همیشه نتیجه‌ی عکس داده است. فاطمه خانم از سادات علوی هم بود. حالا که تا اینجا آمدیم یک گام جلوتر بگذاریم، یک چشمه‌ی دیگر از این بازی‌ها را در تاریخ ببینیم که بی ارتباط به این ترور و حذف فیزیکی فاطمه خانم نیست. گیوک در ۶۴۷ ه. ق مرد. بعد منگوقا آن از ۶۴۸ تا ۶۵۷ حکومت کرد و هم اوست که برادرش هلاکو خان مغول را به ایران می‌فرستد، تا بساط اسماعیلیه را جمع کند. اسماعیلیه، زیادی در حذف فیزیکی اشخاص جلورفته بودند، با آدم کشی و ترور، آن زمان هم جواب نگرفتند. این آقای هلاکو خان به ایران آمد و تشکیلات عظیم اسماعیلیه را در هم پیچید، بعد هم به بغداد هدایت شد و بساط بنی عباس را به هم ریخت، و این یک نفس عمیق شیعه بعد از عاشورا بود. اتفاقاً یکی از عوامل تحریک مغولان علیه اسماعیلیه، علمای سنی مذهب قزوین بودند که همسایه‌های الموت هستند. بعد از برافتادن اسماعیلیه و بنی عباس، شیعیان در جایگاه معمولی و مناسب قرار گرفتند، و باز یادمان نرود که اسماعیلیه را هم از درون اسماعیلیه و خودی‌ها نابود کردند. ترور کردن بهانه‌ای شد که مغولان را به جان آنها بیندازند، اما امان از ستون پنجم، امان از گندم‌نماها. از درون همان قلعه‌های سر به فلک کشیده‌ی اسماعیلیه به کمک مغولان رفتند، عیب کار اسماعیلیه این بود که هم شیعیان، هم اهل تسنن و هم مسیحیان با آنها مخالف بودند. اسماعیلیه خروس جنگی شده بودند، لات هم همیشه در تاریخ وجود دارد، لات آن زمان مغول‌ها بودند. فقط آدم لات نداریم، رژیم‌های لات هم داریم. بحث غیرت‌زنانه بود که همیشه در تاریخ کار ساز شد، بهتر است خودمان را باور کنیم، زنان را که مادران، همسران، خواهران و دختران ما هستند باور کنیم و موضوع کار آئی و نقش سازنده‌ی زنان را در تاریخ باور کنیم. حالا به عنوان زنان توانمند تاریخ ایران که مازندرانی هم بودند اشاره کنم، ملکه صفوی که مادر شاه عباس بود مازندرانی است، او شخص اول دربار بود، ملکه آل بویه در ری که او هم شخص اول مملکت بود یک زن مازندرانی است. و...

در نشست مطبوعاتی نماینده قائم شهر، کیاکلا، سوادکوه و جویبار شد:

حسینی: من و علیپور کیاکلا را شهرستان کردیم

درباره نساجی وعده ای ندادم



عصر پنجشنبه گذشته سیدهادی حسینی - نماینده قائم شهر، کیاکلا، سوادکوه و جویبار و عضو کمیسیون عمران مجلس در نشست مطبوعاتی خود به سوالات خبرنگاران پاسخ گفت. چکیده اظهارات حسینی به نقل از خبرنگار مازندنامه در پی آمده است.

استان دیگر ظرفیت ادامه کار پرچهره را نداشت

وی در پاسخ خبرنگاری که در مورد جابجایی پرچهره - مدیرکل ورزش و جوانان استان مازندران - ابراز داشت: برداشتن آقای پرچهره خیلی تلاش نمی خواست در ثانی آقای پرچهره شش سال مدیرکل استان بودند و بنده هم همواره در طول این مدت از وی حمایت کردم. نماینده مردم قائم شهر ادامه داد: استان دیگر ظرفیت ادامه کار پرچهره را نداشت چرا که همه توجهات معطوف به یک شهرستان شده بود و تقریباً بقیه شهرها فراموش شده بودند. وی با اشاره به شروط خود برای تغییر در مدیریت ورزش استان گفت: شرط اول این بود که از پرچهره در جای دیگر استفاده شود و شرط دوم اینکه کسی که بر مسند ورزش استان می نشیند از نیروهای باتجربه جامعه ورزش باشد.

دو میلیارد تومان برای نساجی بودجه تامین شد

حسینی در پاسخ به سوال خبرنگار دیگری در خصوص هماهنگی مجمع نمایندگان مازندران و شهرستان افزود: این اتحاد در ادوار گذشته وجود نداشت و ما امروز با دیگر نماینده این شهرستان کمال علیپور - کارها را با مشارکت و مساعی همدیگر انجام می دهیم. وی به حضور مدیرعامل شرکت راه آهن در مازندران و بازدید از ایستگاه ها از گدوک تا قائم شهر، تعامل و همکاری با مدیران منابع طبیعی، رازی با مسئولان محیط زیست در خصوص مشکل سد کسلیان اشاره کرد و گفت: مبلغ دو میلیارد تومان هم برای نساجی بودجه تامین شد که به حساب تامین اجتماعی واریز شده است. حسینی با بیان اینکه با این مبلغ در حدود ۲۱۵۰ کارگر بازنشسته به حق خود رسیدند و دوباره به زندگی بازگشتند افزود: در خصوص ادامه کار نساجی و نحوه فعال شدن فازهای دیگر هم جلسات مختلفی تشکیل شده است.

درخصوص نساجی وعده ای به مردم ندادم

وی به شهرستان شدن سیمرغ - کیاکلای سابق - هم اشاره کرد و گفت: همه این موارد حاصل کار مشترک بنده و آقای علیپور است. نماینده مردم قائم شهر گفت: در خصوص افزایش حقوق کارگران فولاد هم پیگیری ها انجام شد و امروز اکثر این کارگران حقوق شان دو برابر شده است. وی در پاسخ به سوال خبرنگار دیگری درباره نساجی قائم شهر و وعده انتخاباتی راه اندازی آن به مردم اظهار داشت: بنده در این خصوص وعده ای به مردم ندادم. حسینی ادامه داد: نساجی از مطالبات مردمی است که اکثر نمایندگان دور سوم به بعد دغدغه جدی در مورد آن داشتند. وی گفت: این سوال را از کسانی پرسیدم که در انتخابات می گفتند دستگاه ها را از سوئیس آورده ایم و خود فلانی رفته است و دارد می آورد و بعد انتخابات هم نامه نوشتند و گفتند که دستگاه ها چینی است. حسینی ادامه داد: بردن نساجی به حاشیه سیاسی به روند راه اندازی و ادامه کار آن آسیب می زند. نماینده مردم قائم شهر گفت: دکتر حسینی - وزیر اقتصاد - که سخت معتقد به راه اندازی توسط سرمایه گذار بود اکنون به این نتیجه رسیده است که باید سرمایه دار خلق ید شده و سرمایه به بانک باز گردد. وی بیان کرد: به اعتقاد ما قسمت های قابل تفکیک نساجی باید جدا شده و در اختیار سرمایه گذران متعدد قرار گیرد و با راه اندازی بخش های تفکیک شده احیای کل کارخانه نساجی محقق خواهد شد. حسینی ادامه داد: در آخرین تماس نماینده سرمایه دار با بنده وی از خلق ید شدن سرمایه گذار ابراز نگرانی کرده بود و گفته است که اگر

نماینده مردم قائم شهر گفت: این توزیع در حالی اتفاق افتاده است که قائم شهر لنگ چهار میلیارد تومان جهت خرید زمین برای دفع فاضلاب و جذب اعتبار ۲۵ میلیارد تومانی این موضوع از بانک جهانی است.

اگر مدیر اداره ای ناکارآمد باشد، جابجایی صورت خواهد گرفت

وی در پاسخ به سوال خبرنگار دیگری که از جابجایی مدیران و دخالت های سیاسی نمایندگان سوال پرسیده بود افزود: اگر مدیر اداره ای ناکارآمد باشد قاعدتاً جابجایی و تغییر صورت خواهد گرفت. عضو مجمع نمایندگان مازندران با اشاره به نامناسب بودن تغییرات انجام شده در شهرستان گفت: در قبل هم این کار با دخالت عناصر سیاسی انجام می شد، مثلاً رییس اداره ای را یک نماینده و معاونش را نماینده دیگر انتخاب می کرد. حسینی ابراز داشت: بنده معتقدم اگر بتوانیم مقاومت کنیم و در این عزل و نصب ها دخالت نکنیم بهتر می توانیم کار نظارتی خود را انجام دهیم.

بسم الله الرحمن الرحيم!

نماینده مردم قائم شهر در پاسخ به سوال خبرنگار دیگری که از شائبه های رسانه ای در استان و شهرستان از رفتار دوگانه وی در مورد احمدی نژاد دولت (اینکه وی جزو نمایندگانی بوده است که سوال از ریاست جمهوری را امضا کرده و سپس در سفر استانی همراه رئیس جمهوری و تعامل وی با احمدی نژاد در خصوص شهرستان شدن سیمرغ) اظهار داشت: بسم الله الرحمن الرحيم! این جانب سید هادی حسینی عضو هیئت دسته، گروه و جناح سیاسی نیستم. وی ادامه داد: سوال ما از رییس جمهوری یک سوال کاملاً اقتصادی بوده است، چرا که مشکلاتی که در حوزه ارز وجود داشت کم کم معطوف به سمت رهبری می شد. حسینی ابراز داشت: ما پنج وزیر را به مجلس دعوت کردیم اما همه آنها گفتند تا یک آستانه ای به ما مربوط است و از یک جایی به بعد به ما ربطی ندارد و رییس جمهوری می داند. عضو مجمع نمایندگان مازندران افزود: وقتی ما دیدیم همه می گویند به رییس جمهوری مربوط است، خوب ما هم باید از احمدی نژاد سوال می کردیم که این موضوع جهت دار نشود و به سمت رهبری نرود. وی ادامه داد: سوال پرسیدیم و تا آخر هم پای این سوال ایستادیم و وجود اینکه فشار بسیار زیادی به ما می آوردند. عضو کمیسیون عمران مجلس گفت: ما آن جا که باید انتقاد کنیم انتقاد می کنیم و آنجایی هم که باید سوال کنیم، سوال می کنیم.

نباید به مردم دروغ گفت

نماینده مردم قائم شهر در مجلس شورای اسلامی در پاسخ به سوال خبرنگاری در خصوص آمارهای موجود در کشور و استان افزود: معتقدم نباید به مردم دروغ گفت. وی ادامه داد: بحث ما در استان هم با استاندار در همین مورد است که اگر ۱۰۲ هزار شغل سال گذشته در استان ایجاد شده است چرا پس اکنون در حوزه اشتغال ما هنوز دچار مشکلیم؟ حسینی در پاسخ به سوال دیگری در خصوص افزایش مبلغ یارانه به مردم اظهار داشت: دولت پیشنهادش ۴۰ هزار میلیارد بود که مجلس ۲۰ هزار میلیارد را تصویب کرد و دولت ۲۰ هزار میلیارد کم داشت. وی ادامه داد: ما معتقدیم این کمبود از محل مابه التفاوت فروش ارز تامین می شد. (حسینی در ادامه گفت: البته بسیاری از کارشناسان بر این اعتقاد هستند شما از من نشنیده بگیرید) این نماینده مجلس گفت: این موضوع ادامه داشت تا اینکه مجلس تصویب کرد که دولت حق پرداخت یارانه مرحله دوم را ندارد و بنابراین این از نظر ما اضافه کردن یارانه و چند برابر شدن آن به این شکل منتفی است. گفتنی است این نشست در سالن مرکز بهداشت و درمان شهرستان قائم شهر برگزار کرد

تحقیق و تفحص بی سابقه بود
حسینی در پاسخ به خبرنگار دیگری که موضوع تحقیق و تفحص از استانداری را با بده و بستان های سیاسی حل شده دانست اظهار داشت: بعد از انقلاب و در کل استان این موضوع کار بی سابقه ای بوده است که مجمع نمایندگان توانسته است مدیریت استان را به چالش بکشاند. وی گفت: چیزی تحت عنوان معامله سیاسی در کار نیست و معامله ما بر سر توسعه همه جانبه استان است و تا جایی هم که استاندار و مدیران استان به اشتباهات خود اعتراف نکنند و در صدد جبران آن برنایند کوتاه نخواهیم آمد. حسینی ادامه داد: با حضور استاندار در مجلس شورای اسلامی وی توزیع اعتبارات را حق قانونی خود و از

برداشتن پرچهره خیلی تلاش نمی خواست/
استان دیگر ظرفیت ادامه کار پرچهره را نداشت/ دو میلیارد تومان برای نساجی بودجه تامین شد/ مجمع نمایندگان توانسته است مدیریت استان را به چالش بکشاند/ اگر مقدار کمی از این اعتبارات برای پل چالوس هزینه می شد این اتفاق نمی افتاد/ نباید به مردم دروغ گفت.

اختیارات خود دانست و زمانی هم که لیست توزیع اعتبارات به مجلس ارائه شد در آن مجموعاً ۱۱۵ میلیارد تومان به غرب استان و ۲۰ میلیارد تومان هم در سایر مناطق استان هزینه شد. وی با بیان اینکه این جفا در حق استان بود، افزود: اگر مقدار کمی از این اعتبارات برای پل چالوس هزینه می شد این اتفاق نمی افتاد و یا اگر مبلغ کمی برای به شهر هزینه می شد آن سیل و خسارات و حشتناک به وجود نمی آمد.

این کار صورت نگیرد آمادگی سرمایه گذاری و همکاری دارد که در این صورت هم همان پیشنهاد ما کاربردی خواهد بود.

ایجاد اشتغال از وظایف نمایندگان نیست

نماینده قائم شهر در پاسخ به سوال خبرنگار دیگری در خصوص افق اشتغال جوانان با راه اندازی نساجی ابراز داشت: ایجاد اشتغال از وظایف نمایندگان نیست و باید این موضوع در برنامه ریزی افق و چشم انداز کشور مورد توجه قرار گیرد و این تدابیر منجر به ایجاد اشتغال شود. وی علی رغم این موضوع نساجی و احیا معادن در دستور کار ما قرار داشته است. حسینی با بیان اینکه بحث احیای





اشکالات حقوقی تشکیل شهرستان سیمرغ

تهران چاق تر، استان ها لاغرتر

بیشتری بهره گرفتند موفقیت بهتری داشته و مشمئزتر بودند.

* بخش دوم شهرستان سیمرغ کجاست؟

نمایندگان مازندران در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۱۲ خطاب به رییس محترم جمهوری، ۱۱ درخواست برای بخش کیکالا از شهرستان قائمشهر زادگاه امیر سرلشکر خلبان شهید احمد کشوری داشتند که نخستین درخواست شان ارتقای بخش کیکالا به شهرستان سیمرغ بود. برخی پایگاه های خبری، نوشته ای از یادداشت مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۸ آقای دکتر احمدی نژاد رییس جمهور را منتشر نمودند که به امضای آقای طاهایی استاندار محترم، آقای موسوی رییس دفتر محترم رییس جمهور و آقای حسینی نماینده محترم مردم حوزه انتخابیه قائمشهر در مجلس شورای اسلامی رسید و در آن نام شهرستان سیمرغ ذکر شد. در ادامه بعضی پایگاه های اطلاع رسانی این اقدام را از پیگیری های آقای حسینی که در نشست منزل مادر شهید کشوری برگزار شد دانسته و برخی دیگر نیز از اقدام نماینده دیگر حوزه انتخابیه مجلس (آقای علیپور) دانستند. پایگاه دیگر اطلاع رسانی به نقل از آقای علیپور نماینده مجلس نوشت: مادر شهید کشوری پیگیر تبدیل بخش کیکالا به شهرستان سیمرغ بود و ادامه داد: نماینده سوادکوه، قائمشهر و جویبار در مجلس شورای اسلامی به سابقه پیگیری ایجاد شهرستان سیمرغ و قول ۲ سال پیش رئیس جمهور به مادر شهید کشوری اشاره کرد و ادامه داد: شهید کشوری به مادرش گفته بود: "شما در کیکالا بمانید تا کیکالا، کیکالا شود". با این که کیکالا قدمت آن از جویبار بیشتر است و زمانی هم جزو



رضا اصغری
کارشناس ارشد حقوق عمومی

شهرستان بابل بود، همچنان از کمبودها رنج می برد. از دلایل مهاجرت مردم از این بخش نیز فقدان وجود پاسخگویی (با اولویت نظام اداری الکترونیکی همانند بخش های دور دست استان) و ارائه تسهیلات مناسب و مهمتر از آنها، ضعف وحدت عمومی برای جمع آوری سرمایه های یکدیگر جهت سرمایه گذاری

طرح های اشتغال زای مرتبط با کشاورزی و تاکید بر اجرای صحیح ضوابط می باشد. پرسشی پیش می آید که نمایندگان محترم مجلس آیا در اجرای نظارت بر حسن اجرای قانون بود که پیگیر چنین تغییر تقسیماتی بودند؟ اگر چنین بود جای دارد هم استانی های عزیز بدانند: الف - برابر ماده ۷ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵ با اصلاحات بعدی، شهرستان از به هم پیوستن چند بخش به وجود می آید. حال بخش دوم شهرستان سیمرغ کجاست؟

ب - شهرستان قائمشهر که از گذشته دارای ۲ بخش مرکزی و کیکالا بود، بخش دوم آن چیست؟ پ - در راستای تبصره ۱۱ ماده، حداقل جمعیت شهرستان با در نظر گرفتن وضع پراکندگی و اقلیمی به دو درجه تراکمی به شرح زیر تقسیم می شود: الف - تراکم زیاد ۱۲۰۰۰۰ نفر. ب - تراکم متوسط ۸۰۰۰۰ نفر. در حالی که آمار فعلی بخش کیکالا کمتر از نصاب تعیین شده است.

ت - برابر ماده ۱۳ این قانون، هرگونه انتزاع، الحاق، تبدیل، ایجاد و ادغام و نیز تعیین و تغییر مرکزیت و تغییر نام و نامگذاری واحدهای تقسیمات کشوری، به جز استان بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران

خواهد بود. در صورتی که پیشنهادی از سوی وزارت کشور یا نماینده آن وزارت برای تبدیل بخش به شهرستان ارائه نشد.

* تجربه تغییر مداوم تقسیمات کشوری

در کشورهای غربی، شهر شامل شهر و حریم شهر شامل روستاهای اطراف آن است که دارای حداقل ۱۵۰۰۰۰ نفر جمعیت است که در تقسیمات کشوری ما شامل بخش بوده و مدیر اجرایی آن بخشدار است؛ ولی در ضوابط تقسیمات کشوری شوراها، بخش شامل دهستان ها (بدون شهر) می باشد. در آن کشورها شهردار با رای مستقیم مردم انتخاب شده و علاوه بر نظارت شورای شهر (انجمن شهر)، پست بخشدار ما که نماینده دولت در بخش است، نماینده دولت در شهر است.

* قانون چه می گوید؟

در ماده ۱ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ با اصلاحات و الحاقات، در هر محل که جمعیت آن حداقل به پنج هزار نفر بالغ باشد شهرداری تاسیس می شود. تبصره ۱ این ماده افزود: در هر نقطه که از نظر موقعیت و اهمیت تشکیل شهرداری ضرورت داشته باشد ولو جمعیت آن به پنج هزار نفر بالغ نشود وزارت کشور می تواند در آن محل دستور تشکیل شورا (انجمن) و شهرداری بدهد و چنانچه پس از تشکیل شهرداری در نقاط مزبور ضمن عمل معلوم شود عوارض وصولی تکافوی هزینه شهرداری را نمی نماید و با در نظر گرفتن وضع اقتصادی و مالی محل برای اداره امور شهرداری در آمد جدیدی نمی توان تهیه نمود وزارت کشور مجاز است شهرداری این قبیل نقاط را منحل نماید. تبصره ۲ این ماده افزود: در نقاطی که فقط در بعضی از فصول برقراری شهرداری لازم باشد برای فصل مزبور و همچنین برای چند محل که به یکدیگر نزدیک و جمعا اقتضای تشکیل شهرداری داشته باشند می توان یک شهرداری تاسیس کرد. در ماده ۷ قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی و تعیین وظایف آن مصوب ۱۳۵۲.۴.۱۶، ایجاد شهر ماکو به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی و تصویب شورای عالی شهرسازی بود. طبق ماده ۱ قانون ایجاد شهرهای جدید مصوب سال ۱۳۸۰، شهر جدید به نقاط جمعیتی اطلاق می گردد که در چهارچوب طرح مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران که از این پس به اختصار شورای عالی نامیده می شود در خارج از محدوده قانونی و حریم استحفاظی شهرها (هر کدام که بزرگتر باشد) برای اسکان حداقل سی هزار نفر به اضافه ساختمانها و تاسیسات مورد نیاز عمومی، خدماتی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن پیش بینی می شود. ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵، شهر. محلی است که در محدوده بخش واقع شده و حداقل دارای ده هزار نفر جمعیت باشد.

ادامه این مطالب را در سایت مازندنومه بخوانید

طبق اصل هفتم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظائر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند که باید در تصمیم گیری ها و نظارت بر حسن اجرای تصمیم ها چنین رویکردی داشته باشند. اما آیا این گونه است؟ بد نیست به چند نمونه از مصادیق بپردازیم.

* نمایندگان اولویت بندی ندارند

نمایندگان محترم مردم استان مازندران (با پیگیری کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور مجلس شورای اسلامی) در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۳۰، جلسه بررسی تحقیق و تفحص از توزیع منابع مالی و بودجه استانداری مازندران را با حضور وزیر کشور در دستور کار قرار داد. ولی پرسیده می شود که آیا نباید برای وقت نمایندگان مجلس که از آن مردم است اولویت بندی نمود؟ برای مثال بودجه ای که مجلس سالانه به تصویب می رساند و باید دخل و خرج یک ماه را نشان دهد، بدون مراقبت کافی از تهران خارج می شود و تهران همچنان چاق تر شده و استان ها به ترتیب دوری با مرکز، محروم تر می شوند. دریافت مطالبات بانکی از دیگر دغدغه های عمومی برای ارائه تسهیلات بانکی جدید به نیازمندان دارای اولویت است که همراهی در وصول صورت نمی گیرد. در کشورهای پیشرفته چنانچه فردی قسط بانکی خود را به تاخیر اندازد با زدن یک دکمه، کل معامله وی تعطیل شده و امکان ادامه زندگی با مانع مواجه می شود یا به فردی که بد حساب است وام با در صد کارمزد بیشتری تسهیلات جدید اعطای می شود.

* اولویت ها چیست؟

برای شناسایی اولویت ها ابتدا باید برنامه ریزی نمود. هر شخصی برای برنامه ریزی، نیازمند مطالعه است. مشکلی که اکنون میان نماینده های محترم وجود دارد این است که نمایندگان هر دوره، برنامه خاصی برای پیشرفت نداشته و نسبت به تحویل و تحول تلاش های نماینده های قبل و جدید، گزارشی به مردم استان ارائه نمی دهند که قبلی ها چه کردند و اینان چه می خواهند بکنند؟ قرار بود مجمع نمایندگان استان مازندران تغییر روشی نسبت به گذشته صورت دهد که وحدت و اسرلوحه کارش قرار داده و (برابر اصل هشتاد و چهارم قانون اساسی) نگرش استانی را بر حوزه انتخابیه ترجیح داده و این تلقی را در ذهن داشته باشند که هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است؛ اما برای تغییر قانون حوزه انتخابیه به استان تاکنون برنامه ای ارائه نشد. تاریخ نشان داد نماینده های مجلسی که تاکنون پیش از تصمیم گیری از ظرفیت کارشناسی

درباره دفتر نمایندگی وزارت خارجه در مازندران

مازندران شورای روابط خارجی می خواهد



ایرج نیاز آذری
روزنامه نگار

مهم در بحث ارتباطات بین المللی فراهم شدن زمینه مشارکت مراکز علمی و دانشگاهیان استان مازندران در علمی نمودن مطالعات و فرآیند ارتباطات منطقه ای است. وجود رشته علوم سیاسی با گرایش های روابط بین الملل و مطالعات منطقه ای و مدیریت بازرگانی در مراکز آموزش عالی مازندران فرصت مناسبی برای رویکرد علمی همکاری بین المللی

استان است. نگاه فرمانتفه ای به مباحث توسعه پیش نیاز هایی دارد که بایسته است در سیاستگزاری های استانی لحاظ شود. فراهم نمودن زیرساخت ها، آموزش تجار و بازرگانان، مطالعه و شناخت علمی تحولات کشورهای منطقه و برگزاری نشست های علمی و آموزشی در دستگاه های اجرایی، اتاق بازرگانی و دانشگاه های استان از الزامات رفتار فرمانتفه ای مسوولان، دانشگاهیان، تجار و رسانه های گروهی است. تدوین سند ارتباطات بین الملل توسط نهادهای ذی مدخل و اتخاذ راهبرد منسجم استانی متأثر از سیاست های ملی آینده درخشانی را برای وجوه

یاد آور شد که برای استفاده از فرصت و منافع با ارزش اقتصادی منطقه ضرورت ایجاد ساختار و تشکیلات اداری و سازمانی در استان مازندران یک اولویت حیاتی است که استاندار مازندران در نشست اخیر هم اندیشی با مدیران سایت های استان، تاسیس نمایندگی وزارت امور خارجه در ساری رادر همین راستا برشمرد. پس از استقرار نمایندگی وزارت امور خارجه،

ترسیم چشم انداز ی روشن برای روابط بین الملل وهماهنگ کردن برنامه های برون مرزی دستگاه های اجرایی، دانشگاه ها و بخش خصوصی از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار بوده و تشکیل «شورای روابط خارجی استان مازندران» مورد تاکید است. به اعتقاد صاحب این قلم استان های شمالی تاکنون از فرصت فرا منطقه ای استفاده حداقلی داشته اند، در صورتی که زمینه مساعد اقتصادی و تجاری کشورهای حاشیه دریای خزر ایجاب می کند مقامات استان، فعالان بخش خصوصی و رسانه گروهی جهت گیری و چشم انداز روشنی به این موضوع داشته باشند. از دیگر نکات

رسانه های گروهی به نقل از رئیس نمایندگی وزارت امور خارجه در مازندران اعلام کردند: به منظور بررسی آخرین وضعیت و برنامه های مربوطه به مذاکرات رژیم حقوقی دریای خزر، فعالیت های اقتصادی، مسائل محیط زیست، مسائل امنیتی و همچنین ایجاد اجماع ملی و تحرک در تحقق اهداف مصوب کشور در خصوص دریای خزر نشست مذکور در مازندران برگزار خواهد شد. خبر برگزاری هم اندیشی دریای خزر از آن جهت اهمیت دارد که توسعه استان های شمالی به ارتباط مؤثر با کشورهای دریای خزر گره خورده است. در عصر حاضر نمی توان در قبال همکاری های بین المللی و منطقه ای بی تفاوت بود، چراکه تعمیق این همکاری ها منافع فراوانی برای بازیگران منطقه ای خواهد داشت. پس از فروپاشی شوروی بازیگران منطقه ای افزایش یافت و جایگاه مازندران در ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک منطقه خزری چنان با اهمیت شد که در سیاست های راهبردی وزارت خارجه و برنامه ریزی های مهم استانی نقش آفرینی کند. نگارنده در چند دیدار رسانه ای با استاندار دور اندیش مازندران و طی چند قلم، حساسیت همکاری های بین المللی را برای توسعه پایدار مازندران خاطر نشان ساخته،

مختلف توسعه مازندران فراهم می کند. حضور و سرمایه گذاری فعالانه مازندران در معادلات و مبادلات منطقه ای بازی برد - برد عاید استان می کند. ویژگی های ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک منطقه خزری - که اهمیت بین المللی آن کمتر از خلیج فارس نیست - عزم ملی کشور برای سرمایه گذاری در این منطقه را می طلبد. متأسفانه در سیاست خارجی کشورمان توجه لازم به این منطقه نشد در حالی که کشورهای بزرگ و غیر منطقه ای سرمایه گذاری های هنگفتی برای حضور در کشورهای دریای خزر داشته و دارند. بدون شک سرمایه گذاری در کشورهای حاشیه خزر به حداکثر سازی منافع بخش های مختلف استان مازندران می انجامد و حل بسیاری از مشکلات اقتصادی استان در گرو حضور فرمانتفه ای به خصوص منطقه خزری است. با توجه به پیشینه تاریخی، تشابهات فرهنگی و آیینی؛ ترانزیت کالا و خدمات، گردشگری، مبادلات اقتصادی و تجاری، همکاری های علمی و فرهنگی بسترهای مؤثری برای تعمیق روابط بین الملل استان های شمالی با کشورهای حاشیه دریای خزر است. اگر برگزاری نشست هم اندیشی خزر در دستور کار دستگاه های ذی ربط قرار دارد پیشنهاد نگارنده برگزاری آن در دانشگاه مازندران است.

یک فیلم او را عاشق مازندران کرد

امامعلی حبیبی قهرمان بلند آوازه کشتی جهان دیدار کند. کسی که فخر بزرگ زندگی این دیپلمات ازبکستانی محسوب می شود. وی در بچگی فیلم ببر مازندران را در سینماهای شوروی سابق دیده بود و امامعلی حبیبی به قهرمان دوران کودکی وی تبدیل شد. آنچه برای این سفیر روی داد بیانگر میزان نفوذ فرهنگ و کارکرد آن در معرفی مازندران است. وی با دیدن یک فیلم عاشق قهرمان خطه



عباس مهدوی
روزنامه نگار

مازندران شد. کشورهای عربی به دلیل برخورداری از ثروت سرشار و بادآورده نفت گردشگران دست به جیبی دارد که به دنبال جایی برای خرج کردن پولهایشان می گردند. عربها عاشق مناظر زیبای کوهستانی، جنگلی و برفی هستند. جاذبه هایی که در ديارشان یافت نمی شود. نیازهای مسلمانان این کشورها با مولفه های اروپایی گردشگری همخوانی ندارد. رعایت حجاب، غذای حلال و رفتارهای دیگر از جمله ویژگی هایی است که در کشورهای غیرمسلمان، به رغم برنامه ریزی هایی که داشته اند، چندان به آن بها داده نمی شود. کشورهای نظیر ترکیه و مالزی با شناخت کامل از مطالبات گردشگران عرب به مقصدهای برتر حضور عربها تبدیل شده اند و بهشت گردشگران عرب نام گرفته اند. ترک ها برای جلب توجه عرب ها مناظر و جاذبه هایشان را در قالب سریال های رمانتیک ترکی در قالبی گسترده از شبکه های عربی پخش می کنند و سعی در نفوذ فرهنگی در این کشورها دارند. مالیزیایی ها هم پخش آگهی های تبلیغاتی به زبان عربی را مورد توجه قرار داده اند. همین امر موجب شده تا گردشگران عربی بیشترین پول را در این کشور خرج کنند. هتل های مالزی در اوج سفرها، کارکنان مسلط به زبان عربی را افزایش می دهند. تور بیسم پزشکی و سلامت، اکوتوریسم، تور بیسم شکار و تور بیسم مذهبی از جمله مزیت های مازندران در برابر ترکیه و مالزی است. امید است فرهنگ که حلقه مفقوده مناسبات بین المللی مازندران محسوب می شود مورد توجه دیپلمات جوان وزارت خارجه در مازندران که در همین مدت کوتاه دیپلماسی سازنده و کارنامه پرباری داشته است قرار گیرد.

مازندران به بلاروس و ترکمنستان از جمله رویدادهای فرهنگی برون مرزی مازندران در سالهای اخیر محسوب می شود. سفر گروه موسیقی طالبابو برادران محمدی به بلاروس و اجرای قطعات مختلف موسیقی مازندرانی، بازتاب گسترده ای در پایتخت این کشور داشت. بلاروسی ها به اتفاق سفیر ایران در این کشور، برنامه های متعددی برای هنرمندان مازندرانی تدارک دیدند و این گروه را مورد توجه ویژه قرار دادند. موسیقی غنی و فولکور مازندران برای چهره های فرهنگی و مردم این کشور تحسین برانگیز بود. در سفرهای خارجی مسئولان استان نیز همواره چهره های اقتصادی مورد توجه قرار گرفته اند و گفتگوها و تفاهم نامه ها بر پایه ها مبادلات اقتصادی تنظیم شده اند. این در حالی است که تجارت کالا همچون فرهنگ، توانایی معرفی مازندران به مردمان سایر کشورها را ندارد. سالها پیش وزیر گردشگری مالزی در مازندران میهمان بود. مسئولان وقت برای به رخ کشیدن جاذبه های گردشگری استان، وی را در هتل انقلاب خزر پذیرایی کردند و تله کابین و زیبایی های نمک آبرود را به وی نشان دادند. وزیر مالزیایی که صریح الهجه بود، از هتل های پرستاره و تله کابین های پرجاذبه مالزی سخن گفت و به این نکته اشاره کرد که این ها برای مردم کشورش با اهمیت نیست. وی گفته بود "مولفه هایی که می تواند برای مادر مازندران جذاب و دیدنی باشد، غذاهای محلی، فرهنگ بومی و آثار تاریخی شما نظیر نیما یوشیج است".

سفیر، شیفته یک فیلم

در سفر اخیر سفیر ازبکستان به مازندران نیز شاهد تاثیرگذاری مولفه های فرهنگی و انسانی بودیم. آنچه بیش از همه الهام اکراموف را در مازندران خوشحال کرد، دیدار با ببر مازندران - قهرمان رویاهای کودکی آقای سفیر بود. اکراموف به همراه همسر و هیئت همراهش به قائم شهر رفت تا با



نقدی بر یک یادداشت

دفتر مطالعات یا شورای روابط خارجی؟



غلامعلی رنجبر
استاد دانشگاه

مرحوم فخرالدین حجازی و مرحوم آیت الله مشکینی وقتی در نزد امام به تعریف از امام می پردازند امام از آنها گلایه می کند که چرا چنین سخن می گویند. این کرنش های بی معنی در برابر فرض توانمندی های موجود در فرد موجب ایجاد غرور کاذب در افراد شده و شائبه جلب توجه برای موقعیت خواهی را زیاد می کند که شان خبرنگار و نگارنده و درد نویس مردم از این مسائل به دور است. حضرت امیر هم تاکید دارد با من مثل پادشاهان سخن نگویند. ۴- قیاس خلیج همیشه فارس با دریای مازندران از نظر اهمیت ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک صحیح نمی باشد و شاید هیچ دریایی با آن قابل مقایسه نباشد.

اما اینکه دریای مازندران از اهمیت بالایی برخوردار است تردیدی نیست و اینکه این رژیم حقوقی باید مورد توجه همه جانبه از جنبه های گوناگون قرار بگیرد هم محل ایراد نیست. اما ما در ارتباطات دانشگاهی و بهره برداری از فرصت ها ناتوان هستیم



ناشناخته است. سرزمینی که با وجود دارا بودن مواهب طبیعی کم نظیر، هزاران سال تمدن کهن و فولکور غنی و پر بارش مغفول مانده و در معادلات گردشگری خارجی جایی ندارد. نماینده وزارت خارجه در مازندران بر این باور است که شاید طبیعت مازندران برای بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیای شرقی جذاب نباشد اما برای کشورهای غرب آسیا بسیار دلنشین و جذاب است. آسیب جدی عقب ماندگی مازندران در جذب گردشگران خارجی، از همین دیدگاه نشات می گیرد. در شرایط کنونی که مازندران در ابعاد بین المللی معرفی نشده، این سامان برای حضور گردشگران کشورهای توسعه یافته اروپایی و آسیای جنوب شرقی از جذابیت های لازم برخوردار نیست. مردم این کشورها، مازندران و داشته هایش را نمی شناسند که رغبتی برای حضور در این دیار داشته باشند. کدام مرجع و پایگاه اطلاع رسانی طبیعت منحصر به مازندران، روستاهای تاریخی، غار هوتو، سایت گوهر تپه، برج ها و بنای تاریخی، معماری، آداب، رسوم و باورهای مازندرانی ها را به مردمان این کشور ها معرفی کرده که انتظار داشته باشیم، گردشگران خارجی عنایتی کنند و بار سفر به دیارمان را ببندند؟

تجربه های موفق

ظرفیت های عرصه فرهنگ و هنر مازندران برای معرفی استان به گردشگران خارجی، هیچ گاه مورد توجه جدی قرار نگرفته است. سال ها قبل مازندران میزبان جشنواره بین المللی تئاتر کشورهای عضو آکو بود. در این رویداد هنرمندان کشورها عضو آکو، به مازندران آمدند تا در جشنواره ای باشکوه، روایتگر فرهنگ کشورشان باشند. هنوز هم هنرمندان مازندرانی از این رویداد که با حضور چهره های سرشناس هنری و رسانه ای این کشور برگزار شد، به عنوان تاثیرگذارترین فعالیت هنری مازندران در ابعاد بین المللی یاد می کنند. اعزام هنرمندان فرهنگ بومی

پیگیری راه اندازی دفتر نمایندگی وزارت خارجه در مازندران را باید یکی از فعالیت های مثبت و ارزنده استنادار مازندران توصیف کرد؛ نمایندگی ای که موجب حرفه ای شدن ارتباطات برون مرزی مازندران و مناسبات بین المللی استان خواهد شد و این زمینه را تسهیل خواهد کرد. این نمایندگی در مدت کوتاه فعالیت خود منفعل نبوده و سعی کرده ایجاد شرایط بهتر برای مناسبات خارجی استان را پیگیری باشد.

پیگیری برای برقراری پرواز هوایی تاشکند ساری و افزایش سطح روابط اقتصادی از بکستان با مازندران و تسهیل در امور کنسولی مهمترین تلاش ستودنی این نمایندگی محسوب می شود. محمد جواد عیسی نیا مسئول این نمایندگی اخیراً در گفتگویی با خبرگزاری فارس به تشریح ایجاد مختلف اهداف این مجموعه پرداخته است. نکته قابل نقد این گفتگو کم توجهی به عرصه فرهنگ و هنر و قابلیت های فرهنگ بومی دیار کهن مازندران در سیاست ها و برنامه های نمایندگی وزارتخانه در استان است. در مصاحبه عیسی نیا اشاره ای به نقش فرهنگ در روابط بین المللی مازندران نشده است و تنها مولفه های پررنگ؛ اقتصاد، تجارت و بازرگانی است.

مازندران و داشته هایش را نمی شناسند

سفیر جمهوری ازبکستان در ایران در روزهای گذشته میهمان مازندران بود. تمامی نشست های این هیئت اختصاص به مباحث اقتصادی داشت و بازهم داشته های فرهنگی مازندران که بستر ساز رونق صنعت گردشگری خارجی است، به ازبک ها معرفی و شناسانده نشد. این بار هم مسئول نمایندگی وزارت خارجه، هدف از سفر هیئت ازبکستانی را اقتصادی عنوان کرد. با توجه به شرایط کنونی کشور و اعمال تحریم های جهانی، توجه به رونق اقتصادی و ارز آوری یک ضرورت اساسی محسوب می شود و تلاشی جهادی و ستودنی است، اما همه روابط بین المللی در خرید و فروش و مناسبات تجاری خلاصه نمی شود. امروزه بخش عمده ای از درآمدهای ارزی کشورهای جهان بر پایه صدور فرهنگ، پشمینه تاریخی و مردمی استوار است. فرهنگ اساس رونق صنعت پر درآمد گردشگری در بسیاری از کشورهای جهان محسوب می شود. گردشگران به نقاط مختلف جهان سفر می کنند تا با هویت بومی و تاریخی مردمان کشور هدف آشنا شوند. بسیاری از گردشگران حتی به کشورهایی پا می گذارند که در فقر امکانات رفاهی و خدماتی به سر می برند. آنچه آنها را مجذوب خود می کند، زیبایی های تاریخی و قومی است که سفر را برای شان خاطره انگیز می کند. حضور میلیونی گردشگران در کشورهای محروم آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین اثباتی است بر این مدعا. متاسفانه مازندران در آن سوی مرزها، دیاری

و با وجود تشکیل جلسات و کنفرانس های مشترک به ظاهر علمی و انجام سخنرانی های متعدد هرگز به توفیقی جز خودتعیفی برخی از مسئولان وقت و دست اندرکاران دست نیافتیم و بعد از آن دچار بیماری آلزایمر سیاسی شدیم. ۵- با وجود دانشکده علوم سیاسی در دانشگاه مازندران و دانشگاه آزاد اسلامی می توان انتظار تمرین خوبی در تحلیل وضعیت های کشورهای همسایه، میزان وابستگی های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی آنها با جهان غرب و چگونگی تاثیرگذاری بر روابطی مابین و ایجاد جریان های دوطرفه ارتباطی و تولید منافع جدید سیاسی و اقتصادی و فرهنگی داشت که همه این ها باید مد نظر تربیت یافتگان این رشته ها باشد و مسائل حقوقی و رعایت موازین بین المللی و حقوق بی الملل و علی الخصوص روش های دفاع از حقوق ایران در رژیم حقوقی دریای مازندران نیز باید در دانشکده های حقوق مد نظر قرار گیرد.

۶- به هر صورت از جناب آقای نیاز آذری به خاطر تذکر به جایی که در این مورد داشتند تشکر می شود و موارد مفیدی در این مقاله برای مورد توجه قرار گرفتن وجود دارد که ان شاء الله مدیران بالا دست در مازندران آنها را مجدانه مورد توجه قرار خواهند داد

در رابطه با مقاله «مازندران شورای روابط خارجی می خواهد» به قلم آقای ایرج نیاز آذری و ضمیمات زیر برای ایجاد «دفتر مطالعات روابط خارجی مازندران» به صورت یک مقاله جداگانه تقدیم می شود.

۱- نمی توان و نباید در قبال همکاری های بین المللی بی تفاوت بود. ارتباطات در دورانی که جهان رادر حد یک دهکده می بیند چگونه ممکن است مورد غفلت واقع شود. لذا پیشنهاد می شود دفتر «مطالعات روابط خارجی مازندران» متشکل از متخصصان علوم سیاسی، حقوق دانان و متخصصان مسائل بازرگانی بین الملل تشکیل شود.

۲- تاکنون سیاست های راهبردی وزارت خارجه در مورد دریای مازندران ضعف های بسیاری داشت و باید نسبت به تقویت آن اقدام عاجل صورت پذیرد.

۳- شاید در دوراندیش بودن استاندار، بنده هم با شما هم نظر باشم ولی ذکر آن در اینجا با مشابه سازی مواردی که در زیر می آید و هنر نگارش گری را در پی دارد که من باب امر به معروف عرض می شود:

الف - زمانی فردی از آموزش و پرورش استان قرار شده بود به فرمانداری ساری منصوب شود، نامبرده رئیس وقت آموزش و پرورش استان را یکی از ۳۳۰ تن یاران امام زمان (عج) لقب داد.

ب) فردی شهردار سابق ساری را امیر کبیر ساری

لقب داد.

ج) استانداری با صدای بلند در جلسه ای که بعداً خیلی هم رسانه ای شد، رئیس جمهوری را برتر از امیر کبیر خواند و او را محمود کبیر لقب داد.

د فردی به نام او کتابی نوشته و او را معجزه هزاره سوم ملقب ساخت تا شوهرش در دولت اهمیت بالاتری پیدا کرده و تالی تلو رئیس جمهوری بشود.

و) افرادی بادنجان دور قاب رئیس جمهوری چیده و در اولیت دوره ای که رئیس جمهوری در سازمان ملل صحبت می کرد برایش تحلیل نمود که هاله ای از نور دور او را گرفته بود و همه بر روی صندلی خود میخکوب شده بودند و تکان نمی خوردند و بعد هم در مصاحبه همین اتفاق افتاد و امام زمان (عج) برای حمایت از او همه را میخکوب کرد.

ز) فردی می گوید اگر خداوند بعد از پیامبر اسلام ختم پیامبران را اعلام نمی کرد قطعاً رئیس جمهوری پیامبر بعدی بود.

مجموع این مسائل در حالی است که فردی همانند

هوا سرد است و برف آهسته بارد

گزارش تصویری از برف زمستانی در روستای پاشاکلای ساری

مصطفی کاظمی شهبابی
عکاس مازندنومه

ولی از زوزه‌های باد پیداست
که شب مهمان توفان است امشب
دوان بر پرده‌های برف‌ها، باد
روان بر بال‌های باد، باران
درون کلبه‌ی بی‌روزن شب
شب توفانی سرد زمستان...

شعر: مهدی اخوان ثالث

هوا سرد است و برف آهسته بارد
ز ابری ساکت و خاکستری رنگ
زمین را بارش مثقال، مثقال
فرستد پوشش فرسنگ، فرسنگ
سرود کلبه‌ی بی‌روزن شب
سرود برف و باران است امشب



Mazandnume



Mazandnume



Mazandnume



Mazandnume



Mazandnume



Mazandnume



Mazandnume



Mazandnume



Mazandnume



Mazandnume

فرا تر از خبر

انتقاد امام جمعه مرزن آباد
علیخانی: مرزن آباد ناامن است

ارسالان رسولی عمارلوبی خبرنگار مازندنومه
حجت الاسلام محمود علیخانی امام جمعه مرزن آباد
با انتقاد از مسئولان در خصوص نبود امنیت در منطقه
مرزن آباد گفت: آنچه که مردم خوب منطقه ما را
نگران کرده، ناامنی است و ما از این نظر در منطقه
مشکل داریم. وی با بیان این که در خصوص مشکل
نبود سوخت، نداشتن بهداشت درمان و یاهرمشکل
دیگر می شود مردم را قانع کرد، افزود: اما وقتی
در منطقه ای امنیت نباشد چگونه می شود مردم را
دعوت به صبر و تحمل کرد؟ امام جمعه مرزن آباد با
اشاره به این که مردم نگران امنیت مال و خانواده خود
هستند، گفت: بسیاری به من مراجعه می کنند و می
گویند علناً جوانان مادر معرض خطر اعتیاد قرار دارند،
آشکارا در کوچه و خیابان شهر و روستا مواد خرید و
فروش می کنند و مسئولان ما از کنارشان به سادگی
می گذرند، البته این یک طرف قضیه است و طرف
دیگر این ناامنی که مهم نیز هست، سرقت مکرر
احشام از دامداران منطقه است. علیخانی تصریح
کرد: بعد از بارها سرقت احشام، دامداران برای
جلوگیری از سرقت بیشتر دام، خودشان دست به کار
شدند و توانستند یکی از دزدان سابقه داری که سال
ها اموال مردم را به سرقت می برد، دستگیر کنند و
تحویل کلانتری ۱۳ مرزن آباد بدهند که متأسفانه
با خبر شدیم بجای تنبیه او، با دزد مماشات می کنند و
دامداران را آزار می دهند. وی گفت: باین دزد احشام
با سابقه ۱۵ ساله سرقت، طبق سخنان رئیس قوه
قضاییه در خصوص ناامن کنندگان شهر تهران، باید به
عنوان محارب برخورد شود تا مردم احساس امنیت
کنند، نه اینکه دامداران ما بجای تولید بیشتر درسال
تولید ملی دام‌های شان را بفروشند، چرا که دامداران
ما در حال فروش دام‌های خود هستند، تنها به این
دلیل که در سال تولید ملی امنیت ندارند. امام جمعه
مرزن آباد در ادامه با اشاره به صحبت های سارق
گفت: سارق دستگیر شده گفته است من در نیروی
انتظامی و دادگاه آدم دارم. آیا این سخنان سارق
سابقه دار توهمین به قوه قضاییه و نیروی انتظامی
نیست؟! وی تأکید کرد: قاضی و نیروی انتظامی باید
خودشان شاکی باشند، بنابراین از مقامات امنیتی و
قضایی می خواهم که با محاکمه این سارق و برقراری
امنیت در محیط کاری دامداران و شهروندان آرامش
را به منطقه بازگردانند تا مردم ما به تولید و سلامت
و امنیت بیشتر امیدوار کنند. علیخانی با قدر دانی از
فرماندهی انتظامی شهرستان گفت: باینکه نیروی
انتظامی در صحنه حضور دارد ولی عملاً آمیدی به
برقراری امید در منطقه دیده نمی شود و امیدواریم
فرماندهی محترم فکری در تقویت کلانتری این
شهر بکنند.

حاصل زحمت مان را در معرض فروش گذاشته ایم

خلیل ردایی - یکی از دامداران با سابقه مرزن آباد -
در خصوص سرقت احشام خود می گوید: سال
هاست که دامدارم و من و تعدادی از دامداران
منطقه در (میان دشت) مرزن آباد مشغول دامداری
هستیم، اما در ۲ سال اخیر بیش از ۶۰ گوسفند من
به سرقت رفت. وی با بیان این که تنها گوسفندان من
نبود، گفت: سال گذشته چشم و دست و پای نادر
ردایی را بستند و ۱۰۰ راس گوسفندش را بعد از کباب
زدن و خوردن یکی از گوسفندهایش بردند که معلوم
می شود امنیت سارقان احشام از امنیت ما دامداران
در مرزن آباد بیشتر است. خلیل ردایی افزود: رستم
ردایی و رحمان ردایی که خودشان هم حاضر
هستند، هرکدام ۲ الی سه بار و هر بار ۴۰ تا ۶۰ راس از
دام شان به سرقت رفته است. وی تصریح کرد: در
حال حاضر حاصل بیش از ۱۰۰ سال زحمت خودم و
پدرم را تنها به خاطر ناامنی در معرض فروش
گذاشته ام.